

پیشگفتار

سخن ناشر

سال ۷۸ بود. بازار نشر کشور، پر بود از کتاب‌های رشته ریاضی و تجربی. مثلاً اگر می‌خواستی یک کتاب زیست‌شناسی بخری، می‌توانستی حداقل ۴۰ عنوان کتاب پیدا بکنی از ناشران مختلف. اما اگر می‌خواستی مثلاً کتاب جامعه‌شناسی پیدا بکنی، هیچ ناشری را پیدا نمی‌کردی، چرا؟ به این دلیل که تصور ناشران این بود که دانش آموز علوم انسانی، کتاب نمی‌خرد! و از طرف دیگر، تصور عمومی در آن سال‌ها این بود که «علوم انسانی مهم نیست!»

سال ۷۹، بخش انتشارات مؤسسه مشاوران آموزش، تأسیس شد و در همان سال اول، ۹ کتاب چاپ کرد که ۷ کتاب آن از کتاب‌های رشته علوم انسانی بود. یادم هست که در نمایشگاه بین‌المللی کتاب در همان سال‌ها، همکاران ناشرم، می‌گفتند: «نمی‌خواهید در رشته ریاضی و تجربی کتاب بدهید؟» و این جمله به این معنا بود: «رشته علوم انسانی که نمی‌فروشد!»

سال ۸۵ انتشارات مشاوران آموزش با فاصله‌ای بسیار معنادار مهم‌ترین نشر آموزشی و کمک آموزشی علوم انسانی کشور بود.

ما اعتماد کردیم بر آنچه درست می‌دانستیم. اعتماد کردیم بر «رشته علوم انسانی و دانش‌آموزان علوم انسانی» و بعد از ما ناشران دیگر نیز در این عرصه کتاب دادند. این حرف‌ها را گفتم که بگویم:

۱. باور دارم که تلاش ما در این سال‌ها، باوری را پرورش داد که «علوم انسانی را باید جدی گرفت!»

۲. می‌دانم که تغییری بنیادین در تدوین کتاب‌های آموزشی رشته علوم انسانی ایجاد کردیم و آن، بر اساس این باور بود که بگوییم تمامی درس‌های علوم انسانی جدی است و فقط برای ادبیات و عربی و ریاضی و منطق و فلسفه کتاب آموزشی ننویسید؛ بلکه دروس دیگر نیز مهم هستند.

۳. از همه مهم‌تر این نهال را کاشتیم و امیدواریم هرچه زودتر به درختی پربار تبدیل شود که: «دروس علوم انسانی، دروس حفظی نیست.»

و آرزویم چیست؟

آرزویم این است که دانش‌آموزان علوم انسانی و دبیران علوم انسانی، این را بدانند که «نوشتن برای علوم انسانی» آن چیزی است که دوست داشتم و دوست داشتیم به بهترین شکلش انجام داده باشیم و امیدوارم موفقیت نسبی در این راه کسب کرده باشیم.

وحدید تنها

زمان‌هایی هست که هر آدمی از کاری که انجام داده است، احساس شغف دارد. احساس رضایت از خود. احساس اطمینان از این که آنچه در ذهن داشته است را، به نتیجه رسانده است. او حس خوشایند پیروزی بر امر سخت را دارد و این که امر سخت را به جریانی سیال تبدیل کرده است، احساس غرور نیز دارد.

این حال، بهترین حال ممکن است و مصداق‌های زیادی دارد. مثلاً وقتی درس خوانده‌ای و نمره متناسب با آن گرفته‌ای یا وقتی که برنامه‌ای تنظیم کرده‌ای و به آن برنامه وفادار مانده‌ای و اجرایش کرده‌ای یا وقتی که تصمیم گرفتی برای قبولی در رشته دلخواهت یک سال با عاداتت بجنگی و بعد سر حرفت استوار ماندی یا وقتی مثل ما تصمیم گرفتی که کتابی بنویسی که «تک»‌ترین کتاب اقتصادی باشد که در حوزه آموزش دبیرستانی نوشته شده باشد و بعد از اتمام کار احساس افتخار داشته باشی.

می‌خواهیم بگوییم دوست عزیز! کتابی که نوشته‌ایم با تلاش و دقت نوشته شده است به قصد این که شما بتوانید بهترین نتیجه ممکن را بگیرید:

۱. درسنامه‌ای جامع نه خلاصه! در درسنامه‌ها مهم‌ترین کار ما این بود که همه مطالب کتاب را (نه آن بخش‌هایی که مهم‌تر هستند)، برای شما به شکلی بنویسیم که هم راحت‌تر یاد بگیرید و هم راحت‌تر به یاد بیاورید. این درسنامه‌ها، خلاصه درس نیستند، چرا که خلاصه درس همیشه چیزهایی ندارد. این درسنامه‌ها با این هدف نوشته شده‌اند که همه آنچه می‌تواند در امتحان مدرسه و آزمون‌های آزمایشی و کنکور طرح سؤال شود را پوشش دهند.

۲. روش‌های حل مسئله را گام به گام توضیح داده‌ایم: کتاب درسی اقتصاد، دارای مسئله، نمودار و جدول است. بدون توجه به این بخش از اقتصاد نمی‌توانید در این درس نمره کاملی بگیرید. ما در این مورد آرزویی داشتیم. آرزویمان این بود که بتوانیم مطالب را طوری بنویسیم که شما از ریاضیات مسائل اقتصاد نترسید. و فکر می‌کنیم تا حدود زیادی موفق شده‌ایم. این بخش روش‌های حل مسائل را به شما یاد می‌دهد. گام به گام با شما حرکت می‌کند و اگر جایی عقب بمانید می‌ایستد و سپس دوباره گام برمی‌دارد. مسائل از ساده به دشوار، از یک موضوعی تا چند موضوعی تنظیم شده است و به همین دلیل یادگیری را نیز برای شما ساده‌تر می‌کند.

۳. محاسبات ریاضی و عددی: برای اولین بار در کتاب‌های کمک آموزشی به ساده‌ترین مفاهیم ریاضی و در عین حال درس‌سازترین برای دانش‌آموزان پرداخته‌ایم. اکثر اشتباهات دانش‌آموزان نه از یادگیری سطحی مفاهیم، بلکه از بی‌دقتی در محاسبات عددی مسائل است و خبر خوبی که برایتان داریم این است که اگر با ما گام به گام همراه شوید، بی‌دقتی شما را نه تنها در درس اقتصاد بلکه در تمامی دروسی که محاسبات نیاز دارند، کاهش می‌دهیم.

۴. واژگان کلیدی عین جادو می‌مانند: در متن درسنامه‌ها واژگان کلیدی را به رنگی دیگر نمایش داده‌ایم. واژگان کلیدی واژه‌هایی هستند که شما یک متن طولانی را به کمک آنها یاد می‌گیرید. واژگان کلیدی واژه‌هایی هستند که وقتی یک صورت سؤال طولانی را در کنکور می‌خوانید می‌توانید به کمک آنها به تست‌ها پاسخ دهید. ببینید دوست عزیز، هر سؤال اقتصاد را باید در زمان بسیار کمی پاسخ دهید نزدیک به ۴۰ ثانیه! و این امر فقط به کمک واژگان کلیدی ممکن است.

۵. همه سؤال‌های کنکور سراسری و کنکورهای آزمایشی: قبل از هر چیز بدانید که ما هر سؤال کنکوری که از گذشته‌های دور تا کنون وجود داشته است را در کتاب آورده‌ایم، به این شرط که موضوع مورد سؤال و گزینه‌ها در کتاب درسی فعلی باشد. چرا که معتقدیم برخی از سؤال‌های قدیمی هنوز دارای اعتبار هستند و امکان طرح سؤال مجدد از همان مفاهیم وجود دارد اما برخی از این سؤال‌ها را با هم ترکیب کردیم. سؤال‌هایی که گزینه‌های کوتاه داشتند با ترکیب کردن چند سؤال، آنها را به تیپ سؤال‌های کنکور فعلی نزدیک کردیم. می‌توانیم به جرأت بگوییم که هیچ کتاب آموزشی در بازار وجود ندارد که با مجموعه غنی این چینی از سؤال‌های کنکور سراسری و آزمایشی همراه باشد و چیزی را از قلم نینداخته باشد.

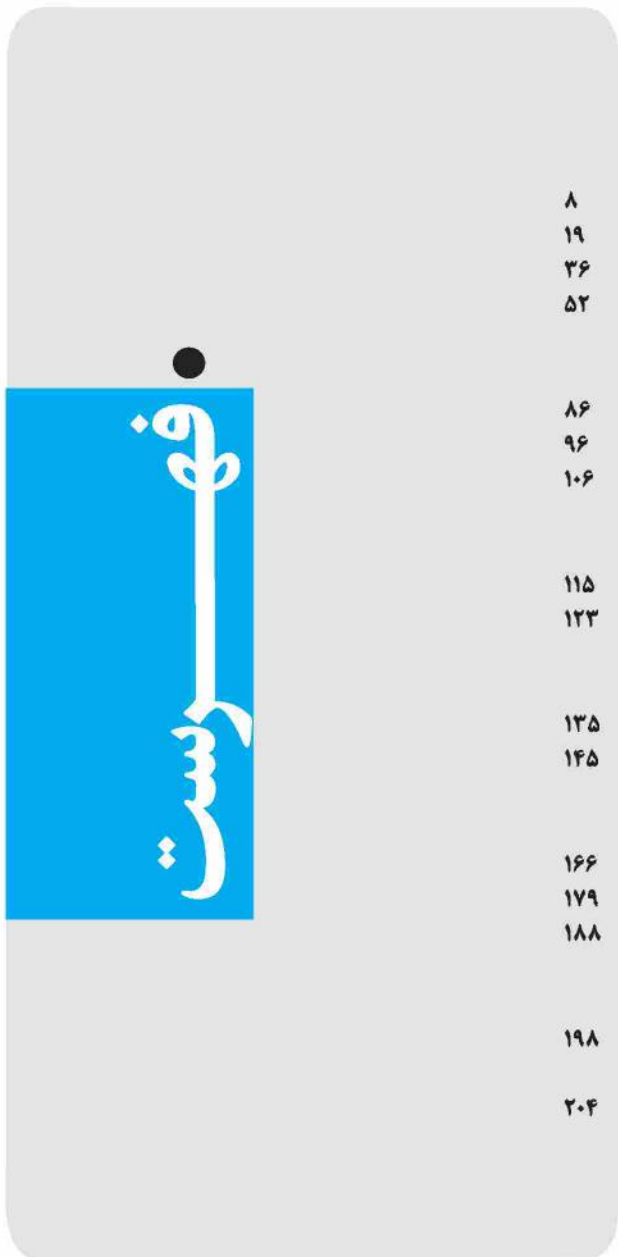
۶. چه مطالبی می‌تواند سؤال باشد ولی تا کنون از آنها سؤال نیامده است؟ سطر به سطر کتاب درسی را نگاه کردیم و اگر در کنکور سؤالی از آنها طرح نشده بود، طرح سؤال کردیم. قصدمان پوشش تمام کتاب درسی بود تا خیال شما را راحت کنیم که با جواب دادن به این سؤال‌ها چیزی از قلم نیفتاده باشد. نکته دیگر اینکه سعی کردیم الگوی طراحی سؤال‌ها را به سؤال‌های کنکور نزدیک کنیم. به تیپ سؤال‌های کنکور چهار سال اخیر. این کار بیشترین زمان را از ما گرفت اما از آن راضی هستیم.

۷. پاسخ‌نامه‌ای کاملاً تشریحی: در مورد پاسخ‌نامه‌ها نیز چنین عمل کردیم که به تمامی تست‌ها پاسخ تشریحی کامل و مفصل دادیم. پاسخنامه را با صفحه کتاب درسی ارائه کردیم تا بتوانید در مواقعی که اشکال دارید به متن کتاب درسی برگردید و اشکالتان را بر طرف کنید.

ضرب‌المثلی هست که می‌گوید: «شک آن است که خود ببوید نه آن که عطار بگوید» و این عادت است که اکثر آدم‌ها دارند و فکر می‌کنند که باید خود عطر، حکایت خوش‌بویی کند و لازم نیست که عطار محترم از آن سخن بگوید. اما ما می‌خواهیم آن عطاری باشیم که از عطری که به زحمت از باغ‌های مختلف گل برایتان چیده‌ایم و عصاره‌اش را گرفته‌ایم و تقدیمتان کرده‌ایم، با افتخار سخن بگوییم. افتخار می‌کنیم که کتابی درخور دانش‌آموزان و دبیران علوم انسانی نوشته‌ایم کتابی برای آنها که توسعه کشور جز به دست آنها به نتیجه نخواهد رسید؛ چرا که می‌دانیم ما معتقدیم: «علوم انسانی زیربنای توسعه است.»

مقدمه مؤلف





بخش اول:

- ۸ فصل اول: اقتصاد چیست؟
- ۱۹ فصل دوم: تولید
- ۳۶ فصل سوم: بازار
- ۵۲ فصل چهارم: آشنایی با شاخص‌های اقتصادی

بخش دوم:

- ۸۶ فصل اول: پول
- ۹۶ فصل دوم: بانک
- ۱۰۶ فصل سوم: بازار سرمایه

بخش سوم:

- ۱۱۵ فصل اول: رشد، توسعه و پیشرفت
- ۱۲۳ فصل دوم: فقر و توزیع درآمد

بخش چهارم:

- ۱۳۵ فصل اول: دولت و اقتصاد
- ۱۴۵ فصل دوم: بودجه و امور مالی دولت

بخش پنجم:

- ۱۶۶ فصل اول: اقتصاد بین‌الملل
- ۱۷۹ فصل دوم: اقتصاد ایران
- ۱۸۸ فصل سوم: اقتصاد ایران در مسیر پیشرفت

۱۹۸ آزمون‌های سراسری سال ۱۳۹۸

۲۰۴ پاسخنامه تشریحی

فصل چهارم



آشنایی با شاخص‌های اقتصادی

بخش ۱

آمارهای اقتصادی



اقتصاددانان برای بررسی «وضعیت موجود»، «اندازه‌گیری فعالیت‌های اقتصادی» و «همچنین مطالعه روند تغییرات یا نتایج سیاست‌های اقتصادی»، نیازمند استفاده از آمار و شاخص‌های اقتصادی هستند. ♦
سنجه‌ها و شاخص‌های اقتصادی بسیار مهم هستند؛ زیرا هرگونه اشتباه در اندازه‌گیری آن‌ها موجب اشتباه در تشخیص بیماری اقتصادی یا روند بهبود آن می‌شود.

♦ آمارهای اقتصادی در چهار سطح ارائه می‌شود:

۱. خرد: سطح خانوار یا شرکت‌ها و مؤسسات تولیدی
۲. شهری
۳. منطقه‌ای
۴. کلان: ملی و بین‌المللی

حسابداری ملی

تعریف حسابداری ملی: شاخه‌ای از مطالعات اقتصادی است که با ارائه شاخص‌های گوناگون به بررسی و اندازه‌گیری میزان فعالیت‌های اقتصادی در سطح ملی می‌پردازد.

♦ موارد مورد محاسبه در حسابداری ملی عبارت‌اند از:

۱. میزان تولید کالا و خدمات
۲. میزان صادرات و واردات
۳. میزان مصرف کل کشور
۴. میزان «پس‌انداز» کل کشور
۵. حجم نقدینگی
۶. سطح عمومی قیمت‌ها و سایر متغیرهای کلان

دلیل اهمیت آمارهای اقتصادی و حسابداری ملی: بررسی و اندازه‌گیری‌های مرکز آمار، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی یا بانک مرکزی حسابداری ملی تصویری روشن از وضعیت اقتصادی و روند تغییرات آن و رفاه مردم ارائه می‌دهد.

تولید کل و اندازه‌گیری آن

علت اهمیت میزان تولیدات کالا و خدمات یک جامعه در طول یک‌سال این مفهوم: نشان‌دهنده «قدرت و توان اقتصادی»، «سطح رفاه» و «درآمد» اعضای آن جامعه، «میزان پس‌انداز»، «میزان سرمایه‌گذاری» و «امکان پیشرفت آن جامعه در آینده» است.

♦ فعالیت‌های تولیدی اگر بخواهند در حسابداری ملی محاسبه شوند، باید سه شرط داشته باشند:

۱. از بازار عبور کنند؛ یعنی تولیدکننده آن‌ها را در مقابل دریافت پول به مصرف‌کننده کالا و خدمات تحویل دهد.

مثال ۱: اگر فردی برای تعمیر لوازم خانگی خود به تعمیرکار پول بپردازد، فعالیت تولیدی صورت گرفته است و ارزش آن محاسبه می‌شود. اما اگر فردی لوازم خانگی منزل خود را تعمیر کند، در محاسبه قرار نمی‌گیرد.

مثال ۲: فعالیت تولیدی زنان در مزرعه‌ها در تولید کل کشور محاسبه می‌شود. اما فعالیت تولیدی زنان در خانه و کالاهای و خدماتی که به‌صورت غذا، بهداشت و تربیت فرزندان تولید می‌کنند، در تولید کل کشور محاسبه نمی‌شود.

۲. به تولید کالا یا خدمات نهایی منتهی شوند: در محاسبه تولید کل جامعه باید از محاسبه ارزش کالاهای واسطه‌ای صرف‌نظر کرده و فقط کالاهای نهایی را محاسبه کنیم؛ چون ارزش کالاهای واسطه‌ای در بطن کالاهای نهایی قرار دارد و اگر چنین نکنیم ارزش کالاهای واسطه‌ای دوبار محاسبه می‌شود، یک‌بار به‌طور مستقل و یک‌بار به‌صورت بخشی از ارزش کالاهای نهایی.

۳. تولیدات باید قانونی و مجاز باشند: فعالیت‌های غیرقانونی و زیرزمینی (مانند قاچاق) در تولید کشور محاسبه نمی‌شوند؛ چون: الف) از فعالیت‌های غیرقانونی اطلاع دقیقی در دست نیست؛

ب) محاسبه فعالیت‌های غیرقانونی نوعی مشروعیت‌دادن به آن‌ها تلقی می‌شود.

استهلاک و تولید ناخالص ملی و تولید ناخالص داخلی

♦ دلیل تقسیم «شاخص تولید» به ملی و داخلی: در اندازه‌گیری تولید هر کشور، براساس اینکه برای تحلیلگر اقتصادی افراد داخل مرزهای داخلی آن کشور مهم باشد یا ملت آن، شاخص تولید را به دو دسته داخلی و ملی تقسیم می‌کنند.

تولید داخلی: ارزش پولی کلیه خدمات و کالاهای نهایی تولیدشده در داخل مرزهای جغرافیایی یک کشور در طول یک‌سال

تولید ملی: ارزش پولی کلیه خدمات و کالاهای نهایی تولیدشده توسط یک ملت در داخل و خارج از کشور خود در طول یک‌سال

♦ دقت کنید: در تولید داخلی، «تولیدات مردم آن کشور که در داخل مرزهای آن کشور هستند» و «تولیدات خارجی‌های مقیم داخل

کشور» محاسبه می‌شود.

در تولید ملی، تولیدات کل مردم آن کشور که چه در خارج از کشور باشند و چه در داخل کشور محاسبه می‌گردد.

◆ معیار اندازه‌گیری و سنجش تولید، «پول» است. (معیار اندازه‌گیری تولید برای هر کشور؛ واحد ملی همان کشور)

◆ مقایسه دو مفهوم تولید ناخالص ملی و تولید ناخالص داخلی:

GDP	GNP
تولید ناخالص داخلی	تولید ناخالص ملی
تولید در محدوده مرزهای جغرافیایی یک کشور	تولید اعضای یک ملت (داخل و خارج)
مدت زمان: یک سال	مدت زمان: یک سال
نشانهگر:	نشانهگر:
- قدرت اقتصادی و تولیدی بیشتر	- قدرت اقتصادی و تولیدی بیشتر
- بالابودن بهره‌وری	- بالابودن بهره‌وری
- استفاده بهینه از همه عوامل تولید	- استفاده بهینه از همه عوامل تولید
- گاهی نشانگر درجه پیشرفت هر ملت و سطح زندگی اعضا	- گاهی نشانگر درجه پیشرفت هر ملت و سطح زندگی اعضا

◆ دو شاخص تولید ناخالص ملی و تولید ناخالص داخلی در «تعریف» با هم تفاوت دارند؛ اما در «عمل»، معمولاً مقدار آن‌ها به هم نزدیک است؛ به‌جز کشورهایی که:

۱. نیروی کار و سرمایه زیادی از آن‌ها در خارج از مرزهایشان کار می‌کنند. مثل لبنان ← تولید ملی آن‌ها بیش از تولید داخلی است.

۲. تولیدکنندگان چند ملیتی دارند. مثل هنگ‌کنگ تولید داخلی آن‌ها بیشتر از تولید ملی است.

◆ در ایران این دو شاخص را می‌توان به‌جای هم استفاده کرد.

تشریح مفهوم استهلاک:

- کاربرد مفهوم استهلاک: برای توضیح تفاوت میان تولید خالص و تولید ناخالص به‌کار می‌رود.
- مفهوم استهلاک: بخشی از سرمایه‌های یک کشور مانند ماشین‌آلات، تجهیزات، ساختمان‌ها و نظایر آن که در فعالیت تولیدی به‌کار گرفته می‌شوند، به مرور زمان فرسوده می‌شوند؛ بنابراین باید منابع و امکاناتی را صرف تعمیر یا جایگزینی آن‌ها کنیم.
- تعریف هزینه استهلاک: بخشی از کل تولید جامعه در طول یک سال را باید به هزینه‌های جایگزینی سرمایه‌های فرسوده‌شده اختصاص دهیم، این بخش از تولید، «هزینه استهلاک» نامیده می‌شود.

مثال: اگر به‌طور متوسط عمر مفید سرمایه‌های فیزیکی کشور بیست سال باشد، سالانه می‌باید معادل ۵ درصد ارزش آن سرمایه را به‌عنوان استهلاک در نظر بگیریم و از تولید کم کنیم.

اگر بگوییم یک کالا صدسال عمر می‌کند؛ یعنی سالی یک درصد آن کالا تخریب می‌شود؛ حال اگر بخواهیم میزان تخریب سالانه یک کالا با عمر بیست سال را برحسب درصد بیان کنیم، داریم:

$$\frac{20}{1} = \frac{100}{x} \Rightarrow x = \frac{100 \times 1}{20} = 5$$

میزان استهلاک سالانه‌ای را که باید برای یک کالا با عمر مفید ده سال، از تولید کم کنیم را محاسبه کنید.

$$\frac{10}{1} = \frac{100}{x} \Rightarrow x = \frac{100 \times 1}{10} = 10$$

◆ تفاوت میان تولید ناخالص و تولید خالص در محاسبه هزینه استهلاک است.

تولید خالص = هزینه استهلاک - تولید ناخالص

تولید خالص ملی = هزینه استهلاک - تولید ناخالص ملی

تولید خالص داخلی = هزینه استهلاک - تولید ناخالص داخلی

درآمد ملی

◆ هر تولید ملی یا داخلی، میزان درآمدی برای تولیدکنندگان آن ایجاد می‌کند که میزان آن برابر با میزان تولید است و در شاخص‌های کلان اقتصادی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

درآمد ملی شامل ارقام مختلف درآمد است که در طول سال نصیب اعضای جامعه می‌شود.

◆ این درآمدها عبارت‌اند از:

۱. درآمد حقوق‌بگیران (دستمزدها)

۲. درآمد صاحبان املاک سرمایه و مستغلات (اجاره)

۳. سودی که نصیب شرکت‌ها و مؤسسه‌ها می‌شود.

۴. درآمد صاحبان سرمایه (قیمت خدمات سرمایه)

۵. درآمد صاحبان مشاغل آزاد



محاسبه تولید کل جامعه

◆ معیارهای استفاده از روش‌های محاسبه تولید کل کشور؛ اینکه کجا و در چه موقعیتی تولیدات را ببینیم و اندازه‌گیری کنیم، موجب می‌شود تا روش‌های مختلفی برای محاسبه تولید کل کشور داشته باشیم.

۱. روش هزینه‌ای: گاهی ارزش پولی تولیدات نهایی را آنجا که به خانوار فروخته می‌شود، جمع می‌زنیم و تولید کل را به‌دست می‌آوریم؛

مجموع هزینه‌های مصرفی تمام خانوارها = تولید کل جامعه

در این روش نگران اندازه‌گیری تولیدات کالاهای واسطه‌ای و مواد اولیه نیستیم؛ چرا که ارزش آن‌ها در تولیدات نهایی نهفته است.

۲. **روش درآمدی:** با جمع زدن اجزای درآمد همه بازیگران و فعالان اقتصادی چه داخلی و چه ملی، تولید کل را محاسبه می‌کنیم:

مجموع درآمد (مزد، اجاره و سود) تمام خانوارها = تولید کل جامعه

۳. **روش ارزش افزوده:** در این روش ارزش افزوده بخش‌های مختلف جامعه محاسبه و جمع می‌شوند. خدمات و کالاهای نهایی که خانوارها از آن استفاده می‌کنند، از زمانی که تولید می‌شوند تا زمانی که مصرف می‌شوند، مراحل مختلفی را طی می‌کنند و در هر مرحله بر ارزش محصول اولیه اضافه می‌شود. این افزایش ارزش تا مرحله نهایی و آماده‌شدن کالای نهایی ادامه می‌یابد.

مجموع ارزش افزوده بخش‌های مختلف اقتصاد = تولید کل جامعه

♦ محاسبه ارزش کل تولیدات جامعه، با هر کدام از سه روش فوق، انجام پذیرد به پاسخ یکسانی می‌رسیم. برای جلوگیری از اشتباه، حداقل باید دو روش مورد استفاده قرار بگیرد.

♦ مفهوم GDP سبز:

«میزان تخریبی که فعالیت‌های صنعتی به محیط‌زیست زده‌اند، از میزان تولید کل، کسر می‌شود و GDP سبز به دست می‌آید.»

شاخص‌های نسبی

♦ ضرورت استفاده از شاخص‌های نسبی:

«گاهی شاخص‌های مطلق، تصویر خوبی از واقعیت ارائه نمی‌کند و باید از شاخص‌های نسبی استفاده کرد.»

♦ اغلب در مطالعات آماری و برای دستیابی به تصویر دقیق‌تر و واقعی‌تر می‌بایست از شاخص‌های نسبی استفاده کنیم.

♦ از آنجا که تولید ملی، حجم و بزرگی اقتصاد را نشان می‌دهد، معمولاً برای مقایسه عملکرد دو کشور (مثلاً میزان صادرات آن‌ها) متغیرهای مورد مقایسه را بر تولید ملی تقسیم می‌کنند تا شاخص نسبی ساخته شود.

مثال: در صورتی که صادرات مالزی ۵۰ میلیارد دلار و صادرات جیبوتی ۵ میلیارد دلار باشد، آیا می‌توان چنین نظر داد که براساس شاخص‌های نسبی صادرات مالزی ۱۰ برابر جیبوتی است؟

پاسخ: برای پاسخ به این سوال باید اندازه صادرات را به حجم کل اقتصاد هریک تقسیم کنیم حال با توجه به اینکه حجم کل اقتصاد را نداریم نمی‌توان نظری بی‌نقص داد؛ اما می‌توان گفت لزوماً حجم مالزی براساس شاخص‌های نسبی ۱۰ برابر جیبوتی است.

♦ گاهی هم عامل مورد توجه در حجم اقتصاد، جمعیت است. برای مقایسه بهتر بین دو کشور و یا یک کشور در طول زمان، درآمد (یا تولید) ملی را به جمعیت آن کشور تقسیم می‌کنند و شاخصی نسبی با نام شاخص «درآمد سرانه» می‌سازند.

♦ محاسبه شاخص‌ها به صورت سرانه، عبارت است از سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان تولید یا درآمد آن جامعه.

♦ مفهوم سرانه: سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان تولید یا درآمد آن جامعه است.

♦ با توجه به تفاوت چشمگیر جمعیت کشورهای مختلف، محاسبه شاخص‌ها به صورت سرانه می‌تواند معیار بهتری برای مقایسه سطح زندگی و رفاه افراد جوامع مختلف باشد.

♦ هریک از شاخص‌های مطرح شده را می‌توان با تقسیم کردن آن بر عدد جمعیت به صورت سرانه مطرح کرد.

♦ شاخص‌های سرانه معیارهای بهتری برای مقایسه «سطح زندگی و رفاه» افراد جوامع مختلف هستند؛ چون تفاوت جمعیت در کشورهای مختلف چشمگیر است و این امر مقایسه شاخص‌ها را دشوار می‌سازد؛ اما در شاخص‌های سرانه این مشکل برطرف می‌شود.

محاسبه به قیمت جاری و به قیمت ثابت

♦ شاخص‌های نشان‌دهنده تولید کل جامعه اعم از تولید ناخالص ملی، تولید ناخالص داخلی و ... برحسب واحد پول سنجیده می‌شود.

♦ میزان تولید کل برابر است با حاصل ضرب مقدار تولید در قیمت هر واحد کالا: $\text{میزان تولید کل} = \text{مقدار کالا} \times \text{قیمت هر واحد کالا}$

۱. افزایش تولید کل

۲. افزایش قیمت

۳. افزایش تولید کل به همراه افزایش قیمت

♦ افزایش تولید کل می‌تواند ناشی از سه اتفاق باشد:

← بنابراین، افزایش تولید کل را لزوماً به معنای افزایش تولید نمی‌توان گرفت.

♦ اگر جامعه دچار تورم باشد، مقدار تولید کل محاسبه شده هر سال، رقم بزرگ‌تری را نشان می‌دهد که به معنای افزایش تولید نیست؛ بلکه ناشی از تغییرات قیمت کالاها است.

♦ برای اینکه تولید کل محاسبه شده، فقط نشان‌دهنده تغییر میزان تولید کالا و خدمات باشد (نه ناشی از افزایش قیمت) به روش زیر عمل می‌کنیم: سال معینی را به عنوان سال پایه انتخاب می‌کنیم و ارزش تولید هر سال را برحسب قیمت کالا و خدمات در سال پایه (نه سال جاری) محاسبه می‌کنیم. با این روش اثر تغییرات قیمت در محاسبه تولید کل از بین می‌رود و تغییرات موجود فقط نشان‌دهنده تغییر میزان تولید کالا و خدمات خواهد بود و دیگر اثر تورم و افزایش قیمت را نخواهیم داشت.

♦ اقتصاددانان در محاسبه سایر شاخص‌های اقتصادی (مثل میزان صادرات، واردات، مصرف و ...) از متغیرهای با قیمت ثابت استفاده می‌کنند. متغیرهای با قیمت جاری را «متغیرهای اسمی» می‌نامند و متغیرهای با قیمت ثابت را «متغیرهای واقعی یا حقیقی» می‌نامند.

♦ اقتصاددانان همه متغیرهای اقتصادی را به قیمت‌های ثابت محاسبه و در تحلیل‌ها وارد کنند؛ چرا که استفاده از متغیرهای اسمی به جای متغیرهای واقعی بسیار غلط‌انداز است.

مثال: حاصل ضرب‌های زیر را بیابید.

$$\frac{5}{13} \times 26 \quad \text{۱}$$

$$\frac{3}{7} \times 14 \quad \text{۲}$$

$$\frac{4}{5} \times 15 \quad \text{۳}$$

$$\frac{1}{12} \times 36 \quad \text{۴}$$

پاسخ:

$$\frac{5}{13} \times \cancel{13} \times 2 = 10 \quad \text{۱}$$

$$\frac{3}{7} \times \cancel{7} \times 2 = 6 \quad \text{۲}$$

$$\frac{4}{5} \times \cancel{5} \times 3 = 12 \quad \text{۳}$$

$$\frac{1}{12} \times \cancel{12} \times 3 = 3 \quad \text{۴}$$

مسائل کسری

۱. دانش‌آموزی یک سوم شبانه‌روز را در مدرسه می‌گذراند و یک چهارم زمانی را که در مدرسه می‌گذراند به ریاضی اختصاص می‌دهد و سه چهارم زمانی را که در مدرسه نیست، به حل تمرین ریاضی می‌پردازد. این دانش‌آموز چند ساعت از شبانه‌روز را صرف ریاضی می‌کند؟

$$\frac{1}{3} \times 24 = 8 \Rightarrow \text{زمانی که در مدرسه می‌گذراند: } 8$$

$$\frac{1}{4} \times 8 = 2 \Rightarrow \text{زمانی که برای درس ریاضی در مدرسه می‌گذارد: } 2$$

$$24 - 8 = 16 \Rightarrow \frac{3}{4} \times 16 = 12 \Rightarrow \text{زمانی که برای درس ریاضی در منزل می‌گذارد: } 12$$

$$12 + 2 = 14 \Rightarrow \text{کل زمان صرف‌شده برای ریاضی: } 14$$

۲. گل فروشی، روزانه صد و پنجاه شاخه گل خریداری می‌کند. یک پنجم گل‌ها را گل رز قرمز و یک ششم گل‌های باقی‌مانده را گل رز آبی تشکیل می‌دهد. تعداد شاخه گل‌های رز به‌طور کلی در طول ماه را به‌دست آورید؟ (ماه را سی‌روز در نظر بگیرید.)

$$\text{گل رز قرمز } \frac{1}{5} \times 150 = 30 \quad \text{گل رز آبی } \frac{1}{6} \times 120 = 20 \Rightarrow 150 - 30 = 120$$

$$\text{تعداد کل گل‌های رز در ماه } 50 \times 30 = 1500 \Rightarrow \text{تعداد کل گل‌های رز در روز } 50$$

محاسبه تولید (هزینه) کل

قیمت هر واحد کالا \times مقدار کالا = میزان تولید کل

یکی از کاربردی‌ترین رابطه‌ها در حل مسائل اقتصاد:

برای یادگیری عمیق این مفهوم حل مسائل زیر واجب است.

مسائل تولید

۱. کتابی صد و بیست و پنج صفحه دارد. اگر قیمت هر صفحه از این کتاب هزار و پانصد ریال باشد، این کتاب به‌طور کلی چقدر هزینه دارد؟

$$125 \times 1500 = 187500$$

۲. شخصی سه جعبه میوه دارد. درون جعبه اول ۱۰۰ عدد، درون جعبه دوم ۷۵ عدد و درون جعبه سوم ۵۰ عدد میوه قرار دارد.

اگر هر ۵ میوه یک کیلوگرم وزن داشته باشد و هر یک کیلوگرم میوه به قیمت پانزده هزار تومان به فروش برسد، در انتها شخص چه مقدار پول دارد؟

$$\frac{50}{5} = 10 \Rightarrow \text{وزن جعبه سوم: } 10$$

$$\frac{75}{5} = 15 \Rightarrow \text{وزن جعبه دوم: } 15$$

$$\frac{100}{5} = 20 \Rightarrow \text{وزن جعبه اول: } 20$$

$$10 + 15 + 20 = 45 \Rightarrow \text{وزن کل میوه‌ها}$$

$$45 \times 15000 = 675000 \Rightarrow \text{هزینه کل}$$

۳. کتابخانه‌ای پنج میلیون و سی هزار جلد کتاب دارد. اگر به‌طور میانگین قیمت هر کتاب را دوازده هزار تومان در نظر بگیریم،

$$5,030,000 \times 12000 = 60,360,000,000 \Rightarrow \text{کتاب‌های این کتابخانه چقدر می‌ارزد؟}$$

۴. کارخانه‌ای بیست و چهار هزار لباس در طول هفته تولید می‌کند. اگر قیمت هر لباس بیست هزار تومان باشد، این کارخانه

$$24000 \times 4 \times 20000 = 1,920,000,000 \Rightarrow \text{ماهانه چه مقدار درآمد دارد؟ (هر ماه را چهار هفته در نظر می‌گیریم.)}$$

ب) حال زمان یادگیری روش حل مسائل اقتصاد است.

از این فصل، به‌طور کلی چهار تیپ سؤال طراحی می‌شود که عبارت‌اند از:

تیپ اول: در این تیپ، مفاهیم «استهلاک»، «تولید خالص ملی (داخلی)»، «تولید ناخالص ملی (داخلی)» و «شاخص سرانه آن‌ها» مورد پرسش قرار می‌گیرند.

تیپ دوم: در این تیپ، «درآمد ملی» و «درآمد سرانه» مورد پرسش قرار می‌گیرند.

تیپ سوم: در این تیپ، «محاسبه ارزش کل کالاها و خدمات نهایی» با استفاده از روش ارزش‌افزوده مورد پرسش قرار می‌گیرد.

تیپ چهارم: در این تیپ، «تولید کل جامعه» بر پایه قیمت جاری و قیمت ثابت مورد پرسش قرار می‌گیرد.

مسائل مربوط به این مباحث از ساده‌ترین مسائل تا مسائل پیچیده که در کنکور طرح می‌شود، به ترتیب توضیح داده شده است، تا شما بتوانید مرحله به مرحله آنها را یاد بگیرید و مسائل کنکور را به راحتی حل کنید.





مسائل اقتصاد

مسئله شماره ۱ ← هزینه‌های استهلاك

در صورتی که تولید ناخالص داخلی $۳۰۰,۱۲۰,۰۰۰,۰۰۰$ تومان باشد و تولید خالص داخلی $۳۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰$ تومان باشد، هزینه استهلاك کدام است؟

پاسخ: گفتیم که هزینه استهلاك از تفاضل تولید خالص داخلی (یا ملی) از تولید ناخالص داخلی (یا ملی) به دست می‌آید؛ پس:

تومان $۱۲۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ = ۳۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ - ۳۰۰,۱۲۰,۰۰۰,۰۰۰ \Rightarrow$ تولید خالص داخلی (ملی) - تولید ناخالص داخلی (ملی) = هزینه استهلاك

مسئله شماره ۲ ← هزینه‌های استهلاك

در صورتی که تولید ناخالص ملی $۳۰۰,۱۲۰,۰۰۰,۰۰۰$ تومان باشد و تولید خالص داخلی $۳۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰$ تومان باشد و تولید خالص ملی $۲۸۰,۱۲۰,۰۰۰,۰۰۰$ تومان، هزینه استهلاك چه عددی خواهد بود؟

پاسخ: به یاد داشته باشید که برای محاسبه هزینه استهلاك باید «تولید خالص ملی» را از «تولید ناخالص ملی» و یا «تولید خالص داخلی» را از «تولید ناخالص داخلی» کم کنید. (نمی‌توانیم تولید خالص داخلی را از تولید ناخالص ملی کم کنیم).

در صورت سؤال هم «تولید ناخالص ملی» و هم «تولید خالص ملی» داده شده که با تفاضل این دو به جواب می‌رسیم:

تومان $۲۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ = ۳۰۰,۱۲۰,۰۰۰,۰۰۰ - ۲۸۰,۱۲۰,۰۰۰,۰۰۰ \Rightarrow$ تولید خالص ملی - تولید ناخالص ملی = هزینه استهلاك

مسئله شماره ۳ ← تولید ناخالص داخلی و تولید خالص داخلی

تولیدات یک شرکت خارجی در داخل کشور «ب»، $۲۰۰,۱۰۰,۰۰۰$ تومان و مجموع تولیدات شرکت‌های تولیدی داخل کشور به ارزش $۹۵۲,۲۲۰,۰۰۰$ تومان است. هزینه استهلاك در کل، رقمی معادل صد و بیست میلیون ریال است. با توجه به اعداد فوق ابتدا بگویید که کدام یک از شاخص‌های «تولید ناخالص داخلی»، «تولید خالص داخلی»، «تولید ناخالص ملی» و «تولید خالص ملی» قابل محاسبه است و سپس شاخص‌های قابل محاسبه را به دست آورید.

پاسخ: ابتدا برای اینکه سرعت عملتان افزایش یابد، خلاصه اطلاعات ارائه شده را بنویسید:

تومان $۹۵۲,۲۲۰,۰۰۰ =$ مجموع تولیدات شرکت‌های تولیدی داخل کشور

تومان $۲۰۰,۱۰۰,۰۰۰ =$ شرکت خارجی در داخل کشور

ریال $۱۲۰,۰۰۰,۰۰۰ =$ هزینه استهلاك

برای بخش اول سؤال کافی است از خودتان دو سؤال را بپرسید: «آیا تولیدات ذکر شده مربوط به داخل مرزهای کشور است یا به خارج از مرزها نیز مرتبط می‌شود؟» و «آیا هزینه استهلاك داده شده است یا خیر؟»

پاسخ سؤال اول این است که تولیدات به داخل مرزهای کشور «ب» اشاره دارد؛ پس مربوط به تولیدات داخلی است.

پاسخ سؤال دوم این است که هزینه استهلاك داده شده است؛ در این صورت تولید ناخالص داخلی و تولید خالص داخلی را می‌توان به دست آورد.

همه تولیداتی که توسط افراد داخل مرزهای کشور ب تولید می‌شود = تولید ناخالص داخلی

تومان $۱,۱۵۲,۳۲۰,۰۰۰ = ۹۵۲,۲۲۰,۰۰۰ + ۲۰۰,۱۰۰,۰۰۰ =$ تولید ناخالص داخلی

دقت کنید وقتی می‌خواهید هزینه استهلاك را برای به دست آوردن تولید خالص به دست آورید، باید واحد هزینه استهلاك با واحد پولی تولید یکسان باشد که در این سؤال چنین نیست: استهلاك به ریال آمده است و تولیدات به تومان؛ پس ابتدا هزینه استهلاك را به تومان تغییر می‌دهیم:

ریال $۱,۱۴۰,۳۲۰,۰۰۰ = ۱,۱۵۲,۳۲۰,۰۰۰ - ۱۲۰,۰۰۰,۰۰۰ =$ هزینه استهلاك - تولید ناخالص داخلی = تولید خالص داخلی

مسئله شماره ۴ ← تولید ناخالص داخلی و تولید خالص داخلی

در کشوری کالاهای جدول زیر در مدت یک سال تولید شده است، با توجه به ارزش کالاهای مذکور و داده‌های دیگر، به ترتیب مشخص کنید:

الف) تولید ناخالص داخلی کدام است؟

ب) تولید خالص داخلی چقدر است؟

پاسخ: برای حل این مسئله، ابتدا باید ارزش خدمات و هزینه استهلاك را محاسبه کنیم:

A	ارزش ماشین آلات	$۳,۶۰۰,۰۰۰,۰۰۰$ ریال
B	ارزش پوشاک	$۷۵,۰۰۰,۰۰۰$ ریال
C	ارزش مواد غذایی	$۴۰۵,۰۰۰,۰۰۰$ ریال
D	هزینه استهلاك	$\frac{1}{18}$ ارزش ماشین آلات
E	خدمات ارائه شده	$\frac{1}{5}$ ارزش مواد غذایی

ریال $۸۱,۰۰۰,۰۰۰ = ۴۰۵,۰۰۰,۰۰۰ + ۵ =$ ارزش مواد غذایی = ارزش خدمات ارائه شده

محاسبه ارزش خدمات:

ریال $۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰ = ۳,۶۰۰,۰۰۰,۰۰۰ + ۱۸ = \frac{1}{18}$ ارزش ماشین آلات = هزینه استهلاك

محاسبه هزینه استهلاك:

همان‌طور که قبلاً گفته شد، تولید ناخالص داخلی یک کشور برابر است با مجموع کالاها و خدمات تولیدشده در داخل آن کشور؛ بنابراین محاسبه تولید ناخالص داخلی در این مسئله چنین خواهد بود:

$$\text{خدمات ارائه شده} + \text{ارزش مواد غذایی} + \text{ارزش پوشاک} + \text{ارزش ماشین‌آلات} = \text{تولید ناخالص داخلی}$$

$$۴۱,۱۶۱,۰۰۰,۰۰۰ = ۸۱,۰۰۰,۰۰۰ + ۴۰۵,۰۰۰,۰۰۰ + ۷۵,۰۰۰,۰۰۰ + ۳,۶۰۰,۰۰۰$$

محاسبه تولید خالص داخلی: $۳,۹۶۱,۰۰۰,۰۰۰ - ۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰ = ۴,۱۶۱,۰۰۰,۰۰۰$ = هزینه‌استهلاک - تولید ناخالص داخلی = تولید خالص داخلی

مسئله شماره ۵ ← تولید ناخالص داخلی، تولید خالص داخلی، تولید ناخالص داخلی سرانه و تولید ناخالص داخلی سرانه

تولیدات و هزینه استهلاک این تولیدات در یک جامعه فرضی در مدت یک‌سال، در جدول زیر ارائه شده است. با توجه به داده‌های ارائه شده در این جدول، مشخص کنید:

A	ماشین‌آلات	۱۲۰ دستگاه از قرار هر دستگاه	۲۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
B	پوشاک	۵۰۰ عدد از قرار هر عدد	۲۵۰,۰۰۰ ریال
C	مواد غذایی	۱۵۰ تن از قرار هر تن	۳۳,۰۰۰,۰۰۰ ریال
D	هزینه استهلاک	$\frac{1}{5}$ ارزش پوشاک	
E	خدمات ارائه شده	$\frac{2}{9}$ ارزش مواد غذایی	

پاسخ: در جدول بالا، قیمت یک عدد یا یک تن از تولیدات مشخص شده است؛ بنابراین ابتدا باید ارزش هر یک از تولیدات را به‌طور جداگانه محاسبه کنیم:

$$\text{ریال } ۲,۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰ = ۱۲۰ \times ۲۰,۰۰۰,۰۰۰ = \text{قیمت هر دستگاه} \times \text{تعداد کل دستگاهها} = \text{ارزش ماشین‌آلات}$$

$$\text{ریال } ۱۲۵,۰۰۰,۰۰۰ = ۵۰۰ \times ۲۵۰,۰۰۰ = \text{قیمت یک عدد پوشاک} \times \text{تعداد کل پوشاک} = \text{ارزش پوشاک}$$

$$\text{ریال } ۴,۹۵۰,۰۰۰,۰۰۰ = ۱۵۰ \times ۳۳,۰۰۰,۰۰۰ = \text{قیمت یک تن مواد غذایی} \times \text{میزان کل مواد غذایی} = \text{ارزش مواد غذایی}$$

در این مرحله، باید ارزش خدمات ارائه شده و هزینه استهلاک را محاسبه کنیم:

$$۱,۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰ = ۴,۹۵۰,۰۰۰,۰۰۰ \times \frac{2}{9} = \text{ارزش مواد غذایی} \times \frac{2}{9} = \text{خدمات ارائه شده}$$

$$۱۲۵,۰۰۰,۰۰۰ = ۲۵۰,۰۰۰,۰۰۰ \times \frac{1}{5} = \text{ارزش پوشاک} \times \frac{1}{5} = \text{هزینه استهلاک}$$

با به‌دست آوردن اطلاعات فوق به‌راحتی می‌توانید تولید ناخالص داخلی را محاسبه کنیم:

$$\text{خدمات ارائه شده} + \text{ارزش مواد غذایی} + \text{ارزش پوشاک} + \text{ارزش ماشین‌آلات} = \text{تولید ناخالص داخلی}$$

$$\text{ریال } ۸,۵۷۵,۰۰۰,۰۰۰ = ۱,۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰ + ۴,۹۵۰,۰۰۰,۰۰۰ + ۱۲۵,۰۰۰,۰۰۰ + ۲,۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰$$

در این مرحله با کم کردن هزینه استهلاک از تولید ناخالص داخلی، تولید خالص داخلی را به‌دست می‌آوریم:

$$\text{ریال } ۸,۵۵۰,۰۰۰,۰۰۰ = ۸,۵۷۵,۰۰۰,۰۰۰ - ۲۵,۰۰۰,۰۰۰ = \text{هزینه استهلاک} - \text{تولید ناخالص داخلی} = \text{تولید خالص داخلی}$$

حالا با اطلاع داشتن از تعداد جمعیت در این جامعه، می‌توانیم «تولید ناخالص داخلی سرانه» و «تولید خالص داخلی سرانه» را به‌ترتیب

$$\frac{۸,۵۷۵,۰۰۰,۰۰۰}{۵,۰۰۰,۰۰۰} = \frac{\text{تولید ناخالص داخلی}}{\text{جمعیت کل}} = ۱۷۱/۵ = \text{تولید ناخالص داخلی سرانه}$$

زیر محاسبه کنیم:

$$\frac{۸,۵۵۰,۰۰۰,۰۰۰}{۵,۰۰۰,۰۰۰} = \frac{\text{تولید خالص داخلی}}{\text{جمعیت کل}} = ۱۷۱ = \text{تولید خالص داخلی سرانه}$$

مسئله شماره ۶ ← تولید خالص داخلی، تولید خالص ملی و تفاضل این دو

تولیدات یک شرکت ایرانی در خارج از ایران ۲۲۰ هزار دلار شده است و مجموع خدمات ارائه شده در داخل کشور به رقم یک میلیارد و نهصد و بیست میلیون تومان می‌رسد. شرکت‌های خارجی که در ایران سرمایه‌گذاری کرده‌اند، در مجموع ۳۲۰ میلیون تومان تولید داشته‌اند و سه برابر این مقدار، توسط شرکت‌های ایرانی به تولید رسیده است. در صورتی که هر دلار را معادل ۳۰۰۰ تومان و هزینه استهلاک را ۹۲۰ میلیون ریال بدانیم، تولید خالص ملی و تولید خالص داخلی، چه میزان تفاوت خواهند داشت؟

پاسخ: ابتدا خلاصه اطلاعات ارائه شده را می‌نویسیم:

$$\text{دلار } ۲۲۰,۰۰۰ = \text{تولید شرکت ایرانی در خارج از کشور}$$

$$\text{تومان } ۱,۹۲۰,۰۰۰,۰۰۰ = \text{خدمات ارائه شده در داخل}$$

$$\text{تومان } ۳۲۰,۰۰۰,۰۰۰ = \text{مجموع سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی}$$

$$\text{تومان } ۹۶۰,۰۰۰,۰۰۰ = ۳ \times ۳۲۰,۰۰۰,۰۰۰ = \text{تولید شرکت‌های ایرانی در داخل کشور}$$

$$\text{ریال } ۹۲۰,۰۰۰,۰۰۰ = \text{هزینه استهلاک}$$

$$\text{تومان } ۳,۰۰۰ = \text{هر دلار}$$

در این مرحله، موارد مربوط به تولیدات داخلی و موارد مربوط به تولیدات ملی را مشخص می‌کنیم:

تولیدات داخلی	تولیدات ملی
تولید شرکت‌های ایرانی در داخل	تولید شرکت‌های ایرانی در داخل
مجموع سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی	تولید شرکت ایرانی در خارج
خدمات ارائه شده	خدمات ارائه شده

اندیشه کلیدی برای حل این سؤال این است که برای رسیدن به جواب باید تولید خالص ملی و تولید خالص داخلی را به دست آورده و سپس عمل تفاضل را انجام دهیم.

محاسبه تولید خالص داخلی: برای این امر باید تولید ناخالص را داشته باشیم و هزینه استهلاك را از آن کم کنیم؛ پس تولید ناخالص داخلی را با استفاده از فرمول زیر به دست می آوریم: تمام تولیداتی که داخل مرزهای ایران انجام پذیرفته است = تولید ناخالص داخلی

$$\text{تومان} = 3,200,000,000 = (3 \times 320,000,000) + 320,000,000 + 1,920,000,000 = \text{تولید ناخالص داخلی}$$

محاسبه تولید خالص داخلی: برای این کار باید واحد ریال هزینه استهلاك را به واحد تومان تبدیل کنیم:

$$\text{هزینه استهلاك به تومان} = 920,000,000 \div 10 = 92,000,000$$

$$\text{تومان} = 3,108,000,000 = 3,200,000,000 - \text{هزینه استهلاك} - \text{تولید ناخالص داخلی} = \text{تولید خالص داخلی}$$

محاسبه تولید ناخالص ملی: هر آنچه توسط مردم ایران، چه در داخل و چه در خارج تولید شده است = تولید ناخالص ملی

همین جا اولین موضوع پیش می آید که باید حلش کنیم: رقم تولیدات ایرانیها در خارج از کشور به دلار است که باید به تومان تبدیل شود:

$$\text{تبدیل دلار به تومان} = 660,000,000 = 220,000 \times 3,000 = \text{تولیدات شرکت ایرانی در خارج از کشور}$$

$$\text{تومان} = 3,540,000,000 = 1,920,000,000 + (3 \times 320,000,000) + 660,000,000 = \text{تولید ناخالص ملی}$$

محاسبه تولید خالص ملی:

$$\text{تومان} = 3,448,000,000 = 3,540,000,000 - 92,000,000 = \text{هزینه استهلاك} - \text{تولید ناخالص ملی} = \text{تولید خالص داخلی}$$

مرحله آخر، به دست آوردن تفاضل تولید خالص ملی و داخلی است: $3,448,000,000 - 3,108,000,000 = 340,000,000$ تومان

مسئله شماره ۷ ← تولید ناخالص داخلی، تولید خالص داخلی، تولید خالص ملی و سرانه

در صورتی که تولیدات کشور «الف»، مطابق با اطلاعات ارائه شده در جدول زیر باشد:

الف) تولید ناخالص داخلی (ب) تولید خالص داخلی، (پ) تولید خالص ملی، (ت) تولید ناخالص سرانه ملی را به دست آورید.

A	تولید شرکت های ایرانی در خارج از کشور	۱۲۰۰ واحد، به قرار هر واحد ۱۰۰۰۰ تومان
B	تولید خارجیان مقیم کشور	۱۰۵ واحد به قرار هر واحد ۳۲۰۰۰ تومان
C	تولید شرکت های ایرانی در داخل کشور	۱۱۰۰۰ واحد، به قرار هر واحد ۱۰۰۰۰۰ تومان
D	هزینه استهلاك	۱۲۵ میلیون تومان
E	جمعیت کل کشور	۴۰ میلیون نفر

پاسخ: قبل از هر چیز، موارد مربوط به تولید داخلی و موارد مربوط به تولید ملی را مشخص می کنیم:

تولیدات داخلی	تولیدات ملی
تولید خارجیان مقیم کشور	تولید شرکت های ایرانی در خارج کشور
تولید شرکت های ایرانی در داخل کشور	تولید شرکت های ایرانی در داخل کشور

محاسبه تولید ناخالص داخلی: تولید شرکت های ایرانی در داخل کشور + تولید خارجیان مقیم کشور = تولید ناخالص داخلی

$$\text{تومان} = 1,103,306,000 = (11,000 \times 100,000) + (105 \times 320,000) = \text{تولید ناخالص داخلی}$$

هرگاه تولید ناخالص را داشته باشید و هزینه استهلاك معلوم باشد، می توانید، سریعاً تولید خالص را محاسبه کنید:

$$\text{تولید خالص داخلی} = 978,306,000 = 1,103,306,000 - 125,000,000$$

برای به دست آوردن تولید خالص ملی باید دو کار انجام بدهیم: اول اینکه تولید ناخالص ملی را به دست آوریم و سپس هزینه استهلاك را از عدد به دست آمده کم کنیم:

هر آنچه توسط اعضای «الف» چه در داخل و چه در خارج تولید شده است = تولید ناخالص ملی

$$\text{تومان} = 1,112,000,000 = 1,100,000,000 + 12,000,000 = (1200 \times 100000) + (11000 \times 100000) = \text{تولید ناخالص ملی}$$

$$\text{تومان} = 987,000,000 = 1,112,000,000 - 125,000,000 = \text{هزینه استهلاك} - \text{تولید ناخالص ملی} = \text{تولید خالص داخلی}$$

برای محاسبه تولید ناخالص سرانه ملی باید تعداد جمعیت کل کشور تقسیم کنیم:

$$\text{تومان} = 27/8 = \frac{1,112,000,000}{40,000,000} = \frac{\text{تولید ناخالص ملی}}{\text{جمعیت کل}} = \text{تولید ناخالص سرانه ملی}$$

مسئله شماره ۸ ← جمع بندی مسائل قبلی

در یک جامعه فرضی، کالاهای جدول زیر در مدت یک سال تولید شده است، با توجه به رقم این تولیدات و سایر داده ها:

الف) تولید ناخالص داخلی این جامعه کدام است؟	A	ماشین آلات	۱۰۰ دستگاه از قرار هر دستگاه ۲۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال
ب) تولید خالص داخلی آن چقدر است؟	B	پوشاک	۳۵۰ عدد از قرار هر عدد ۵۵,۰۰۰ ریال
پ) چنانچه جمعیت کل این جامعه ۴۵ میلیون نفر باشد، «تولید خالص داخلی سرانه» آن چیست؟	C	مواد غذایی	۱۰۰ تن از قرار هر تن ۴۴,۰۰۰,۰۰۰ ریال
پاسخ: هرگاه واژه «سرانه» می شنوید به یاد، یک خط کسری بیفتید که صورت کسر آن با توجه به اینکه سرانه چه چیزی	D	هزینه استهلاك	۳/۴ ارزش ماشین آلات
	E	خدمات ارائه شده	۱/۱۱ ارزش مواد غذایی

خواسته شده است، تعیین می‌شود. (مثلاً اگر بگویید سرانه تولید خالص؛ پس در صورت سؤال مقدار تولید خالص را می‌گذاریم) مخرج کسر همواره میزان جمعیت کل است. تمام مراحل را که برای حل سؤال‌های قبلی انجام دادیم، انجام خواهیم داد و در انتها مقدار به‌دست‌آمده برای تولید خالص را بر کل جمعیت تقسیم خواهیم کرد و سرانه تولید خالص به‌دست خواهد آمد. $\text{تولید خالص داخلی} = \frac{\text{تولید خالص داخلی}}{\text{جمعیت کل}}$

گام اول: چون تولید خالص داخلی خواسته شده است؛ پس ابتدا تولید ناخالص داخلی را محاسبه و سپس از «استهلاک» کم می‌کنیم تا تولید خالص داخلی به‌دست بیاید.

گام دوم: مقدار تولیدات را در هر ردیف جدول، در صورت سؤال معلوم می‌کنیم و با جمع‌زدن همه آن‌ها به تولید ناخالص داخلی می‌رسیم:

$$\text{ریال } 2,500,000,000 = 100 \times 25,000,000 \text{ : ماشین‌آلات}$$

$$\text{ریال } 192,500,000 = 350 \times 550,000 \text{ : پوشاک}$$

$$\text{ریال } 400,000,000 = \frac{1}{11} \times 4,400,000,000 \text{ : خدمات}$$

$$\text{ریال } 4,400,000,000 = 100 \times 44,000,000 \text{ : مواد غذایی}$$

$$\text{ریال } 7,492,500,000 = 2,500,000,000 + 192,500,000 + 4,400,000,000 + 400,000,000$$

گام سوم: استهلاک را محاسبه می‌کنیم تا بتوانیم تولید خالص را به‌دست بیاوریم: $\text{ریال } 1,875,000,000 = \frac{3}{4} \times 2,500,000,000$: استهلاک

گام چهارم: الان که استهلاک را داریم، تولید خالص را به‌دست می‌آوریم:

$$\text{ریال } 5,617,500,000 = 7,492,500,000 - 1,875,000,000 = \text{تولید ناخالص داخلی} - \text{تولید خالص داخلی}$$

گام آخر: تولید خالص سرانه است که در فرمول جاگذاری می‌کنیم و به پاسخ نهایی سؤال می‌رسیم: $\frac{5,617,500,000}{45,000,000} = 1248 \frac{2}{3}$ ریال

تیپ دوم: در این تیپ از سؤال‌ها درآمد ملی و درآمد سرانه مورد پرسش قرار می‌گیرد.

مسئله شماره ۹ ← درآمد ملی

در یک جامعه فرضی درآمدهایی که در طول سال نصیب اعضای جامعه شده است، عبارت‌اند از: درآمد صاحبان سرمایه برابر با ۱,۹۸۹,۳۲۴,۰۰۰ تومان، درآمد حقوق‌بگیران برابر با ۱,۷۰۰,۰۰۰,۰۰۰ تومان، درآمد صاحبان مشاغل آزاد برابر با ۲,۳۲۰,۶۷۶,۰۰۰ تومان، درآمد صاحبان املاک و مستغلات برابر با ۸۶۰,۰۰۰,۰۰۰ تومان و سود شرکت‌ها و مؤسسات برابر با ۲,۹۲۰,۷۷۳,۰۰۰ تومان است. درآمد ملی در این جامعه چه میزان است؟

پاسخ: درآمد ملی برابر است با مجموع درآمدهایی که در طول یک‌سال نصیب اعضای جامعه می‌شود؛ بنابراین برای به‌دست‌آوردن درآمد ملی یک‌سال در این جامعه تمام درآمدهایی که نصیب اعضای آن جامعه شده است را با هم جمع می‌کنیم:

$$\text{تومان } 9,790,773,000 = 1,989,324,000 + 1,700,000,000 + 2,320,676,000 + 860,000,000 + 2,920,773,000 = \text{درآمد ملی}$$

مسئله شماره ۱۰ ← درآمد سرانه

در صورتی که درآمد ملی کشور «الف» با جمعیت ۶۰ میلیون نفری، ۱۲۰ میلیارد واحد پولی باشد، درآمد سرانه آن چه خواهد بود؟

پاسخ: تولید سرانه از فرمول مقابل به‌دست می‌آید:

$$\frac{\text{درآمد ملی}}{\text{جمعیت کل}} = \text{درآمد سرانه}$$

$$\frac{120,000,000,000}{60,000,000} = 2000$$

پس با جای‌گذاری در فرمول به عدد ۲۰۰۰ واحد پولی درآمد سرانه می‌رسیم:

مسئله شماره ۱۱ ← درآمد سرانه

درآمد ملی یک کشور در چهارسال متوالی، به‌ترتیب ۱۱۷۵,۹۶۶, ۱۵۱۸,۱۴۲۸, ۱۵۱۸,۱۴۲۸ و ۱۱۷۵,۹۶۶ میلیارد واحد پولی و جمعیت آن در این چهارسال متوالی، به‌ترتیب ۴۲,۴۷,۵۱ و ۶۶ میلیون نفر بوده است. بیشترین میزان رفاه افراد آن، متعلق به چه سالی است؟

پاسخ: همان‌طور که می‌دانید، بهترین معیار برای مقایسه سطح زندگی و رفاه افراد جامعه، «شاخص درآمد سرانه» است.

در این مسئله برای اینکه بدانیم بیشترین میزان رفاه افراد یک جامعه، متعلق به چه سالی بوده است، میزان درآمد ملی هر سال را بر تعداد جمعیت کل آن سال تقسیم می‌کنیم تا درآمد سرانه هر سال را به‌دست آوریم. در سالی که درآمد سرانه، بیش از سال‌های دیگر باشد، میزان رفاه افراد نیز در مقایسه با سال‌های دیگر بیشتر خواهد بود.

محاسبه درآمد سرانه:

$$\text{درآمد سرانه سال اول} = \frac{966,000,000,000}{42,000,000} = 23,000$$

$$\text{درآمد سرانه سال دوم} = \frac{1,175,000,000,000}{47,000,000} = 25,000$$

$$\text{درآمد سرانه سال سوم} = \frac{1,518,000,000,000}{51,000,000} = 29,765$$

$$\text{درآمد سرانه سال چهارم} = \frac{1,175,000,000,000}{66,000,000} = 17,803$$

با توجه به اینکه درآمد سرانه در سال سوم بیشتر از سال‌های دیگر است، می‌گوییم رفاه افراد در این سال، بیشتر از سال‌های دیگر بوده است.

مسئله شماره ۱۲ درآمد ملی و درآمد سرانه

ردیف	اقلام درآمدی	مبلغ
۱	درآمد حقوق‌بگیران	$\frac{1}{3}$ سود شرکت‌ها و مؤسسات
۲	سود شرکت‌ها و مؤسسات	۷۲۹۶ میلیارد ریال
۳	دستمزدها	$\frac{1}{2}$ درآمد صاحبان مشاغل آزاد
۴	درآمد صاحبان مشاغل آزاد	۷۱۱۲ میلیارد ریال
۵	درآمد صاحبان املاک و مستغلات	$\frac{1}{4}$ درآمد صاحبان سرمایه
۶	درآمد صاحبان سرمایه	۹۶۸۸ میلیارد ریال

جدول زیر بین اقلام مختلف درآمدی است که در طول یک‌سال نصیب اعضای یک جامعه شده است. چنانچه جمعیت کل این جامعه ۵۰ میلیون نفر باشد، مشخص کنید: الف) درآمد ملی این جامعه چقدر است؟ ب) درآمد سرانه آن کدام است؟

پاسخ: ابتدا درآمد ملی را محاسبه می‌کنیم و برای این کار مبلغ تمام اقلام درآمدی ذکر شده در جدول را با هم جمع می‌کنیم:

$$\text{میلیارد ریال } ۳۴۹۲۸ = (۹۶۸۸) + (۹۶۸۸ + ۲) + (۷۱۱۲) + (۷۱۱۲ + ۲) + (۷۲۹۶) + (۷۲۹۶ + ۳) = \text{درآمد ملی}$$

$$\text{محاسبه درآمد سرانه: درآمد سرانه} = \frac{\text{درآمد ملی}}{\text{جمعیت کل}} = \frac{۳۴,۹۲۸,۰۰۰,۰۰۰}{۵۰,۰۰۰,۰۰۰} = ۶۹۸,۵۶۰ \text{ ریال}$$

تیپ سوم: سؤال‌هایی است که در ارتباط با محاسبه تولید کل جامعه با استفاده از ارزش‌افزوده طراحی شده‌اند.

مسئله شماره ۱۳ ارزش افزوده

در صورتی که کل پولی که خانوارها به بنگاه‌های اقتصادی می‌دهند، ۷۲۰ میلیارد تومان باشد، ابتدا بگویید که تولید کل آن جامعه چه مقدار بوده است و سپس تعیین کنید که ارزش‌افزوده کل در این جامعه فرضی چه مقدار است؟

پاسخ: به این معادله دقت کنید:

مجموع ارزش‌های افزوده در کل جامعه = مقدار کل مبالغی که بنگاه‌ها به خانواده‌ها می‌دهند. = مقدار کل مبالغی که خانواده‌ها به بنگاه‌های اقتصادی می‌دهند = تولید کل جامعه

پس تمام ارقام خواسته شده در صورت سؤال برابر است با ۷۲۰ میلیارد تومان

مسئله شماره ۱۴ ارزش افزوده

برای اینکه کالای «الف» به دست مصرف‌کننده برسد، ماده اولیه‌ای به ارزش ۱۰۰۰ واحد به کارگاهی فروخته شده است و آن کارگاه پس از تغییراتی در ماده اولیه، آن را به ارزش ۱۸۰۰ واحد به کارگاه بعدی می‌فروشد و کارگاه اخیر نیز پس از تغییراتی در آن، ارزش کالا را ۲۹۰۰ واحد تعیین می‌کند. مراکز توزیع، این کالا را به مراکز خرده‌فروشی به ارزش ۳۴۰۰ واحد می‌فروشند و مراکز خرده‌فروشی قیمت ۴۹۰۰ واحد را برای این کالا تعیین می‌کنند.

الف) ارزش‌افزوده در مرحله دوم و چهارم و مجموع کل ارزش‌های افزوده به ترتیب کدام است؟ ب) کدام مرحله با ارزش نهایی محصول برابر است؟

پاسخ: ارزش افزوده به معنی مقدار واحد پولی است که به ارزش کالا اضافه می‌شود.

برای حل این تیپ از مسائل باید بتوانیم به دو سؤال زیر پاسخ دهیم:

سؤال اول: در چند مرحله به ارزش این کالا افزوده شده است؟

سؤال دوم: میزان ارزش‌افزوده در هر مرحله چقدر است؟

پاسخ سؤال اول: تعداد دفعاتی که بر روی کالا قیمت‌گذاری می‌شود، برابر است با تعداد مراحل که به ارزش کالا افزوده شده است. در این مسئله همان‌طور که مشاهده می‌کنید در پنج مرحله به ارزش کالا افزوده شده است.

پاسخ سؤال دوم: برای به دست آوردن ارزش‌افزوده هر مرحله قیمت مرحله قبلی کالا را از قیمت آن مرحله کم می‌کنیم تا میزان ارزش‌افزوده آن به دست آید. بدین ترتیب، ارزش‌افزوده در هر مرحله، از این مسئله به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$\text{واحد } ۱۰۰۰ = \text{ارزش افزوده در مرحله اول} \rightarrow \text{واحد } ۱۰۰۰ = \text{قیمت کالا در مرحله اول}$$

$$\text{واحد } ۸۰۰ = ۱۸۰۰ - ۱۰۰۰ = \text{ارزش افزوده در مرحله دوم} \rightarrow \text{واحد } ۱۸۰۰ = \text{قیمت کالا در مرحله دوم}$$

$$\text{واحد } ۱۱۰۰ = ۲۹۰۰ - ۱۸۰۰ = \text{ارزش افزوده در مرحله سوم} \rightarrow \text{واحد } ۲۹۰۰ = \text{قیمت کالا در مرحله سوم}$$

$$\text{واحد } ۵۰۰ = ۳۴۰۰ - ۲۹۰۰ = \text{ارزش افزوده در مرحله چهارم} \rightarrow \text{واحد } ۳۴۰۰ = \text{قیمت کالا در مرحله چهارم}$$

$$\text{واحد } ۱۵۰۰ = ۴۹۰۰ - ۳۴۰۰ = \text{ارزش افزوده در مرحله پنجم} \rightarrow \text{واحد } ۴۹۰۰ = \text{قیمت کالا در مرحله پنجم}$$

اگر ارزش‌افزوده این پنج مرحله را با هم جمع کنیم، عدد حاصل برابر با ارزش نهایی کالا در مرحله پنجم خواهد بود؛ یعنی:

$$۱۰۰۰ + ۸۰۰ + ۱۱۰۰ + ۵۰۰ + ۱۵۰۰ = ۴۹۰۰$$

تیپ چهارم: سؤال‌هایی است که از مفهوم محاسبه تولید کل جامعه به قیمت جاری و قیمت ثابت طراحی شده‌اند.

مسئله شماره ۱۵ ← تولید کل جامعه

میزان تولید کل یک کشور در سال ۹۰، ۳۴۰۰ میلیارد تومان و در سال ۹۱، ۳۹۵۰ میلیارد تومان است. در صورتی که سال ۹۰ را، سال پایه در نظر بگیریم، میزان تولید کل کشور در سال ۹۰ به ۳۴۰۰ و در سال ۹۱ به ۳۵۴۰ میلیارد تومان می‌رسد. تولید کل در سال ۹۱ به قیمت جاری و به قیمت ثابت چه عددی خواهد بود؟ افزایش مقدار تولید چه میزان بوده است؟ افزایش قیمت‌ها به چه میزان است؟

پاسخ: تولید کل سال ۹۱ به قیمت جاری همان عددی است که قبل از در نظر گرفتن سال پایه داشتیم؛ یعنی: ۳۹۵۰ واحد پس هرگاه تولید کل را بر حسب قیمت جاری بخواهند، پاسخ آن، عدد ذکر شده بدون لحاظ کردن سال پایه خواهد بود. تولید کل سال ۹۱ به قیمت ثابت، همان عدد دومی است که با در نظر گرفتن سال پایه اعلام شده است؛ یعنی: ۳۵۴۰ واحد محاسبه افزایش مقدار تولید بر حسب قیمت ثابت، بر اساس مراحل زیر صورت می‌گیرد:

مرحله اول: رشد تولید را بدون در نظر گرفتن تورم به دست می‌آوریم. در این صورت خواهیم داشت:

میلیارد تومان $۵۵۰ - ۳۴۰۰ = ۳۹۵۰$ = تولید کل سال ۹۰ - تولید کل سال ۹۱ = رشد تولید بدون در نظر گرفتن تورم

مقداری از ۵۵۰ واحد رشد به دست آمده در محاسبه بالا ناشی از افزایش مقدار تولید و بخشی از آن، ناشی از افزایش قیمت‌ها (تورم) است.

مرحله دوم: برای اینکه بدانیم چه مقدار از ۵۵۰ واحد به دلیل افزایش تولید و چه مقدار از آن به دلیل افزایش قیمت بوده است، به روش زیر عمل می‌کنیم:

۱. افزایش مقدار تولید را با در نظر گرفتن سال پایه محاسبه می‌کنیم؛ یعنی:

۱۴۰ میلیارد تومان $= ۳۴۰۰ - ۳۵۴۰$ = رشد تولید در سال پایه (سال ۹۰) - رشد تولید سال ۹۱ (با توجه به سال پایه)

این مقدار از رشد تولید، به دلیل افزایش «مقدار تولید» بوده است.

۲. مقداری از ۵۵۰ واحد رشد تولید را که ناشی از افزایش قیمت‌ها بوده است، به روش زیر محاسبه می‌کنیم:

$۴۱۰ = ۵۵۰ - ۱۴۰$ = رشد تولید ناشی از افزایش قیمت‌ها - رشد تولید بدون در نظر گرفتن تورم = رشد ناشی از افزایش قیمت‌ها

مسئله شماره ۱۶ ← تولید کل جامعه

میزان تولید کل کشوری در ظرف سه سال پیاپی به ترتیب: ۴۵۰۰، ۵۵۵۰ و ۸۵۲۰ میلیارد ریال برآورد شده است. با انتخاب سال اول به عنوان «سال پایه»، میزان تولید کل کشور در سه سال مورد نظر بر حسب قیمت‌های سال اول (سال پایه)، به ترتیب به ۴۵۰۰، ۵۰۰۰ و ۷۰۲۰ میلیارد ریال تغییر یافته است. بر اساس این محاسبات، به ترتیب مشخص کنید:

الف) افزایش مقدار تولید در سال دوم و سوم کدام است؟

ب) افزایش قیمت‌ها در سال دوم و سوم کدام است؟

پ) کدام اعداد مربوط به پدیده تورم در سال دوم و سوم در این جامعه است؟

پاسخ: الف) برای به دست آوردن افزایش مقدار تولید در سال دوم و سوم، به روش زیر عمل می‌کنیم:

میلیارد ریال $۲۵۲۰ = ۴۵۰۰ - ۷۰۲۰$ = مقدار تولید سال پایه (سال اول) - مقدار تولید سال دوم (با در نظر گرفتن سال پایه)

میلیارد ریال $۵۰۰ = ۴۵۰۰ - ۵۰۰۰$ = مقدار تولید سال پایه (سال اول) - مقدار تولید سال سوم (با در نظر گرفتن سال پایه)

ب) برای به دست آوردن افزایش قیمت‌ها (یعنی مقدار افزایش تولیدی که ناشی از افزایش قیمت‌ها یا تورم است) در سال دوم و سوم، به روش زیر عمل می‌کنیم:

برای محاسبه افزایش قیمت‌ها کافی است قیمت جاری را منهای قیمت ثابت کنیم:

$۵۵۰ = ۵۰۰۰ - ۵۵۵۰$: تورم سال دوم

$۱۵۰۰ = ۷۰۲۰ - ۸۵۲۰$: تورم سال سوم

پ) اعداد جدید به دست آمده در قسمت «ب» نشان‌دهنده اعداد تورمی است؛ یعنی در سال دوم ۵۵۰ میلیارد ریال تورم داشته‌ایم و در سال سوم ۱۵۰۰ میلیارد ریال تورم داشته‌ایم.

تیپ پنجم: محاسبه هزینه استهلاک برای ماشین‌آلات و تجهیزات

به چند سؤال زیر اگر جواب بدهیم و اگر شما هم آن را به خوبی یاد بگیرید، می‌توانیم بگوییم که بی‌شک سؤال‌های این تیپ را به درستی جواب خواهید داد. بعد از اینکه پاسخ‌ها را یاد گرفتید، چند مسئله‌ای را که در پی آن خواهد آمد، حل کنید تا مسلط شوید.

مثال: سؤال اول: مفهوم هزینه استهلاک چیست؟

پاسخ: دستگاهی با قیمتی معین خریده‌ایم. این دستگاه بعد از چند سال کارکردن از بین می‌رود. هزینه استهلاک، هزینه‌ای است که سالانه کنار می‌گذاریم تا پس از اینکه دستگاه کارائی خودش را از دست داد، پول خرید آن را داشته باشیم.

سؤال دوم: روش محاسبه هزینه استهلاک چگونه است؟

پاسخ: بر اساس فرمول زیر باشد می‌توانیم هزینه استهلاک را به دست آوریم:

$$\text{قیمت خرید دستگاه «الف»} = \frac{\text{قیمت خرید دستگاه «الف»}}{\text{عمر مفید دستگاه «الف»}}$$

سؤال سوم: می‌دانیم که دستگاهی را که به یک قیمت خریده‌ایم، چند سال دیگر آن دستگاه را به آن قیمت به ما نمی‌دهند؛ چرا که قیمت‌ها بالا می‌رود و در صورتی که دستگاه خریداری شده، عمر مفید خود را از دست بدهد، باید مبلغ بیشتری را برای خرید آن دستگاه پرداخت. این موضوع را چگونه در محاسبه هزینه استهلاک در نظر می‌گیریم؟

پاسخ: راه‌حل بسیار ساده است. قیمت جدید را در فرمول بالا، به جای قیمت قبل جای گذاری می‌کنیم.

اکنون سراغ حل مسائل می‌رویم.

مسئله شماره ۱۷ ← هزینه استهلاك برای ماشین آلات و تجهیزات

دستگاهی برای یک کارخانه به قیمت یک میلیارد تومان خریداری شده است. عمر مفید این دستگاه ۲۰ سال است. هزینه استهلاك سالانه این دستگاه چه مقداری است؟

پاسخ: براساس فرمول زیر می‌توانیم هزینه استهلاك را به دست آوریم:

$$\text{تومان } ۵۰,۰۰۰,۰۰۰ = \frac{۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰}{۲۰} = \text{هزینه استهلاك دستگاه} \Rightarrow \frac{\text{قیمت خرید دستگاه}}{\text{عمر مفید دستگاه}} = \text{هزینه استهلاك دستگاه}$$

مسئله شماره ۱۸ ← هزینه استهلاك برای ماشین آلات و تجهیزات

فرض کنید یک دستگاه کالای سرمایه‌ای را به بهای ۶۶۰ میلیارد ریال خریداری نموده‌ایم و عمر مفید این دستگاه ۲۲ سال است. در این صورت بگویید:

الف) مقدار هزینه استهلاكی سالانه کدام است؟

ب) چنانچه در سه سال آخر، عمر مفید این کالای سرمایه‌ای ۱۰٪ بهای آن افزایش یافته باشد، مجموع «هزینه استهلاك» سه سال آخر چه میزان خواهد بود؟

پ) قیمت جدید این کالا کدام است؟

پاسخ: الف) براساس فرمول زیر می‌توانیم هزینه استهلاك را به دست آوریم:

$$\text{ریال } ۳۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ = \frac{۶۶۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰}{۲۲} = \text{هزینه استهلاك دستگاه (سالانه)}$$

$$\text{هزینه استهلاك دستگاه (سالانه)} = \frac{\text{قیمت خرید دستگاه}}{\text{عمر مفید دستگاه}}$$

ب) ابتدا ۱۰٪ افزایش را حساب می‌کنیم و به قیمت قبلی اضافه می‌کنیم و سپس در فرمول جای‌گذاری می‌کنیم:

$$\text{(مقدار افزایش به قیمت قبلی)} = ۶۶۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ \times \frac{۱۰}{۱۰۰} = ۶۶,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰$$

$$۶۶۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ + ۶۶,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ = ۷۲۶,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ = \text{قیمت قبلی } + ۱۰\% = \text{قیمت جدید دستگاه}$$

$$\text{هزینه استهلاك دستگاه (سالانه)} = \frac{\text{قیمت خرید دستگاه}}{\text{عمر مفید دستگاه}}$$

$$\text{ریال } ۳۳,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ = \frac{۷۲۶,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰}{۲۲} = \text{هزینه استهلاك دستگاه (سالانه)}$$

پاسخ هنوز به دست نیامده است؛ چرا که صورت سؤال از شما خواسته است که هزینه استهلاك را در سه سال به دست آورید؛ پس باید «مقدار هزینه استهلاك سالانه» را در عدد ۳ ضرب کنیم:

پ) قیمت جدید کالا را در بخش «ب» به دست آوردیم:

نمودارها و مسائل اقتصاد

محاسبه مقدار تولید خالص و ناخالص

۲۳۱. در جامعه‌ای از کالای A، ۱۰۰۰ عدد تولید شده که هر عدد ۲۰۰۰ ریال ارزش داشته و از کالای B، ۱۰۰۰ کیلو تولید شده که هر کیلو، ۱۰۰ ریال ارزش داشته و از کالای C، ۲۰۰ دستگاه تولید شده که هر دستگاه ۲۵۰۰۰ ریال ارزش داشته است. اگر ارزش استهلاك برابر ۲۰۰,۰۰۰ ریال باشد، تولید ناخالص داخلی و تولید خالص داخلی به ترتیب از راست به چپ چه مقدار است؟

(مفاساتی)

۱) ۷,۳۰۰,۰۰۰ - ۷,۲۰۰,۰۰۰ ۲) ۵,۳۰۰,۰۰۰ - ۵,۱۰۰,۰۰۰ ۳) ۴,۹۰۰,۰۰۰ - ۵,۱۰۰,۰۰۰ ۴) ۶,۹۰۰,۰۰۰ - ۷,۱۰۰,۰۰۰

۲۳۲. در کشوری کالاهای زیر در مدت یک سال تولید شده است. با توجه به ارزش کالاهای مذکور و داده‌های دیگر، به ترتیب (از راست به چپ):

(سراسری ۸۷)

الف) تولید خالص داخلی (ب) تولید ناخالص داخلی این کشور کدام است؟ (ارقام به میلیارد ریال است)

۲,۸۰۰,۰۰۰,۰۰۰	ارزش ماشین‌آلات	۲,۵۱۹,۰۰۰,۰۰۰ - ۲,۵۹۵,۰۰۰,۰۰۰	۱
۹۵,۰۰۰,۰۰۰	ارزش پوشاک	۳,۱۹۵,۰۰۰,۰۰۰ - ۲,۴۹۵,۰۰۰,۰۰۰	۲
۲۵۰,۰۰۰,۰۰۰	ارزش مواد غذایی	۴,۰۰۵,۰۰۰,۰۰۰ - ۳,۱۵۱,۰۰۰,۰۰۰	۳
$\frac{۱}{۵}$ ارزش مواد غذایی	خدمات ارائه شده	۴,۰۵۰,۰۰۰,۰۰۰ - ۳,۵۱۱,۰۰۰,۰۰۰	۴
$\frac{۱}{۴}$ ارزش ماشین‌آلات	هزینه استهلاك		

۲۳۳. در کشوری کالاهای زیر در مدت یک‌سال تولید شده است. با توجه به رقم این تولیدات، به ترتیب از راست به چپ تولید ناخالص داخلی و خالص داخلی این کشور کدام است؟

(مسابق)

ارزش ماشین‌آلات	۲۵۰ دستگاه از قرار هر دستگاه	۱,۰۰۰,۰۰۰	۱	۳۵۸,۰۰۰,۰۰۰-۳۵۹,۰۰۰,۰۰۰
ارزش پوشاک	۷۰۰۰ عدد از قرار هر عدد	۵,۰۰۰	۲	۳۹۴,۰۰۰,۰۰۰-۳۹۵,۰۰۰,۰۰۰
ارزش مواد غذایی	۵۰ تن از قرار هر تن	۲۰۰,۰۰۰	۳	۲۵۸,۵۰۰,۰۰۰-۲۵۹,۵۰۰,۰۰۰
خدمات ارائه‌شده		۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۴	۲۹۵,۵۰۰,۰۰۰-۲۹۵,۵۰۰,۰۰۰
هزینه استهلاك		۱,۰۰۰,۰۰۰		

۲۳۴. در کشوری کالاهای زیر در مدت یک‌سال تولید شده است. با توجه به ارزش کالاهای مذکور و داده‌های دیگر، به ترتیب (از راست به چپ):

(فهرج از کشور ۸۷)

A	ارزش ماشین‌آلات	۲,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰	الف) تولید ناخالص داخلی	
B	ارزش پوشاک	۷۵,۰۰۰,۰۰۰	ب) تولید خالص داخلی این کشور کدام است؟ (ارقام به ریال است)	
C	ارزش مواد غذایی	۱۵۰,۰۰۰,۰۰۰	۱	۲,۳۶۶,۰۰۰,۰۰۰-۲,۵۵۵,۰۰۰,۰۰۰
D	خدمات ارائه‌شده	$\frac{1}{3}$ ارزش مواد غذایی	۲	۲,۵۶۵,۰۰۰,۰۰۰-۲,۵۷۷,۰۰۰,۰۰۰
E	هزینه استهلاك	$\frac{1}{25}$ ارزش ماشین‌آلات	۳	۲,۵۷۷,۰۰۰,۰۰۰-۲,۷۶۶,۰۰۰,۰۰۰
			۴	۲,۶۷۵,۰۰۰,۰۰۰-۲,۷۷۵,۰۰۰,۰۰۰

۲۳۵. در یک جامعه فرضی در مدت یک‌سال، کالاهای زیر تولید شده است. با توجه به ارزش کالاهای مذکور و سایر داده‌ها:

(سراسری ۹۰)

A	ارزش ماشین‌آلات	۳,۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال	الف) تولید خالص داخلی	
B	ارزش پوشاک	۸۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال	ب) تولید ناخالص داخلی، در این کشور؛ به ترتیب از (راست به چپ) چند ریال است؟	
C	ارزش مواد غذایی	۳۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال	۱	۳,۶۵۰,۰۰۰,۰۰۰-۳,۵۴۰,۰۰۰,۰۰۰
D	خدمات ارائه‌شده	$\frac{1}{4}$ ارزش پوشاک	۲	۳,۵۶۰,۰۰۰,۰۰۰-۳,۴۵۰,۰۰۰,۰۰۰
E	هزینه استهلاك	$\frac{1}{16}$ ارزش ماشین‌آلات	۳	۳,۶۵۰,۰۰۰,۰۰۰-۳,۴۵۰,۰۰۰,۰۰۰
			۴	۳,۵۶۰,۰۰۰,۰۰۰-۳,۵۴۰,۰۰۰,۰۰۰

۲۳۶. در یک جامعه فرضی، در مدت یک‌سال، کالاهای زیر تولید شده است. با توجه به ارزش کالاهای مذکور و سایر داده‌ها:

(فهرج از کشور ۸۸ و ۹۰)

A	ارزش ماشین‌آلات	۳,۶۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال	الف) تولید خالص داخلی (ب) تولید ناخالص داخلی، به ترتیب از (راست به چپ) چند ریال است؟	
B	ارزش پوشاک	۸۱,۰۰۰,۰۰۰ ریال	۱	۳,۷۸۰,۰۰۰,۰۰۰-۳,۷۶۰,۰۰۰,۰۰۰
C	ارزش مواد غذایی	۱۸۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال	۲	۳,۸۷۰,۰۰۰,۰۰۰-۳,۷۶۰,۰۰۰,۰۰۰
D	خدمات ارائه‌شده	$\frac{1}{9}$ ارزش پوشاک	۳	۳,۷۸۰,۰۰۰,۰۰۰-۳,۶۷۰,۰۰۰,۰۰۰
E	هزینه استهلاك	$\frac{1}{18}$ ارزش ماشین‌آلات	۴	۳,۸۷۰,۰۰۰,۰۰۰-۳,۶۷۰,۰۰۰,۰۰۰

۲۳۷. در یک کشور فرضی، کالاهای جدول زیر در مدت یک‌سال تولید شده است، با توجه به رقم این تولیدات و سایر داده‌ها:

(سراسری ۹۱)

A	مواد غذایی	۵۰۰ تن از قرار هر تن	الف) تولید ناخالص داخلی و تولید خالص داخلی این کشور به ترتیب (از راست به چپ) چند میلیون ریال است؟	
B	ماشین‌آلات	۵,۰۰۰ دستگاه از قرار هر دستگاه	ب) چنانچه جمعیت کل این کشور ۵۰ میلیون نفر باشد، «تولید خالص داخلی سرانه» آن کدام است؟	
C	پوشاک	۱۵,۰۰۰ عدد از قرار هر عدد	۱	الف) (۲۶۷,۵۰۰-۲۷۵,۵۰۰) ب) ۵۲۵۰
D	خدمات ارائه‌شده	$\frac{2}{3}$ ارزش پوشاک	۲	الف) (۲۷۶,۵۰۰-۲۷۵,۵۰۰) ب) ۵۳۵۰
E	هزینه استهلاك	$\frac{1}{25}$ ارزش ماشین‌آلات	۳	الف) (۲۷۶,۵۰۰-۲۷۷,۵۰۰) ب) ۵۲۵۰
			۴	الف) (۲۶۷,۵۰۰-۲۷۷,۵۰۰) ب) ۵۳۵۰

۲۳۸. با توجه به تولید کالاهای جدول زیر در مدت یک‌سال در یک جامعه فرضی و ۵۰ میلیون نفر جمعیت در آن جامعه:

(فهرج از کشور ۹۱)

A	ماشین‌آلات	۲۵۰۰ دستگاه از قرار هر دستگاه	الف) تولید خالص داخلی آن چقدر است؟	
B	پوشاک	۷۵۰۰ عدد از قرار هر عدد	ب) تولید داخلی سرانه این جامعه چیست؟	
C	مواد غذایی	۲۵۰ تن از قرار هر تن	پ) تولید ناخالص داخلی آن کدام است؟ (ارقام به میلیون و میلیارد ریال است.)	
D	هزینه استهلاك	$\frac{2}{3}$ ارزش پوشاک	۱	الف) (۲۶۷,۵۰۰) ب) ۵۳۵۰ پ) ۲۱۸,۵۰۰
E	خدمات ارائه‌شده	$\frac{3}{5}$ ارزش مواد غذایی	۲	الف) (۲۶۷,۵۰۰) ب) ۵۵۳۰ پ) ۲۸۱,۵۰۰
			۳	الف) (۲۷۶,۵۰۰) ب) ۵۳۵۰ پ) ۲۱۸,۵۰۰
			۴	الف) (۲۷۶,۵۰۰) ب) ۵۵۳۰ پ) ۲۸۱,۵۰۰

(مسابقاتی)

۲۳۹. در یک جامعه فرضی، کالاهای جدول زیر در مدت یک‌سال تولید شده است، با توجه به رقم این تولیدات و سایر داده‌ها:

A	ماشین‌آلات	۱۰۰ دستگاه از قرار هر دستگاه	۱۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال
B	پوشاک	۲۰۰ عدد از قرار هر عدد	۱۵۰,۰۰۰ ریال
C	مواد غذایی	۱۰۰ تن از قرار هر تن	۲۴,۰۰۰,۰۰۰ ریال
D	هزینه استهلاک		$\frac{3}{4}$ ارزش پوشاک
E	خدمات ارائه‌شده		$\frac{1}{20}$ ارزش مواد غذایی

الف) تولید ناخالص داخلی این جامعه کدام است؟
ب) تولید خالص داخلی آن چقدر است؟
پ) چنانچه جمعیت کل این جامعه ۴۵ میلیون نفر باشد، «تولید خالص سرانه» آن چیست؟

- ۱ الف) (۴,۰۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ب) (۲,۵۲۰,۰۰۰,۰۰۰ پ) ۵۰
۲ الف) (۴,۰۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ب) (۲,۲۵۰,۰۰۰,۰۰۰ پ) ۵۰
۳ الف) (۴,۰۰۵,۰۰۰,۰۰۰ ب) (۲,۲۵۰,۰۰۰,۰۰۰ پ) ۸۴
۴ الف) (۴,۰۰۵,۰۰۰,۰۰۰ ب) (۲,۵۲۰,۰۰۰,۰۰۰ پ) ۸۴

محاسبه تولید ملی و تولید داخلی

۲۴۰. با توجه به مندرجات جدول زیر و همچنین چنانچه مجموع ارزش اقلام «مواد غذایی، ماشین‌آلات و پوشاک» در یک جامعه فرضی ۱۸۵ میلیارد

(مخرج از کشور ۹۳)

A	هزینه استهلاک	$\frac{1}{5}$ ارزش تولید مردم مقیم کشور در خارج
B	ارزش خدمات ارائه‌شده	$\frac{2}{3}$ ارزش تولید خارجی‌ان مقیم کشور
C	جمعیت کل کشور	۸۵ میلیون نفر
D	ارزش تولید خارجی‌ان مقیم کشور	۳۰ میلیارد ریال
E	ارزش تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند.	۸۵ میلیارد ریال

ریال باشد، در این صورت:

الف) تولید خالص داخلی سرانه
ب) تولید ناخالص داخلی

- پ) تولید خالص ملی در این جامعه کدام است؟
۱ الف) (۲۵۶۴/۷ ب) (۲۳۵ پ) ۲۷۳
۲ الف) (۲۵۶۴/۷ ب) (۲۵۳ پ) ۲۱۵
۳ الف) (۳۵۶۴/۷ ب) (۲۳۵ پ) ۲۵۱
۴ الف) (۳۵۶۴/۷ ب) (۲۵۳ پ) ۲۵۱

۲۴۱. با توجه به مندرجات جدول زیر، چنانچه مجموع ارزش اقلام «پوشاک، ماشین‌آلات و مواد غذایی» در یک جامعه فرضی ۱۶۵ میلیارد ریال

(سراسری ۰۹۴ با تغییر)

A	ارزش «تولید خارجی‌ان مقیم کشور»	۳۰ میلیارد ریال
B	جمعیت کل کشور	۱۱۰ میلیون نفر
C	هزینه استهلاک	$\frac{1}{5}$ ارزش تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند.
D	ارزش «تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند.»	۸۵ میلیارد ریال
E	ارزش «خدمات ارائه‌شده»	$\frac{2}{3}$ ارزش تولید خارجی‌ان مقیم کشور

باشد، در این صورت:

الف) تولید «خالص ملی»
ب) تولید «ناخالص داخلی»

پ) تولید «خالص ملی سرانه» در این جامعه کدام است؟

- ۱ الف) (۲۵۳ ب) (۲۱۵ پ) ۲۳۰۰
۲ الف) (۲۵۳ ب) (۲۱۵ پ) ۳۲۰۰
۳ الف) (۲۳۵ ب) (۲۵۱ پ) ۲۳۰۰
۴ الف) (۲۳۵ ب) (۲۵۱ پ) ۳۲۰۰

۲۴۲. با توجه به مندرجات جدول زیر، چنانچه مجموع ارزش اقلام «ماشین‌آلات، پوشاک و مواد غذایی» در یک جامعه فرضی، ۱۶۵ میلیارد ریال

(مخرج از کشور ۹۳ با تغییر)

A	تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند.	۶۵ میلیارد ریال
B	تولید خارجی‌ان مقیم کشور	۱۵ میلیارد ریال
C	خدمات ارائه‌شده	$\frac{3}{5}$ ارزش تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند.
D	هزینه استهلاک	$\frac{2}{3}$ ارزش تولید خارجی‌ان مقیم کشور
E	جمعیت کل کشور	۶۵ میلیون نفر

باشد، در این صورت:

الف) تولید «خالص ملی»
ب) تولید «داخلی سرانه»

پ) تولید «ناخالص داخلی» کدام است؟
«توجه: ارقام به میلیارد ریال است.»

- ۱ الف) (۲۹۵ ب) (۳۲۱۵ پ) ۲۱۹
۲ الف) (۲۵۹ ب) (۳۲۱۵ پ) ۲۱۹
۳ الف) (۲۵۹ ب) (۴۲۱۰ پ) ۲۹۱
۴ الف) (۲۹۵ ب) (۴۲۱۰ پ) ۲۹۱

۲۴۳. با توجه به مندرجات جدول زیر و همچنین چنانچه ارزش اقلام «پوشاک، مواد غذایی و ماشین‌آلات» در یک جامعه فرضی ۱۴۵ میلیارد ریال

(مخرج از کشور ۹۳ با تغییر)

A	جمعیت کل کشور	۵۰ میلیون نفر
B	تولید خارجی‌ان مقیم کشور	۱۸ میلیارد
C	هزینه استهلاک	$\frac{3}{5}$ تولید مردم کشور در خارج
D	خدمات ارائه‌شده	$\frac{2}{3}$ ارزش تولید خارجی‌ان مقیم کشور
E	تولید مردم کشور که در خارج مقیم هستند.	۲۰ میلیارد

باشد، در این صورت:

الف) تولید ناخالص داخلی
ب) تولید خالص ملی

پ) «تولید خالص داخلی سرانه» کدام است؟

- ۱ الف) (۱۵۷ میلیارد ریال ب) (۱۶۵ میلیارد ریال پ) ۲۳۶۰ ریال
۲ الف) (۱۵۷ میلیارد ریال ب) (۱۵۶ میلیارد ریال پ) ۳۶۲۰ ریال
۳ الف) (۱۷۵ میلیارد ریال ب) (۱۵۶ میلیارد ریال پ) ۳۶۲۰ ریال
۴ الف) (۱۷۵ میلیارد ریال ب) (۱۶۵ میلیارد ریال پ) ۳۲۶۰ ریال

۲۴۴. با توجه به مندرجات جدول زیر، چنانچه مجموع ارزش اقلام «پوشاک، مواد غذایی، ماشین‌آلات» در یک جامعه فرضی، ۱۴۵ میلیارد ریال باشد، در این صورت:

A	ارزش «خدمات ارائه‌شده»	$\frac{2}{3}$ ارزش تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند.
B	هزینه استهلاك	$\frac{3}{5}$ ارزش تولید خارجیان مقیم کشور
C	جمعیت کل کشور	۵۰ میلیون نفر
D	ارزش «تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند»	۴۵ میلیارد ریال
E	ارزش «تولید خارجیان مقیم کشور»	۲۵ میلیارد ریال

- الف) تولید «ناخالص داخلی»
ب) تولید «خالص ملی»
پ) تولید «خالص داخلی سرانه» کدام است؟
- ۱ الف (۲۲۰ ب) ۲۰۵ پ) ۴/۷
۲ الف (۲۰۵ ب) ۲۰۰ پ) ۳/۷
۳ الف (۲۰۰ ب) ۲۰۵ پ) ۳/۷
۴ الف (۱۹۰ ب) ۲۰۰ پ) ۴/۷

۲۴۵. با توجه به مندرجات جدول زیر و همچنین چنانچه ارزش اقلام: «پوشاک، مواد غذایی و ماشین‌آلات» در یک جامعه فرضی ۱۵۰ میلیارد ریال باشد، در این صورت:

A	جمعیت کل کشور	۵۰ میلیون نفر
B	تولید مردم کشور در داخل	۲۴ میلیارد
C	هزینه استهلاك	$\frac{1}{3}$ تولید مردم کشور در داخل
D	خدمات ارائه‌شده	$\frac{2}{3}$ ارزش تولید مردم کشور که در خارج مقیم هستند.
E	تولید مردم کشور که در خارج مقیم هستند.	۲۷ میلیارد

- الف) تولید ناخالص داخلی
ب) تولید خالص ملی
پ) «تولید خالص داخلی سرانه»
ت) «تولید ناخالص ملی سرانه» کدام است؟
- ۱ الف (۱۹۲ میلیارد ریال ب) ۲۱۹ میلیارد ریال
پ) ۳۶۸۰ ریال ت) ۴۳۸۰ ریال
۲ الف (۱۸۲ میلیارد ریال ب) ۲۱۹ میلیارد ریال
پ) ۳۷۸۰ ریال ت) ۴۲۸۰ ریال
۳ الف (۱۹۲ میلیارد ریال ب) ۲۱۱ میلیارد ریال پ) ۳۶۸۰ ریال ت) ۴۳۸۰ ریال
۴ الف (۱۸۲ میلیارد ریال ب) ۲۱۱ میلیارد ریال پ) ۳۷۸۰ ریال ت) ۴۲۸۰ ریال

۲۴۶. با توجه به مندرجات جدول زیر و همچنین چنانچه مجموع ارزش اقلام: «مواد غذایی، ماشین‌آلات، پوشاک» در یک جامعه فرضی ۱۸۵ میلیارد ریال باشد، در این صورت: الف) تولید خالص داخلی سرانه ب) تولید خالص داخلی پ) تولید خالص ملی کدام است؟

A	هزینه استهلاك	$\frac{1}{5}$ تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند.
B	خدمات ارائه‌شده	$\frac{2}{3}$ ارزش تولید خارجیان مقیم کشور
C	جمعیت کشور	۸۵ میلیون نفر
D	تولید خارجیان مقیم کشور	۳۰ میلیارد ریال
E	تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند.	۸۵ میلیارد ریال

- ۱ الف (۲/۵۶ ب) ۲۸۱ پ) ۱۸۸
۲ الف (۳/۵۶ ب) ۲۱۵ پ) ۲۳۷
۳ الف (۲/۵۶ ب) ۲۱۸ پ) ۲۷۳
۴ الف (۳/۵۶ ب) ۲۵۱ پ) ۱۸۸

۲۴۷. از کالای «الف» به قیمت هر واحد ۱۲۰۰۰ ریال، ۱۰۰۰ واحد، توسط شرکت‌های ایرانی در خارج از کشور تولید می‌شود و از کالای «ب» به قیمت هر واحد ۱۵۰۰ ریال، ۱۰۰۰۰ واحد، توسط ایرانیان در داخل کشور تولید می‌شود و از کالای «پ» به قیمت هر واحد ۱۷۰۰ ریال، ۵۰۰۰ واحد توسط خارجیان مقیم تولید می‌گردد. اگر ارزش استهلاك برابر با ۱۷۰۰۰۰ ریال باشد، به ترتیب از راست به چپ تولید ناخالص داخلی و تولید خالص ملی و تولید خالص داخلی کدام است؟

- ۱ ۲۶,۸۳۰,۰۰۰-۲۳,۵۰۰,۰۰۰-۲۷,۰۰۰,۰۰۰
۲ ۲۲,۳۳۰,۰۰۰-۲۶,۸۳۰,۰۰۰-۲۳,۵۰۰,۰۰۰
۳ ۲۲,۳۳۰,۰۰۰-۲۶,۸۳۰,۰۰۰-۲۳,۵۰۰,۰۰۰
۴ ۲۲,۳۳۰,۰۰۰-۲۷,۰۰۰,۰۰۰-۲۳,۵۰۰,۰۰۰

۲۴۸. مندرجات جدول زیر، مربوط به اطلاعات استخراجی از «حساب‌های ملی» کشوری در سال جاری است. با توجه به داده‌های مذکور، «سهم تولید خارجیان مقیم کشور»، کدام است؟ (توجه: اقلام به میلیارد ریال است.)

۱	تولید ناخالص ملی	۲۵۵
۲	سهم تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند.	۱۵
۳	تولید ناخالص داخلی	۲۵۰

- ۱ ۱۰
۲ ۱۱
۳ ۱۲
۴ ۱۴

۲۴۹. مندرجات جدول زیر، مربوط به اطلاعات استخراجی از «حساب‌های ملی» سال گذشته یک کشور فرضی است. با توجه به داده‌های مذکور «سهم تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند»، کدام است؟ (اقلام به میلیارد ریال است.)

۱	تولید ناخالص ملی	۴۵۵
۲	سهم تولید خارجیان مقیم کشور	۲۵
۳	تولید ناخالص داخلی	۴۵۰

- ۱ ۱۵
۲ ۲۰
۳ ۳۰
۴ ۳۵

۲۵۰. کشوری را فرض کنید که تولید ناخالص داخلی آن برابر ۸۰۰۰ میلیارد بوده است. در صورتی که در سال بعد شرایط به گونه‌ای شود که میزان کسانی که کالای قاچاق از بنادر این کشور وارد می‌کنند، به بیش از دو برابر برسد و ارزش فعالیت افرادی که از کشور در خارج مقیم هستند ۱۰۰۰ میلیارد افزایش یابد و ارزش فعالیت خارجی‌ان مقیم کشور ۵۰۰ میلیارد کاهش یابد و از طرف دیگر فعالیت دست‌فروشان این کشور دو برابر شود، آنگاه:

(مهاجرتی)

۱ تولید ناخالص داخلی به ۷۵۰۰ میلیارد می‌رسد.

۲ تولید ناخالص داخلی به بیش از ۷۵۰۰ میلیارد می‌رسد.

۳ تولید ناخالص داخلی به بیش از ۸۰۰۰ میلیارد می‌شود.

۴ تولید ناخالص داخلی کمتر از ۷۵۰۰ میلیارد می‌شود.

۲۵۱. با توجه به مندرجات جدول زیر و همچنین اگر مجموع ارزش اقلام «ماشین‌آلات و مواد غذایی و پوشاک» در یک جامعه فرضی ۱۵۰ میلیارد ریال باشد. در این صورت، الف) تولید خالص «ملی» ب) تولید خالص داخلی «سرانه» پ) تولید «ناخالص داخلی» در این «جامعه» کدام است؟

(سراسری ۹۵)

A	جمعیت کل کشور	۳۵ میلیون نفر
B	تولید خارجی‌ان مقیم کشور	۴۴ میلیارد ریال
C	هزینه استهلاك	$\frac{2}{3}$ ارزش تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند.
D	خدمات ارائه شده	$\frac{1}{4}$ ارزش تولید خارجی‌ان مقیم کشور
E	تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند.	۴۵ میلیارد ریال

- ۱ الف) ۱۷۶ (ب) ۵ (پ) ۲۰۶
- ۲ الف) ۱۷۵ (ب) ۴ (پ) ۲۰۶
- ۳ الف) ۱۷۶ (ب) ۵ (پ) ۲۰۵
- ۴ الف) ۱۷۵ (ب) ۴ (پ) ۲۰۵

۲۵۲. با توجه به مندرجات جدول زیر و همچنین اگر مجموع ارزش اقلام «پوشاک، ماشین‌آلات و مواد غذایی» یک جامعه فرضی ۱۳۵ میلیارد ریال باشد، در این صورت:

A	خدمات ارائه شده	$\frac{1}{3}$ ارزش تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند.
B	هزینه «استهلاك»	۱۴ میلیارد ریال
C	ارزش تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند.	۴۵ میلیارد ریال
D	تولید خارجی‌ان مقیم کشور	۱/۵ برابر «هزینه استهلاك»
E	جمعیت کل کشور	۵۰ میلیون نفر

- الف) تولید «خالص داخلی سرانه»
ب) تولید «خالص ملی»
پ) تولید «ناخالص داخلی»
در این جامعه کدام است؟
- ۱ الف) ۳/۱۴ (ب) ۱۵۷ (پ) ۱۹۵
- ۲ الف) ۴/۱۳ (ب) ۱۷۱ (پ) ۱۸۱
- ۳ الف) ۳/۱۴ (ب) ۱۸۱ (پ) ۱۷۱
- ۴ الف) ۴/۱۳ (ب) ۱۹۵ (پ) ۱۵۷

۲۵۳. با توجه به اطلاعات مندرج در جدول زیر، الف) استهلاك سرمایه ثابت ب) تولید ناخالص داخلی پ) تولید خالص داخلی ت) تولید خالص داخلی سرانه چقدر است؟

(قارچ از کشور ۹۶)

۱	استهلاك سرمایه ثابت به ارزش	$\frac{1}{3}$ تولید ناخالص داخلی (G.D.P)
۲	تولید ۳۰ دستگاه ماشین‌آلات نساجی به ارزش	۴۸۰ میلیون ریال
۳	ارزش مواد غذایی	۶۰ درصد ارزش تولیدات در بخش صنعت
۴	ارزش کالاهای واسطه‌ای و مواد اولیه به کار رفته در بخش صنعت و مواد غذایی	۲۴۰ میلیون ریال
۵	ارزش خدمات ارائه شده به وسیله بخش خصوصی	۵۰ درصد مجموع ارزش بخش صنعت و مواد غذایی
۶	تعداد جمعیت	۲۰ میلیون نفر

- ۱ الف) ۳۴۸ (ب) ۱۲۵۱ (پ) ۷۶۸ (ت) ۳۸/۴
- ۲ الف) ۳۸۴ (ب) ۱۱۵۲ (پ) ۷۶۸ (ت) ۳۸/۴
- ۳ الف) ۳۴۸ (ب) ۱۲۵۱ (پ) ۷۶۸ (ت) ۳۸/۴
- ۴ الف) ۳۸۴ (ب) ۱۱۵۲ (پ) ۷۶۸ (ت) ۳۸/۴

محاسبه درآمد ملی

۲۵۴. درآمد ملی یک کشور در سال‌های ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷ به ترتیب ۵۱۰۰، ۵۲۰۰، ۵۴۰۰ و ۶۳۰۰ میلیارد واحد پولی و جمعیت آن به ترتیب ۶۰، ۶۵، ۷۲ و ۷۵ میلیون نفر بوده، بیشترین میزان رفاه افراد آن، متعلق به «چه سالی» است؟

(آزاد ۸۸)

- ۱ ۸۵
- ۲ ۸۶
- ۳ ۸۷
- ۴ ۸۴

۲۵۵. جدول زیر مبین اقلام مختلف درآمدی مربوطه به یک سال اعضای یک جامعه فرضی بوده و کل جمعیت این جامعه ۶۰ میلیون نفر می‌باشد. در این صورت: الف) کدام ردیف جدول، سودی است که به سرمایه تعلق می‌گیرد و کدام ردیف اجاره‌بها یا مال‌الاجاره است؟ ب) درآمد ملی این جامعه چقدر است؟ پ) درآمد سرانه آن کدام است؟ ت) معنا و مفهوم «سرانه» چیست؟

(سراسری ۸۹، بانکی تغییر)

۱	ردیف ۳ و ردیف ۴ - ۴۵/۱۵۷۳۲۸-۲,۷۱۰,۵۴۹,۴۰۰	ردیف	اقلام درآمدی	مبلغ
۲	ردیف ۴ و ردیف ۳ - ۴۵/۱۷۵۸۲۳-۲,۵۴۹,۷۱۰,۴۰۰	۱	درآمد حقوق‌بگیران	ریال ۱۸۶,۵۸۸,۰۰۰
۳	ردیف ۴ و ردیف ۳ - ۴۵/۱۵۷۳۲۸-۲,۷۱۰,۵۴۹,۴۰۰	۲	دستمزدها	یک سوم درآمد حقوق‌بگیران
۴	ردیف ۳ و ردیف ۴ - ۴۵/۱۷۵۸۲۳-۲,۷۱۰,۵۴۹,۴۰۰	۳	درآمد صاحبان سرمایه	ریال ۸۶۴,۴۲۲,۰۰۰
۵	ردیف ۳ و ردیف ۴ - ۴۵/۱۷۵۸۲۳-۲,۷۱۰,۵۴۹,۴۰۰	۴	درآمد صاحبان املاک و مستغلات	یک چهارم درآمد صاحبان سرمایه
۶	سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان تولید یا درآمد آن جامعه	۵	درآمد صاحبان مشاغل آزاد	دو پنجم سود شرکت‌ها و موسسات
		۶	سود شرکت‌ها و موسسات	ریال ۹۸۶,۵۹۸,۵۰۰

۲۵۶. جدول زیر مبین «اقلام مختلف درآمدی» است که در یک سال نصیب یک جامعه فرضی شده است. چنانچه جمعیت کل این جامعه «۵۰ میلیون» نفر باشد، در این صورت:

(سراسری ۹۱، یا یکی تغییر)

ردیف	اقلام درآمدی	مبلغ
۱	درآمد «صاحبان سرمایه»	۹۸۹۷ میلیارد ریال
۲	درآمد «صاحبان مشاغل آزاد»	$\frac{1}{3}$ مجموع درآمد ردیف ۱ و ۶
۳	سود شرکت‌ها و مؤسسات	$\frac{2}{3}$ درآمد «صاحبان سرمایه»
۴	دستمزدها	۶۴۴۲ میلیارد ریال
۵	درآمد «حقوق‌بگیران»	$\frac{1}{5}$ مجموع درآمد ردیف ۴ و ۶
۶	درآمد «صاحبان املاک و مستغلات»	۸۸۵۶ میلیارد ریال

الف) کدام ردیف جدول «قیمت خدمات سرمایه» است و کدام ردیف «اجاره‌ها یا وجوه مربوط به اجاره» است؟
ب) «درآمد ملی» این جامعه چقدر است؟
پ) «درآمد سرانه» آن کدام است؟
ت) «مفهوم و معنای سرانه» چیست؟
۱ الف) ردیف ۶ و ردیف ۱ ب) ۴۱,۱۰۳ پ) ۸۲۲/۰۷۲ ت) سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان درآمد آن جامعه»
۲ الف) ردیف ۱ و ردیف ۶ ب) ۴۳,۰۱۱ پ) ۸۳۲/۰۷۲ ت) سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان تولید آن جامعه»

۳ الف) ردیف ۱ و ردیف ۶ ب) ۴۱,۱۰۳ پ) ۸۲۲/۰۷۲ ت) سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان «تولید یا درآمد آن جامعه»

۴ الف) ردیف ۶ و ردیف ۱ ب) ۴۳,۰۱۱ پ) ۸۳۲/۰۷۲ ت) سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان «درآمد یا تولید آن جامعه»

۲۵۷. جدول زیر مبین «اقلام مختلف درآمدی» است که در طول یک سال نصیب اعضای یک جامعه فرضی شده است و جمعیت کل آن «۷۵ میلیون» نفر می‌باشد، در این صورت:

(سراج از کشور ۸۹ و ۹۱)

الف) کدام ردیف جدول، سودی است که به سرمایه تعلق می‌گیرد و کدام ردیف، اجاره‌ها یا وجوه مربوط به اجاره است؟ ب) میزان «درآمد ملی» این جامعه کدام است؟ پ) «درآمد سرانه» آن کدام است؟ ت) «مفهوم و معنای سرانه» چیست؟

ردیف	اقلام درآمدی	مبلغ
۱	درآمد «حقوق‌بگیران»	$\frac{1}{4}$ سود شرکت‌ها و مؤسسات
۲	درآمد «صاحبان املاک و مستغلات»	$\frac{2}{5}$ درآمد صاحبان سرمایه
۳	درآمد «صاحبان مشاغل آزاد»	۲۴۹,۳۹۶,۲۰۰
۴	دستمزدها	$\frac{1}{3}$ درآمد صاحبان املاک و مستغلات
۵	درآمد «صاحبان سرمایه»	۶۸۴,۲۲۵,۰۰۰
۶	سود شرکت‌ها و مؤسسات	۶۹۸,۹۵۸,۴۰۰

۱ ردیف ۲ و ردیف ۵ - ۲,۲۱۷,۳۲۹,۱۸۰ - ۲۹/۸۶۳۸۹۱ - سهم متوسط هر فرد در «میزان درآمد آن جامعه»
۲ ردیف ۲ و ردیف ۵ - ۲,۱۷۲,۲۳۹,۲۰۰ - ۲۸/۹۶۳۱۸۹ - سهم متوسط هر فرد در «میزان تولید آن جامعه»
۳ ردیف ۵ و ردیف ۲ - ۲,۱۷۲,۲۳۹,۲۰۰ - ۲۸/۹۶۳۱۸۹ - سهم متوسط هر فرد در «میزان تولید یا درآمد آن جامعه»
۴ ردیف ۵ و ردیف ۲ - ۲,۲۱۷,۳۲۹,۱۸۰ - ۲۹/۸۶۳۸۹۱ - سهم متوسط هر فرد در «میزان تولید یا درآمد آن جامعه»

۲۵۸. جدول زیر دربردارنده «اقلام درآمدی» است

که در طول یک سال نصیب اعضای یک جامعه فرضی شده است:

(سراسری ۹۴)

الف) «درآمد ملی» این جامعه چند میلیارد ریال است؟
ب) «معنا و مفهوم سرانه» چیست؟
پ) کدام ردیف جدول «قیمت خدمات سرمایه» و کدام «اجاره‌ها یا وجوه مربوط به اجاره» است؟
ت) «درآمد سرانه» این جامعه چند ریال است؟
(قابل توجه: درآمد کارمندان و کارگران موضوع ردیف‌های ۲ و ۶ به تفکیک محاسبه شده است.)

ردیف	اقلام درآمدی	ارزش
۱	درآمد «صاحبان سرمایه»	۹۸۶ میلیارد ریال
۲	درآمد «حقوق‌بگیران»	$\frac{1}{3}$ مجموع درآمد ردیف‌های ۱ و ۷
۳	درآمد «صاحبان مشاغل آزاد»	$\frac{2}{5}$ مجموع درآمد ردیف‌های ۱ و ۵
۴	جمعیت کل کشور	۴۵ میلیون نفر
۵	سود شرکت‌ها و مؤسسات	۸۹۴ میلیارد ریال
۶	دستمزدها	$\frac{1}{6}$ سود شرکت‌ها و مؤسسات
۷	درآمد «صاحبان املاک و مستغلات»	۷۸۷ میلیارد ریال

۱ الف) ۴۱۵۹ ب) سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان «درآمد یا تولید» آن جامعه پ) ردیف ۱ و ۷ ت) ۹۲۴۲۲

۲ الف) ۴۱۵۹ ب) سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان «درآمد» آن جامعه پ) ردیف ۱ و ۷ ت) ۹۴۲۲

۳ الف) ۴۵۱۹ ب) سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان «درآمد یا تولید» آن جامعه پ) ردیف ۱ و ۵ ت) ۹۴۲۲

۴ الف) ۴۵۱۹ ب) سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان «تولید» آن جامعه پ) ردیف ۱ و ۵ ت) ۹۲۴۲۲

۲۵۹. جدول زیر مبین «اقلام مختلف درآمدی» است که در طول یک‌سال نصیب یک جامعه فرضی شده است. با توجه به این جدول: (فارج از کشور ۹۴)

الف) کدام ردیف جدول «قیمت خدمات سرمایه» و کدام ردیف «اجاره‌بها یا مال‌الاجاره» است؟ ب) «درآمد ملی» این جامعه چقدر است؟ ب) «درآمد سرانه» این جامعه چند ریال است؟ ت) «معنا و مفهوم سرانه چیست؟ (قابل توجه: جمعیت کشور: ۵۰ میلیون نفر)

ردیف	اقلام درآمدی	ارزش
۱	درآمد «صاحبان املاک و مستغلات»	۶۵۶ میلیارد ریال
۲	سود شرکت‌ها و مؤسسات	$\frac{۲}{۳}$ درآمد صاحبان سرمایه
۳	درآمد «حقوق‌بگیران»	$\frac{۲}{۶}$ مجموع درآمد ردیف‌های ۱ و ۲
۴	درآمد «صاحبان سرمایه»	۶۹۶ میلیارد ریال
۵	درآمد «صاحبان مشاغل آزاد»	$\frac{۱}{۳}$ مجموع درآمد ردیف‌های ۱ و ۲
۶	دستمزدها	۴۶۶ میلیارد ریال

۲۶۰. جدول زیر مبین اقسام مختلف درآمدی است که در طول یکسال نصیب اعضای یک جامعه فرضی شده است و جمعیت کل این جامعه ۷۵ میلیون نفر می‌باشد. در این صورت:

ردیف	اقلام درآمدی	ارزش
۱	درآمد حقوق‌بگیران	$\frac{۱}{۴}$ سود شرکت‌ها و مؤسسات
۲	درآمد صاحبان املاک و مستغلات	$\frac{۲}{۵}$ درآمد صاحبان سرمایه
۳	درآمد صاحبان مشاغل آزاد	۲۴۹,۳۹۶,۲۰۰ ریال
۴	دستمزدها	$\frac{۱}{۳}$ درآمد صاحبان املاک و مستغلات
۵	درآمد صاحبان سرمایه	۶۸۴,۲۲۵,۰۰۰ ریال
۶	سود شرکت‌ها و مؤسسات	۶۹۸,۹۵۸,۰۰۰ ریال

الف) کدام ردیف جدول، قیمت خدمات سرمایه و کدام ردیف، اجاره‌بها یا وجوه مربوط به اجاره است؟ ب) میزان درآمد ملی این جامعه کدام است؟ ب) درآمد سالانه آن چقدر است؟ ت) معنا و مفهوم سرانه چیست؟

۲۶۱. جدول زیر، مشتمل بر اقسام مختلف درآمدی است که در طول یکسال نصیب یک جامعه فرضی شده است. با توجه به مندرجات: (سراسری ۹۶)

الف) کدام ردیف جدول، قیمت خدمات سرمایه و کدام ردیف، اجاره‌بها یا مال‌الاجاره است؟ ب) درآمد ملی این جامعه چقدر است؟ ب) درآمد سرانه آن کدام است؟ ت) مفهوم و معنای سرانه چیست؟

ردیف	اقلام درآمدی	ارزش
۱	درآمد صاحبان املاک و مستغلات	۶۵۶ میلیارد ریال
۲	سود شرکت‌ها و مؤسسات	$\frac{۲}{۳}$ درآمد صاحبان سرمایه
۳	درآمد حقوق‌بگیران	$\frac{۲}{۶}$ مجموع درآمد ردیف‌های ۱ و ۲
۴	درآمد صاحبان سرمایه	۶۹۶ میلیارد ریال
۵	درآمد صاحبان مشاغل آزاد	$\frac{۱}{۳}$ مجموع درآمد ردیف‌های ۱ و ۲
۶	دستمزدها	۴۶۶ میلیارد ریال
۷	جمعیت کل کشور	۵۰ میلیون نفر

محاسبه تولیدات کل

۲۶۲. کشاورزان هر کیلوگرم پنبه تولیدشده را به قیمت ۵۰۰ ریال به کارگاه‌های ریسندگی می‌فروشند و آن کارگاه‌ها بعد از تبدیل پنبه به نخ، آن را با قیمت ۱۵۰۰ ریال به کارگاه‌های پارچه‌بافی می‌فروشند و این کارگاه‌ها بعد از تبدیل نخ به پارچه، آن را به قیمت ۳۰۰۰ ریال به کارگاه‌های تولید پوشاک می‌فروشند. این کارگاه‌ها با تبدیل پارچه به پوشاک آن را به مبلغ ۵۰۰۰ ریال به مصرف‌کننده می‌فروشند. ارزش کل تولید کالای نهایی چه مقداری است؟

- ۱) ۱۰۰۰۰ ریال ۲) ۵۰۰۰ ریال ۳) ۴۵۰۰ ریال ۴) ۹۵۰۰ ریال

۲۶۳. کشاورزان هر کیلوگرم پنبه تولیدی خود را به ارزش ۶۵۰۰ ریال به کارگاه‌های ریسندگی می‌فروشند. کارگاه‌های ریسندگی، این مقدار پنبه را به مقداری نخ تبدیل می‌کنند و آن را به ارزش ۷۵۰۰ ریال به کارگاه‌های پارچه‌بافی می‌فروشند. کارگاه‌های پارچه‌بافی نیز نخ را به پارچه تبدیل می‌کنند و آن را به مبلغ ۹۰۰۰ ریال به کارگاه‌های تولید پوشاک می‌فروشند. در این کارگاه‌ها، پارچه به پوشاک تبدیل می‌شود و سرانجام به مبلغ ۱۶۰۰۰ ریال به دست مصرف‌کنندگان می‌رسد. با این شرایط: الف) ارزش افزوده مرحله اول و مرحله آخر کدام است؟ ب) نام دیگر این روش محاسبه ارزش کل کالاها و خدمات نهایی چیست؟ پ) برای محاسبه ارزش کل کالاها و خدمات نهایی چند روش وجود دارد؟ ت) کارشناسان برای جلوگیری از اشتباه در محاسبه کل کالاها و خدمات نهایی به چه اقدامی متوسل می‌شوند؟

- ۱ الف) ۷۰۰۰ و ۶۵۰۰ (ب) روش هزینه‌ای (پ) دو روش (ت) هر دو روش را به کار می‌گیرند و جواب‌ها را با هم مقایسه می‌کنند.
۲ الف) ۶۵۰۰ و ۷۰۰۰ (ب) روش هزینه‌ای (پ) سه روش (ت) حداقل دو روش را به کار می‌گیرند و جواب‌ها را با هم مقایسه می‌کنند.
۳ الف) ۷۵۰۰ و ۹۰۰۰ (ب) روش درآمدی (پ) سه روش (ت) هر سه روش را به کار می‌گیرند و هر کدام بیشتر بود آن را می‌پذیرند.
۴ الف) ۹۰۰۰ و ۷۵۰۰ (ب) روش درآمدی (پ) دو روش (ت) هر دو روش را به کار می‌گیرند و میانگین آن‌ها را منظور می‌دارند.

۲۶۴. در یک جامعه فرضی چنانچه کشاورزان هر کیلوگرم پنبه تولیدی خود را به ارزش ۴۰۰۰ ریال به کارگاه‌های ریسندگی می‌فروشند. کارگاه‌های ریسندگی این مقدار پنبه را به مقداری نخ تبدیل کرده و به ارزش ۵۰۰۰ ریال به کارگاه‌های پارچه‌بافی می‌فروشند. در کارگاه‌های پارچه‌بافی، نخ به پارچه تبدیل شده و به مبلغ ۸۰۰۰ ریال به کارگاه‌های تولید پوشاک فروخته شود. در این کارگاه‌ها «پارچه» به «پوشاک» تبدیل می‌شود و به مبلغ ۱۶۰۰۰ ریال به دست مصرف‌کنندگان می‌رسد. با توجه به این «داده‌ها و ستاده‌ها»:

الف) «ارزش افزوده مرحله اول و چهارم» کدام است؟
ب) روش ارزش افزوده برای محاسبه چه چیزی است؟
پ) «کارشناسان محاسبه ارزش تولید کل جامعه» برای جلوگیری از اشتباه در محاسبه، به چه اقدامی متوسل می‌شوند؟

- ۱ الف) ۴۰۰۰ - ۸۰۰۰ (ب) تولیدات کل جامعه (پ) سه روش را به کار می‌گیرند و هر کدام که بیشتر بود، آن را منظور می‌کنند.
۲ الف) ۴۰۰۰ - ۸۰۰۰ (ب) تولیدات کل جامعه (پ) حداقل دو روش را برای محاسبه به کار می‌گیرند و جواب‌ها را مقایسه می‌کنند.
۳ الف) ۸۰۰۰ - ۴۰۰۰ (ب) تولیدات کل مصرفی (پ) دو روش را به کار می‌گیرند و میانگین آن‌ها را منظور می‌دارند.
۴ الف) ۸۰۰۰ - ۴۰۰۰ (ب) تولیدات کل مصرفی (پ) حداقل دو روش را برای محاسبه به کار می‌گیرند و جواب‌ها را مقایسه می‌کنند.

۲۶۵. کشاورزان هر کیلوگرم پنبه تولیدی خود را به ارزش ۵۰۰ ریال به کارگاه‌های ریسندگی می‌فروشند. کارگاه‌های ریسندگی این مقدار پنبه را به مقداری نخ تبدیل می‌کنند و آن را به ارزش ۱۵۰۰ ریال به کارگاه‌های پارچه‌بافی می‌فروشند. کارگاه‌های پارچه‌بافی نیز نخ را به پارچه تبدیل می‌کنند و آن را به مبلغ ۳۰۰۰ ریال به کارگاه‌های تولید پوشاک می‌فروشند. در این کارگاه‌ها «پارچه» به «پوشاک» تبدیل می‌شود و سرانجام به مبلغ ۵۰۰۰ ریال به دست مصرف‌کنندگان می‌رسد.

الف) ارزش افزوده در مرحله اول و سوم کدام است؟ ب) کدام مرحله با «ارزش نهایی» محصول برابر است؟ پ) وقتی «ارزش پولی تولیدات نهایی» را آنجا که به خانوار فروخته می‌شود، جمع می‌زنیم و تولید کل را به دست می‌آوریم، کدام روش را به کار برده‌ایم؟

- ۱ الف) ۵۰۰ ریال و ۱۵۰۰ (ب) مرحله ۴ (پ) روش هزینه‌ای
۲ الف) ۱۵۰۰ ریال و ۵۰۰ (ب) مرحله ۴ (پ) روش هزینه‌ای
۳ الف) ۱۵۰۰ ریال و ۵۰۰ (ب) مرحله ۳ (پ) روش درآمدی
۴ الف) ۵۰۰ ریال و ۱۵۰۰ (ب) مرحله ۳ (پ) روش درآمدی

۲۶۶. فرض کنیم کشاورزان هر کیلوگرم «پنبه تولیدی» خود را به ارزش ۴۵۰۰ ریال به کارخانه‌های «ریسندگی» بفروشند. کارگاه‌های ریسندگی، این مقدار پنبه را به مقداری نخ تبدیل کرده و به ارزش ۶۰۰۰ ریال به کارگاه‌های «پارچه‌بافی» می‌فروشند. در کارگاه‌های پارچه‌بافی، نخ به «پارچه» تبدیل شده و به مبلغ ۸۵۰۰ ریال به کارگاه‌های «تولید پوشاک» فروخته می‌شود. در این کارگاه‌ها پارچه به پوشاک تبدیل شده و به مبلغ ۱۷۰۰۰ ریال به دست مصرف‌کنندگان می‌رسد.

الف) ارزش افزوده «مرحله اول و سوم» به ترتیب از راست به چپ کدام است؟ ب) قیمت نهایی پوشاک کدام است؟ پ) محاسبه «ارزش پولی تولیدات نهایی» که به خانواده‌ها فروخته می‌شود» و همچنین محاسبه «مزد، اجاره و سود» که در سطح جامعه بر اثر فعالیت‌های تولیدی جامعه ایجاد شده است، مربوط به کدام روش‌های محاسبه «تولید کل» جامعه است؟ ت) برای اینکه در محاسبه اشتباه نشود، کارشناسان هنگام محاسبه «ارزش کل کالاها و خدمات نهایی» چگونه عمل می‌کنند؟

- ۱ الف) ۲۵۰۰ - ۴۵۰۰ (ب) ۸۵۰۰ (پ) روش هزینه‌ای - روش هزینه‌ای (ت) حداقل دو روش به کار می‌گیرند و جواب‌ها را مقایسه می‌کنند.
۲ الف) ۲۵۰۰ - ۴۵۰۰ (ب) ۱۷۰۰۰ (پ) روش هزینه‌ای - روش درآمدی (ت) هر سه روش را به کار می‌گیرند و جواب‌ها را مقایسه می‌کنند.
۳ الف) ۴۵۰۰ - ۲۵۰۰ (ب) ۱۷۰۰۰ (پ) روش هزینه‌ای - روش درآمدی (ت) حداقل دو روش به کار می‌گیرند و جواب‌ها را مقایسه می‌کنند.
۴ الف) ۴۵۰۰ - ۲۵۰۰ (ب) ۸۵۰۰ (پ) روش درآمدی - روش درآمدی (ت) هر سه روش را به کار می‌گیرند و جواب‌ها را مقایسه می‌کنند.

۲۶۷. به فرض کشاورزان هر کیلوگرم «پنبه تولیدی» خود را به ارزش ۳۵۰۰ ریال به کارگاه‌های «ریسندگی» می‌فروشند و «کارگاه‌های ریسندگی» این مقدار پنبه را به مقداری نخ تبدیل کرده و به ارزش ۵۵۰۰ ریال به کارگاه‌های «پارچه‌بافی» می‌فروشند. در کارگاه‌های پارچه‌بافی، «نخ» به «پارچه» تبدیل شده و به مبلغ ۷۵۰۰ ریال به کارگاه‌های «تولید پوشاک» فروخته می‌شود. در این کارگاه‌ها پارچه به «پوشاک» تبدیل می‌شود و به مبلغ ۱۴۰۰۰ ریال به دست مصرف‌کنندگان می‌رسد. با توجه به این «داده‌ها و ستاده‌ها»:

الف) ارزش افزوده «مرحله دوم و چهارم» کدام است؟ ب) وقتی با جمع‌زدن عایدی همه اجزای عوامل تولید، کل تولیدات جامعه را به دست آوریم، نام آن است. پ) به دست آوردن GDP سبز کاهش دادن کدام مورد در محاسبه کل تولیدات است؟ ت) برای اجتناب از اشتباه در محاسبه «ارزش کل کالاها و خدمات نهایی» از دید کارشناسان اقتصادی، توسل به چه اقدامی ضروری است؟

- ۱ الف) ۶۵۰۰ - ۲۰۰۰ (ب) روش هزینه‌ای (پ) رشد تولید ناشی از حفظ محیط‌زیست (ت) از دو روش «درآمدی» و «روش تولید» توأم استفاده می‌کنند.
۲ الف) ۲۰۰۰ - ۶۵۰۰ (ب) روش هزینه‌ای (پ) رشد تولید ناشی از حفظ محیط‌زیست (ت) استفاده از دو روش «ارزش افزوده» و «روش هزینه‌ای»
۳ الف) ۶۵۰۰ - ۲۰۰۰ (ب) روش درآمدی (پ) رشد تولید ناشی از تخریب محیط‌زیست (ت) به کارگیری حداقل دو روش و مقایسه جواب‌ها
۴ الف) ۲۰۰۰ - ۶۵۰۰ (ب) روش درآمدی (پ) رشد تولید ناشی از تخریب محیط‌زیست (ت) به کارگیری حداقل دو روش و مقایسه جواب‌ها

۲۶۸. در یک جامعه فرضی، چنانچه کشاورزان یک کیلوگرم پنبه تولیدی خود را به ارزش ۶۵۰۰ ریال به کارگاه‌های «ریسندگی» بفروشند. کارگاه‌های «ریسندگی» نیز این مقدار پنبه را به مقداری «نخ» تبدیل کرده و به ارزش ۷۵۰۰ ریال به کارگاه‌های «پارچه‌بافی» بفروشند و در کارگاه‌های «پارچه‌بافی» نخ به «پارچه» تبدیل شده و به مبلغ ۱۱۰۰۰ ریال به کارگاه‌های «تولید پوشاک» فروخته شود و در این کارگاه‌ها به «پارچه» تبدیل شده و به مبلغ ۱۹۰۰۰ ریال به دست مصرف‌کنندگان برسد. با توجه به این «داده‌ها و ستاده‌ها»:

الف) ارزش افزوده «مرحله دوم و چهارم» چیست؟ ب) عنوان دیگر این روش محاسبه «تولید کل» کدام است؟ پ) نام روشی که در آن «کل پولی» که از جمع‌زدن همه مزدها، اجاره‌ها و سودها و درآمد همه بازیگران و فعالان اقتصادی داخلی و ملی را به عنوان تولید کل معرفی می‌کنیم و همچنین «کل پولی» که از فروش تولیدات نهایی به خانوارها به دست می‌آوریم، به ترتیب، کدام است؟ ت) اقتصاددانان چه روشی را جهت اجتناب از اشتباه در محاسبه «تولید کل» جامعه، ارائه می‌کنند؟

(سراسری ۹۵)

- ۱ الف) ۸۰۰۰ - ۱۰۰۰ ب) روش درآمدی پ) روش تولید - روش درآمدی ت) دو روش را به کار می‌گیرند و میانگین آن‌ها را منظور می‌کنند.
۲ الف) ۱۰۰۰ - ۸۰۰۰ ب) روش «تولید» پ) روش درآمدی - روش هزینه‌ای ت) به کارگیری حداقل دو روش و مقایسه جواب‌های نهایی
۳ الف) ۳۵۰۰ - ۶۵۰۰ ب) روش هزینه‌ای پ) روش درآمدی - روش تولید ت) هر سه روش را به کار می‌گیرند و میانگین آن‌ها را منظور می‌دارند.
۴ الف) ۶۵۰۰ - ۳۵۰۰ ب) روش تولید پ) روش هزینه‌ای - روش درآمدی ت) به کارگیری هر سه روش و منظور کردن بیشترین جواب به دست آمده

۲۶۹. فرض کنیم، کشاورزان هر یک کیلوگرم «پنبه تولیدی» خود را به ارزش ۵۰۰۰ ریال به کارگاه‌های «ریسندگی» بفروشند. کارگاه‌های «ریسندگی» هم این مقدار پنبه را به مقداری «نخ» تبدیل کرده و به ارزش ۷۰۰۰ ریال به کارگاه‌های پارچه‌بافی بفروشند. در کارگاه‌های پارچه‌بافی، «نخ» به «پارچه» تبدیل شده و به ارزش ۹۵۰۰ ریال به کارگاه‌های «تولید پوشاک» فروخته می‌شود. در این کارگاه‌ها «پارچه» به «پوشاک» تبدیل شده و به ارزش ۱۳۰۰۰ ریال به دست مصرف‌کنندگان می‌رسد. با توجه به این «داده و ستاده‌ها»:

(فراچ از کشور ۹۵)

الف) ارزش افزوده «مرحله اول و چهارم» چیست؟

ب) این روش محاسبه «تولید کل» چه عنوان دیگری دارد؟

پ) روشی که در آن مقدار پول نشان‌دهنده ارزش کل کالاها و خدماتی است که «خانوارها» خریداری و مصرف کرده‌اند کدام است؟

ت) از نظر کارشناسان اقتصادی برای جلوگیری از اشتباه در محاسبه «تولید کل جامعه» توسل به چه اقدامی ضروری است؟

- ۱ الف) ۲۰۰۰ - ۲۵۰۰ ب) روش درآمدی پ) روش درآمدی ت) دو روش به کار می‌گیرند و میانگین این دو را می‌پذیرند.
۲ الف) ۲۵۰۰ - ۲۰۰۰ ب) روش تولید پ) روش تولید ت) هر سه روش را استفاده می‌کنند و هر کدام بیشتر بود، آن را منظور می‌دارند.
۳ الف) ۳۵۰۰ - ۵۰۰۰ ب) روش هزینه‌ای پ) روش درآمدی ت) هر سه روش را استفاده می‌کنند و هر کدام بیشتر بود، آن را منظور می‌دارند.
۴ الف) ۵۰۰۰ - ۳۵۰۰ ب) روش تولید پ) روش هزینه‌ای ت) حداقل دو روش را به کار می‌گیرند و جواب‌ها را با هم مقایسه می‌کنند.

محاسبه افزایش تولید و افزایش قیمت (قیمت ثابت و جاری)



۲۷۰. اگر میزان تولید کل جامعه در سال ۱۳۷۵، ۱۲۰ واحد باشد و در سال بعد ۱۴۲ واحد باشد. در صورتی که سال پایه را سال ۱۳۷۵ بگیریم، آنگاه به عدد ۱۲۷ می‌رسیم؛ در این صورت چه مقدار از افزایش، نشان‌دهنده مقدار تورم در آن جامعه و چه مقدار نشان‌دهنده افزایش مقدار تولید است؟ (از راست به چپ)

(محاسباتی)

- ۱ ۲۲ واحد - ۱۵ واحد ۲ ۱۵ واحد - ۷ واحد ۳ ۱۵ واحد - ۲۲ واحد ۴ ۱۵ واحد - ۲۲ واحد

۲۷۱. میزان تولید کل جامعه در سه سال پیاپی ۱۰۰، ۱۲۵ و ۱۷۲ است. در صورتی که سال پایه را سال اول در نظر بگیریم، میزان تولید کل جامعه، به ترتیب اعداد ۱۰۰، ۱۱۲ و ۱۳۵ خواهد بود. رشد در سال دوم، چه مقدار وابسته به افزایش قیمت‌هاست و رشد در سال سوم، چه مقدار وابسته به افزایش مقدار تولید است؟ (از راست به چپ)

(محاسباتی)

- ۱ ۱۲ - ۳۵ ۲ ۱۲ - ۱۳ ۳ ۱۳ - ۳۵ ۴ ۱۳ - ۱۳

۲۷۲. میزان تولید کل کشوری در ظرف سه سال پیاپی به ترتیب ۶۰۰۰، ۶۶۰۰ و ۷۵۰۰ هزار میلیارد ریال برآورد شده است. با انتخاب سال اول به عنوان «سال پایه»، میزان تولید کل کشور در سه سال مورد نظر برحسب قیمت‌های سال اول (سال پایه)، به ترتیب به ۶۰۰۰، ۶۴۲۰ و ۶۸۴۰ تغییر یافته است. براساس این محاسبات: الف) افزایش مقدار تولید پ) افزایش قیمت‌ها در سال سوم، به ترتیب از راست به چپ کدام است؟

(سراسری ۸۷)

- ۱ الف) ۴۲۰ - ۵۰۰ ب) ۵۰۰ - ۴۲۰ ۲ الف) ۵۰۰ - ۴۲۰ ب) ۴۲۰ - ۵۰۰ ۳ الف) ۴۲۰ - ۵۰۰ ب) ۵۰۰ - ۴۲۰ ۴ الف) ۵۰۰ - ۴۲۰ ب) ۴۲۰ - ۵۰۰

۲۷۳. میزان تولید کل کشوری در ظرف سه سال پیاپی به ترتیب ۴۵۰۰، ۵۷۵۰ و ۸۲۴۰ هزار میلیارد ریال برآورد شده است. با انتخاب سال اول به عنوان «سال پایه»، میزان تولید کل کشور در سه سال مورد نظر برحسب قیمت‌های سال اول (سال پایه)، به ترتیب به ۴۵۰۰، ۵۳۶۰ و ۷۸۲۰ تغییر یافته است. براساس این محاسبات به ترتیب (از راست به چپ): الف) افزایش مقدار تولید در سال دوم و سوم کدام است؟ ب) افزایش قیمت‌ها در سال دوم و سوم کدام است؟

(سراسری ۸۹)

- ۱ الف) ۳۳۲۰ - ۸۶۰ ب) ۴۲۰ - ۳۹۰ ۲ الف) ۸۶۰ - ۳۳۲۰ ب) ۳۹۰ - ۴۲۰ ۳ الف) ۳۳۲۰ - ۸۶۰ ب) ۳۹۰ - ۴۲۰ ۴ الف) ۳۳۲۰ - ۸۶۰ ب) ۳۹۰ - ۴۲۰

۲۷۴. تولید کل کشوری در سه سال متوالی، به ترتیب سال اول ۱۵۰۰، سال دوم ۱۷۰۰ و سال سوم ۱۸۷۵ هزار میلیارد ریال بوده است. با گزینش سال اول به عنوان «سال پایه» تولید کل در سه سال مورد نظر برحسب قیمت‌های «سال پایه»، به ترتیب به ۱۵۰۰، ۱۶۵۰ و ۱۷۱۰ تغییر یافته است. براساس این محاسبات به ترتیب از راست به چپ:

(سراسری ۹۱)

الف) کدام اعداد مربوط به «پدیده تورم» در سال دوم و سال سوم در این جامعه است؟

ب) افزایش مقدار تولید در «سال دوم و سال سوم» کدام است؟

پ) افزایش قیمت‌ها در «سال دوم و سال سوم» چیست؟

- ۱ الف) ۵۰ - ۱۶۵ ب) ۱۵۰ - ۲۱۰ ۲ الف) ۱۶۵ - ۵۰ ب) ۲۱۰ - ۱۵۰ ۳ الف) ۱۶۵ - ۵۰ ب) ۱۵۰ - ۲۱۰ ۴ الف) ۱۶۵ - ۵۰ ب) ۲۱۰ - ۱۵۰

۲۷۵. چنانچه در یک جامعه فرضی «میزان تولید کل» در طی سه سال پیاپی، به ترتیب ۵۹۶۰، ۴۸۴۰، ۴۰۰۰ هزار میلیارد ریال باشد، با انتخاب سال اول به عنوان «سال پایه»، میزان «تولید کل» جامعه در سه سال مورد نظر برحسب قیمت‌های سال اول (سال پایه)، به ۴۲۳۰، ۴۷۶۰ تغییر می‌یابد. براساس این محاسبات، به ترتیب از راست به چپ:

(خارج از کشور ۹۱، با تغییر)

الف) افزایش قیمت‌ها در «سال دوم و سال سوم» چیست؟
ب) کدام اعداد مربوط به «پدیده تورم» در سال دوم و سال سوم در این جامعه است؟
پ) افزایش مقدار تولید در «سال دوم و سال سوم» کدام است؟

- ۱ الف) (الف) ۱۲۰۰ - ۶۱۰ (ب) ۱۲۰۰ - ۶۱۰ (ج) ۲۳۰ - ۷۶۰ (د) ۱۲۰۰ - ۶۱۰ (ه) ۲۳۰ - ۷۶۰
۲ الف) (الف) ۱۲۰۰ - ۶۱۰ (ب) ۱۲۰۰ - ۶۱۰ (ج) ۲۳۰ - ۷۶۰ (د) ۱۲۰۰ - ۶۱۰ (ه) ۲۳۰ - ۷۶۰
۳ الف) (الف) ۱۲۰۰ - ۶۱۰ (ب) ۱۲۰۰ - ۶۱۰ (ج) ۲۳۰ - ۷۶۰ (د) ۱۲۰۰ - ۶۱۰ (ه) ۲۳۰ - ۷۶۰

۲۷۶. میزان «تولید کل» کشوری در طرف سه سال پیاپی، به ترتیب ۲۰۰۰، ۲۵۰۰ و ۳۰۰۰ هزار میلیارد ریال برآورد شده است. با انتخاب سال اول به عنوان «سال پایه»، میزان «تولید کل» کشور مذکور در سه سال مورد نظر، برحسب قیمت‌های سال اول (سال پایه) به ترتیب به ۲۰۰۰، ۲۲۰۰ و ۲۵۰۰ تغییر یافته است، براساس این محاسبات، به ترتیب از راست به چپ:

(مسابقات)

الف) افزایش «مقدار تولید» در سال سوم، چه میزان است؟
ب) افزایش قیمت‌ها در سال سوم کدام است؟

- ۱ الف) (الف) ۷۵۰ (ب) ۲۵۰ (ج) ۷۵۰ (د) ۲۵۰ (ه) ۵۰۰
۲ الف) (الف) ۵۰۰ (ب) ۵۰۰ (ج) ۵۰۰ (د) ۲۵۰ (ه) ۵۰۰

۲۷۷. در یک جامعه فرضی، «میزان تولید کل» در طی سال‌های متوالی، به ترتیب سال اول ۳۰۰۰، سال دوم ۳۳۰۰ و در سال سوم ۳۷۵۰ هزار میلیارد ریال بوده است. با انتخاب سال اول به عنوان «سال پایه»، «میزان تولید کل» این جامعه در سه سال مورد نظر برحسب قیمت‌های سال اول (سال پایه)، به ترتیب به ۳۰۰۰، ۳۲۱۰ و ۳۴۲۰ تغییر یافته است. براساس این اطلاعات: الف) افزایش مقدار تولید در سال سوم (ب) افزایش قیمت‌ها در سال سوم، به ترتیب از راست به چپ کدام است؟

(سراسری ۸۸ و خارج از کشور ۸۷ و ۸۸)

- ۱ الف) (الف) ۱۰۰ (ب) ۲۰۰ (ج) ۱۰۰ (د) ۲۰۰ (ه) ۱۰۰
۲ الف) (الف) ۴۲۰ (ب) ۳۳۰ (ج) ۴۲۰ (د) ۳۳۰ (ه) ۲۱۰
۳ الف) (الف) ۹۰ (ب) ۲۱۰ (ج) ۹۰ (د) ۲۱۰ (ه) ۹۰

۲۷۸. میزان «تولید کل» کشوری در طرف سه سال متوالی به ترتیب ۶۰۰۰، ۶۹۰۰ و ۸۰۰۰ میلیارد ریال برآورد شده است. با انتخاب سال اول به عنوان «سال پایه» میزان «تولید کل کشور» در سه سال مورد نظر برحسب قیمت سال اول (سال پایه)، به ترتیب به ۶۰۰۰، ۶۲۰۰ و ۷۲۰۰ تغییر یافته است. براساس این محاسبات:

(مسابقات)

الف) افزایش مقدار تولید در «سال سوم»
ب) افزایش قیمت‌ها در سال سوم، کدام است؟

- ۱ الف) (الف) ۱۲۰۰ (ب) ۸۰۰ (ج) ۱۲۰۰ (د) ۲۰۰۰ (ه) ۱۰۰۰
۲ الف) (الف) ۱۰۰۰ (ب) ۸۰۰ (ج) ۱۰۰۰ (د) ۲۰۰۰ (ه) ۱۰۰۰
۳ الف) (الف) ۱۰۰۰ (ب) ۱۰۰۰ (ج) ۱۰۰۰ (د) ۱۰۰۰ (ه) ۱۰۰۰

(سراسری ۹۴)

۲۷۹. با توجه به اطلاعات مندرج در جدول زیر، به ترتیب از راست به چپ:

الف) «تولید کل» به قیمت «جاری» در سال ۱۳۹۲ و (ب) تولید کل به قیمت «ثابت» در سال ۱۳۹۲ کدام است؟

کالا	سال ۱۳۹۰		سال ۱۳۹۲	
	قیمت	مقدار	قیمت	مقدار
A	۳۰۰	۱۵۰	۴۰۰	۷۵
B	۶۰	۴۰۰	۱۲۰	۷۰۰

(خارج از کشور ۹۴)

- ۱ الف) (الف) ۱۱۴،۰۰۰ (ب) ۶۵،۴۰۰ (ج) ۱۱۴،۰۰۰ (د) ۶۴،۵۰۰ (ه) ۱۱۴،۰۰۰
۲ الف) (الف) ۱۴۱،۰۰۰ (ب) ۶۴،۵۰۰ (ج) ۱۴۱،۰۰۰ (د) ۶۴،۵۰۰ (ه) ۱۴۱،۰۰۰

۲۸۰. با توجه به اطلاعات مندرج در جدول زیر، به ترتیب از راست به چپ:

الف) «تولید کل» به قیمت «جاری» در سال ۱۳۹۰ (ب) تولید کل به قیمت «ثابت» در سال ۱۳۹۰ کدام است؟

کالا	سال ۱۳۸۹		سال ۱۳۹۰	
	قیمت	مقدار	قیمت	مقدار
A	۱۰۰	۵۰	۱۵۰	۲۵
B	۲۰	۱۵۰	۵۰	۳۰۰

- ۱ الف) (الف) ۱۸،۷۵۰ (ب) ۸۵۰۰ (ج) ۱۸،۷۵۰ (د) ۸۰۵۰ (ه) ۱۸،۷۵۰
۲ الف) (الف) ۱۸،۷۵۰ (ب) ۸۵۰۰ (ج) ۱۸،۷۵۰ (د) ۸۰۵۰ (ه) ۱۸،۷۵۰
۳ الف) (الف) ۱۷،۸۵۰ (ب) ۸۵۰۰ (ج) ۱۷،۸۵۰ (د) ۸۰۵۰ (ه) ۱۷،۸۵۰

۲۸۱. نظام بانکی کشور اعلام کرده است که سود بانکی برای یک سال سپرده گذاری ۲۰ درصد شده است. با توجه به اینکه نرخ تورم ۱۲ درصد است، کدام یک از گزینه‌های زیر درست است؟

(مسابقات - مفهومی)

- ۱ سود بانکی اعلام شده اگر سود اسمی باشد، در واقع تورم از آن کسر شده است و سود اعلامی سود واقعی است.
۲ سود بانکی اعلام شده اگر سود واقعی باشد، تورم را باید از آن کسر کنیم که در این صورت سود اسمی ۸ درصد خواهد بود.
۳ سود بانکی اعلام شده اگر سود واقعی باشد، در واقع تورم از آن کسر شده است و سود اعلامی سود اسمی است.
۴ سود بانکی اعلام شده اگر سود اسمی باشد، تورم را باید از آن کسر کنیم که در این صورت سود واقعی ۸ درصد خواهد بود.

۲۸۲. میزان «تولید کل» در یک جامعه فرضی در طی سه سال پیاپی به ترتیب ۲۰۰۰ و ۲۲۱۰ و ۲۵۰۰ هزار میلیارد ریال برآورد شده است. با انتخاب سال اول به عنوان «سال پایه» میزان تولید کل کشور مذکور در سه سال مورد نظر برحسب قیمت‌های سال اول؛ یعنی «سال پایه»، به ترتیب به ۲۰۰۰ و ۲۲۸۰ و ۲۱۴۰ تغییر یافته است. براساس این محاسبات به ترتیب (از راست به چپ):

(سراسری ۹۵)

الف) افزایش «قیمت‌ها» یا «تورم» در سال دوم؟

ب) افزایش «مقدار تولید» در سال سوم در این جامعه کدام است؟

- ۱ الف) (الف) ۷۰ (ب) ۲۸۰ (ج) ۲۷۰ (د) ۲۷۰ (ه) ۲۸۰
۲ الف) (الف) ۲۸۰ (ب) ۷۰ (ج) ۲۷۰ (د) ۲۷۰ (ه) ۲۸۰
۳ الف) (الف) ۲۷۰ (ب) ۲۷۰ (ج) ۲۷۰ (د) ۲۷۰ (ه) ۲۷۰

۲۸۳. در یک جامعه فرضی «میزان تولید کل» در طی سال‌های متوالی به ترتیب سال اول ۳۵۰۰، سال دوم ۳۷۰۰ و در سال سوم ۳۹۵۰ هزار میلیارد ریال بوده است. با انتخاب سال اول به عنوان سال «پایه» میزان تولید کل در این جامعه در سه سال مورد نظر برحسب قیمت‌های سال اول، یعنی «سال پایه» به ترتیب به: ۳۵۰۰ و ۳۶۰۰ و ۳۴۵۰ تغییر یافته است. براساس این محاسبات:

الف) افزایش «مقدار تولید» در سال دوم؟
ب) افزایش قیمت‌ها «تورم» در سال سوم، در این جامعه کدام است؟

۱ الف) ۱۰۰ (ب) ۵۰۰ ۲ الف) ۲۲۰ (ب) ۴۳۰ ۳ الف) ۲۲۰ (ب) ۴۳۰ ۴ الف) ۵۰۰ (ب) ۱۰۰
۲۸۴. میزان تولید کل کشوری در سه سال پیاپی به ترتیب، سال اول ۱۵۰۰ و سال دوم ۱۷۰۰ و سال سوم ۱۸۷۵ هزار میلیارد ریال بوده است. با

گزینش سال اول به عنوان سال پایه میزان تولید کل در سه سال مورد نظر برحسب قیمت‌های سال پایه، به ترتیب به ۱۵۰۰، ۱۶۵۰ و ۱۷۱۰ تغییر یافته است. براساس این محاسبات به ترتیب از راست به چپ:

الف) کدام اعداد مربوط به پدیده تورم در سال دوم و سال سوم در این جامعه است؟
ب) افزایش مقدار تولید در سال دوم و سال سوم کدام است؟
پ) افزایش قیمت‌های در سال دوم و سال سوم کدام است؟

۱ الف) ۱۶۵ - ۵۰ (ب) ۱۵۰ - ۲۱۰ (ب) ۱۶۵ - ۵۰ ۲ الف) ۱۶۵ - ۵۰ (ب) ۱۵۰ - ۲۱۰ (ب) ۱۶۵ - ۵۰
۳ الف) ۱۶۵ - ۵۰ (ب) ۱۵۰ - ۲۱۰ (ب) ۱۶۵ - ۵۰ ۴ الف) ۱۶۵ - ۵۰ (ب) ۱۵۰ - ۲۱۰ (ب) ۱۶۵ - ۵۰
۲۸۵. میزان تولید کل کشوری در طی سه سال پیاپی به ترتیب سال اول ۳۰۰۰، سال دوم ۴۲۵۰ و سال سوم ۶۷۴۰ هزار میلیارد ریال شده است. با

انتخاب سال اول به عنوان سال پایه، میزان تولید در این جامعه در سه سال مورد نظر برحسب قیمت‌های سال پایه به ۳۰۰۰، ۳۸۶۰ و ۶۳۲۰ تغییر یافته است. براساس این محاسبات به ترتیب از راست به چپ:

الف) افزایش مقدار تولید در سال دوم و سال سوم چیست؟
ب) افزایش قیمت‌ها در سال دوم و سال سوم چیست؟
پ) کدام اعداد مربوط به پدیده تورم در سال دوم و سال سوم این جامعه است؟

۱ الف) ۸۶۰ - ۳۳۲۰ (ب) ۳۹۰ - ۴۲۰ (ب) ۳۳۲۰ - ۸۶۰ ۲ الف) ۳۳۲۰ - ۸۶۰ (ب) ۳۹۰ - ۴۲۰ (ب) ۳۳۲۰ - ۸۶۰
۳ الف) ۳۳۲۰ - ۸۶۰ (ب) ۳۹۰ - ۴۲۰ (ب) ۳۳۲۰ - ۸۶۰ ۴ الف) ۳۳۲۰ - ۸۶۰ (ب) ۳۹۰ - ۴۲۰ (ب) ۳۳۲۰ - ۸۶۰

محاسبه هزینه استهلاک برای ماشین آلات و تجهیزات

۲۸۶. قیمت تمام شده یک دستگاه پرس ۸۰ میلیون ریال است، چنانچه استهلاک سالانه این دستگاه ۴,۰۰۰,۰۰۰ ریال باشد، چندسال عمر مفید دارد؟ (مسابق)

۱ ۱۰ ۲ ۲۰ ۳ ۳۰ ۴ ۴۰
۲۸۷. یک دستگاه وسیله سرمایه‌ای «تولیدی» را به بهای ۱۳ میلیارد ریال خریداری کرده‌ایم، چنانچه عمر مفید این وسیله سرمایه‌ای، ۶/۵ سال باشد، در این صورت:

الف) مقدار «هزینه استهلاک سالانه» کدام است؟ ب) چنانچه در دوسال آخر، عمر مفید این وسیله سرمایه‌ای ۱۰ درصد افزایش بها داشته باشد، مجموع «هزینه استهلاک» دوسال آخر چه میزان خواهد بود؟
پ) قیمت جدید این کالای سرمایه‌ای چیست؟ (ارقام به میلیون و میلیارد ریال است.)

۱ الف) ۲ (ب) ۴۰۴۰ (ب) ۱۳۴۰۰ ۲ الف) ۲ (ب) ۴۴۰۰ (ب) ۱۴۳۰۰
۳ الف) ۲/۵ (ب) ۴۴۰۰ (ب) ۱۳۴۰۰ ۴ الف) ۲/۵ (ب) ۴۰۴۰ (ب) ۱۴۳۰۰

۲۸۸. فرض کنید یک دستگاه کالای سرمایه‌ای به بهای ۵۰۰ میلیارد ریال خریداری نموده‌ایم. چنانچه عمر مفید این دستگاه بیست و پنج سال باشد:

الف) در سال چند میلیارد به عنوان «هزینه استهلاکی» باید کنار بگذاریم؟
ب) چنانچه در آخرین سال عمر مفید دستگاه، این کالای سرمایه‌ای، ۱۵ درصد افزایش بها داشته باشد، «هزینه استهلاک» در آن سال چه میزان خواهد بود؟ (ب) بهای جدید این کالای سرمایه‌ای کدام است؟ (توجه: ارقام به میلیارد ریال است.)

۱ الف) ۲۰ (ب) ۲۳ (ب) ۵۷۵ ۲ الف) ۲۰ (ب) ۲۳ (ب) ۵۷۷
۳ الف) ۲۰ (ب) ۲۳ (ب) ۵۷۷ ۴ الف) ۲۲ (ب) ۲۵ (ب) ۵۷۵

۲۸۹. به فرض چنانچه یک دستگاه کالای سرمایه‌ای را به بهای ۸۴۰ میلیارد ریال خریداری کنیم و عمر مفید آن دوازده سال بوده باشد، در این صورت به ترتیب از راست به چپ:

الف) هر سال چه مقدار به عنوان «هزینه استهلاکی» باید کنار گذاشته شود؟
ب) چنانچه در سه سال آخر، عمر مفید این کالای سرمایه‌ای ۱۲٪ بهای آن افزایش یافته باشد، مجموع «هزینه استهلاک» سه سال آخر آن چه میزان خواهد بود؟
پ) قیمت جدید این کالای سرمایه‌ای کدام است؟ (توجه: ارقام به میلیون و میلیارد ریال است.)

۱ الف) ۷۲/۵ (ب) ۲۳۲,۵۰۰ (ب) ۹۴۰,۸۰۰ ۲ الف) ۷۲/۵ (ب) ۲۳۵,۲۰۰ (ب) ۹۸۰,۴۰۰
۳ الف) ۷۰ (ب) ۲۳۲,۵۰۰ (ب) ۹۸۰,۴۰۰ ۴ الف) ۷۰ (ب) ۲۳۵,۲۰۰ (ب) ۹۴۰,۸۰۰

۲۹۰. فرض کنید یک دستگاه کالای سرمایه‌ای را به بهای ۴۴۰ میلیارد ریال خریداری نموده‌ایم و عمر مفید این دستگاه بیست و دوسال است. در این صورت به ترتیب از راست به چپ: الف) مقدار هزینه استهلاکی سالانه کدام است؟ ب) چنانچه در سه سال آخر، عمر مفید این کالای سرمایه‌ای ۱۵٪ بهای آن افزایش یافته باشد، مجموع «هزینه استهلاک» سه سال آخر چه میزان خواهد بود؟ (ب) قیمت جدید این کالا کدام است؟ (ارقام به میلیارد ریال است.)

۱ ۲۰ - ۶۸ - ۵۰۵ ۲ ۳۱ - ۶۸ - ۵۰۶ ۳ ۲۰ - ۶۹ - ۵۰۶ ۴ ۲۱ - ۶۹ - ۵۰۵

۲۹۱. یک دستگاه کالای سرمایه‌ای به ۵۰۰ میلیارد ریال خریداری گردیده است. اگر عمر مفید این دستگاه بیست و پنج سال باشد، در این صورت: الف) هر سال چه مقدار باید به‌عنوان هزینه استهلاکی کنار گذاشته شود؟ ب) چنانچه در آخرین سال، عمر مفید این کالای سرمایه‌ای ۱۵٪ افزایش بها داشته باشد، «هزینه استهلاک» آن سال چه میزان خواهد بود؟ پ) بهای جدید این کالا کدام است؟ (ارقام به میلیارد ریال است). (بخارج از کشور ۹۰)

- ۱ الف) ۲۰ (ب) ۲۵ (پ) ۵۶۰/۵
۲ الف) ۲۰ (ب) ۲۳ (پ) ۵۷۵
۳ الف) ۲۰ (ب) ۲۳ (پ) ۵۶۰/۵
۴ الف) ۲۳ (ب) ۲۳ (پ) ۵۷۵

۲۹۲. به فرض چنانچه یک دستگاه کالای سرمایه‌ای را به بهای ۷۲۰ میلیارد ریال خریده باشیم، اگر عمر مفید آن دوازده سال باشد، در این صورت به‌ترتیب از راست به چپ: الف) هر سال چه مقدار به‌عنوان هزینه استهلاکی باید کنار گذاشته شود؟ ب) چنانچه در دوسال آخر، عمر مفید این کالای سرمایه‌ای ۸٪ کاهش بها یافته باشد، «مجموع هزینه استهلاک» دوسال آخر چه میزان خواهد بود؟ پ) قیمت جدید این کالای سرمایه‌ای کدام است؟ (توجه: ارقام به میلیون و میلیارد ریال است). (سراسری ۹۲)

- ۱ الف) ۶۰ (ب) ۱۰۱،۴۰ (پ) ۶۲۶،۴۰۰
۲ الف) ۶۰ (ب) ۱۱۰،۴۰ (پ) ۶۶۲،۴۰۰
۳ الف) ۶۰ (ب) ۱۰۱،۴۰ (پ) ۶۶۲،۴۰۰
۴ الف) ۶۵ (ب) ۱۱۰،۴۰ (پ) ۶۲۶،۴۰۰

۲۹۳. فرض می‌کنیم که یک دستگاه کالای سرمایه‌ای را به بهای ۲۸ میلیارد ریال خریده باشیم. عمر مفید این دستگاه هفت سال است. در این صورت: الف) مقدار هزینه استهلاکی سالانه کدام است؟ ب) چنانچه در سه سال آخر، عمر مفید این کالای سرمایه‌ای ۱۵٪ بهای آن افزایش یافته باشد، «مجموع هزینه استهلاک» سه سال آخر چه میزان خواهد بود؟ پ) قیمت جدید این کالای سرمایه‌ای چیست؟ (توجه: ارقام به میلیون و میلیارد ریال است). (بخارج از کشور ۹۱)

- ۱ الف) ۴ (ب) ۱۳،۸۰۰ (پ) ۲۲،۳۰۰
۲ الف) ۴ (ب) ۱۳،۸۰۰ (پ) ۳۲،۲۰۰
۳ الف) ۵ (ب) ۱۸،۳۰۰ (پ) ۳۲،۲۰۰
۴ الف) ۵ (ب) ۱۸،۳۰۰ (پ) ۲۲،۳۰۰

۲۹۴. یک دستگاه کالای سرمایه‌ای را به بهای ۹۸۰ میلیارد ریال خریداری کرده‌ایم. چنانچه عمر مفید آن چهارده سال باشد، در این صورت به‌ترتیب از راست به چپ: الف) هر سال چه مقدار به‌عنوان «هزینه استهلاکی» باید کنار گذاشته شود؟ ب) چنانچه در چهار سال آخر، عمر مفید این کالای سرمایه‌ای ۱۰٪ کاهش بها یافته باشد، «مجموع هزینه استهلاک» چهار سال آخر آن چه میزان خواهد بود؟ پ) قیمت جدید این کالای سرمایه‌ای کدام است؟ (توجه: ارقام به میلیون و میلیارد ریال است). (بخارج از کشور ۹۲)

- ۱ الف) ۷۰ (ب) ۲۲۵ (پ) ۸۸۲
۲ الف) ۷۰ (ب) ۲۵۲ (پ) ۸۸۲
۳ الف) ۷۳/۵ (ب) ۲۲۵ (پ) ۸۲۸
۴ الف) ۷۳/۵ (ب) ۲۵۲ (پ) ۸۲۸

۲۹۵. در یک جامعه فرضی یک دستگاه کالای سرمایه‌ای را به قیمت ۸۵ میلیارد ریال خریداری کرده‌ایم و عمر مفید آن پنج سال است. در این صورت به‌ترتیب از راست به چپ:

الف) چنانچه در دوسال آخر، عمر مفید این کالای سرمایه‌ای ۷ درصد افزایش قیمت داشته باشد، مجموع «هزینه استهلاک» دوسال آخر چه مقدار خواهد بود؟

ب) قیمت جدید «کالای سرمایه‌ای» کدام است؟
پ) هر سال چه مقدار به‌عنوان «هزینه استهلاکی» باید کنار بگذاریم؟
(توجه: ارقام به میلیون و میلیارد ریال است).

- ۱ الف) ۳۸/۳۶ (ب) ۹۰/۹۵ (پ) ۱۸
۲ الف) ۳۶/۳۸ (ب) ۹۰/۹۵ (پ) ۱۷
۳ الف) ۳۸/۳۶ (ب) ۹۰/۹۵ (پ) ۱۸
۴ الف) ۳۶/۳۸ (ب) ۹۵/۹۰ (پ) ۱۷

۲۹۶. به فرض چنانچه یک دستگاه کالای سرمایه‌ای را به قیمت ۹۹ میلیارد ریال خریده باشیم و عمر مفید آن یازده سال باشد، در این صورت به‌ترتیب از راست به چپ:

الف) هر سال چه مقدار باید به‌عنوان «هزینه استهلاکی» کنار گذاشته شود؟

ب) چنانچه در چهار سال آخر عمر مفید این کالای سرمایه‌ای ۹٪ افزایش قیمت داشته باشد، مجموع «هزینه استهلاک» چهار سال آخر چه میزان خواهد بود؟

- ۱ الف) ۳۹،۲۴۰ (ب) ۱۰۷،۹۱۰ (پ) ۸
۲ الف) ۳۹،۲۴۰ (ب) ۱۰۷،۹۱۰ (پ) ۸
۳ الف) ۳۹،۴۲۰ (ب) ۱۰۷،۹۱۰ (پ) ۸
۴ الف) ۳۹،۴۲۰ (ب) ۱۰۷،۹۱۰ (پ) ۹

۲۹۷. با توجه به مندرجات جدول زیر، با فرض اینکه عمر مفید ماشین‌آلات، بیست سال باشد، در این صورت: الف) میزان «هزینه استهلاک» چند ریال است؟ ب) مقدار «درآمد خالص سالیانه» این بنگاه اقتصادی چقدر است؟ (سراسری ۹۴)

۱	خرید ماشین‌آلات	۱۶۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
۲	میزان درآمدزایی سالانه	۴۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال

۱ الف) ۸,۰۰۰,۰۰۰ (ب) ۲۳,۰۰۰,۰۰۰
۲ الف) ۸,۰۰۰,۰۰۰ (ب) ۳۲,۰۰۰,۰۰۰
۳ الف) ۷,۰۰۰,۰۰۰ (ب) ۳۲,۰۰۰,۰۰۰
۴ الف) ۷,۰۰۰,۰۰۰ (ب) ۲۳,۰۰۰,۰۰۰

۲۹۸. با توجه به مندرجات جدول زیر، با فرض اینکه عمر مفید ماشین‌آلات، پانزده سال باشد، در این صورت: الف) میزان «هزینه استهلاک» چند ریال است؟ ب) مقدار «درآمد خالص سالیانه» این بنگاه اقتصادی چند ریال است؟ (بخارج از کشور ۹۴)

۱	خرید ماشین‌آلات	۱۲۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
۲	میزان درآمدزایی سالانه	۳۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال

۱ الف) ۸,۰۰۰,۰۰۰ (ب) ۲۳,۰۰۰,۰۰۰
۲ الف) ۷,۰۰۰,۰۰۰ (ب) ۲۳,۰۰۰,۰۰۰
۳ الف) ۸,۰۰۰,۰۰۰ (ب) ۲۲,۰۰۰,۰۰۰
۴ الف) ۷,۰۰۰,۰۰۰ (ب) ۲۲,۰۰۰,۰۰۰

پرسش‌های کنکور



مقدمه



(سراسری ۹۶ با تغییر)

۲۹۹. دلیل اهمیت بسیار «حسابداری ملی» چیست؟

- ۱ از طریق آن می‌توان میزان تولید کالاها و خدمات را در جامعه محاسبه کرد.
- ۲ بررسی و اندازه‌گیری‌های مرکز آمار، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی یا بانک مرکزی، تصویری روشن از اقتصاد و روند تغییرات آن و رفاه مردم ارائه می‌کند.
- ۳ از طریق آن می‌توان تحلیل‌های مختلف اقتصادی از وضعیت کشورها و همین‌طور وضعیت اقتصادی جامعه را به دقت بررسی نمود.
- ۴ یکی از مهم‌ترین شاخص‌های اقتصادی جامعه است که میزان آن قدرت اقتصادی و درجه پیشرفت هر ملت و سطح زندگی اعضای آن را نشان می‌دهد.

تولید ملی و اندازه‌گیری آن



(فارج از کشور ۸۶)

۳۰۰. چرا در محاسبه تولید کل جامعه باید از محاسبه ارزش کالاهای واسطه‌ای صرف‌نظر کرد؟

- ۱ چون این نوع کالاها، کالاهای مستقل نیستند.
 - ۲ زیرا ارزش کالاهای واسطه‌ای در بطن کالاهای نهایی است.
 - ۳ چون ارزش اقتصادی آن‌ها در ترکیب با کالاهای دیگر تحقق می‌یابد.
 - ۴ زیرا این کالاها صرفاً ویژگی تکمیلی دارند و به‌تنهایی فاقد ارزش اقتصادی هستند.
۳۰۱. پاسخ درست و کامل سه سؤال زیر در کدام گزینه مطرح شده است؟

(فارج از کشور ۹۶)

الف) شاخه‌ای از است که به بررسی و اندازه‌گیری میزان فعالیت‌های اقتصادی در سطح ملی می‌پردازند. مثلاً میزان تولید کالا و خدمات را در جامعه بررسی می‌کند. ب) در برگیرنده همه فعالیت‌های تولیدی است که در داخل کشور، یعنی محدوده مرزهای جغرافیایی آن کشور قرار می‌گیرد، خواه توسط مردم همان کشور و خواه توسط خارجیانی که در آن کشور مقیم‌اند. پ) فعالیت‌های غیرقانونی و زیرزمینی، نظیر قاچاق

- ۱ الف) درآمد ملی - علم اقتصاد ب) تولید ناخالص ملی پ) در صورت تولید در داخل کشور جزء تولید ناخالص داخلی تلقی می‌شود.
- ۲ الف) مالیه عمومی - علوم اجتماعی ب) تولید ملی پ) در صورت کشف و ضبط جزء تولید کشور تلقی می‌شود.
- ۳ الف) بودجه عمومی - علم مدیریت ب) تولید خالص داخلی پ) جزء تولید کشور محسوب می‌شود.
- ۴ الف) حسابداری ملی - مطالعات اقتصادی ب) تولید داخلی پ) جزء تولید کشور محسوب نمی‌شود.

استهلاك و تولید ناخالص ملی و تولید ناخالص داخلی



(سراسری ۸۳)

۳۰۲. «G.N.P» و «G.D.P» به ترتیب نام اختصاری کدام است؟

- ۱ درآمد ملی - درآمد داخلی
- ۲ تولید ناخالص ملی - تولید ناخالص داخلی
- ۳ ارزش کدام مورد در محاسبه تولید ملی منظور می‌شود؟
- ۱ میخ‌های مورد استفاده در یک ساختمان نجاری
- ۲ خدمات مهندسان خارجی در ایران
- ۳ تولید خالص ملی - تولید ناخالص ملی
- ۴ تولید ناخالص داخلی - تولید ناخالص ملی

(آزاد ۸۹)

- ۱ خدمات مهندسان ایرانی در خارج کشور
- ۲ شلوارکار مورد استفاده یک نقاش ساختمان

محاسبه تولید کل جامعه



(سراسری ۹۳ با کمی تغییر)

۳۰۴. پاسخ درست و کامل پرسش‌های زیر در کدام «گزینه» مطرح شده است؟

الف) نشان‌دهنده «قدرت اقتصادی و مادی» و همچنین «سطح زندگی» مردم یک جامعه است. ب) آنچه که در برگیرنده اقلام مختلف «درآمدی» است و در طول یک سال نصیب اعضای جامعه می‌شود، چه نام دارد؟ دو نمونه شاخص از آن کدام است؟ پ) کالاهایی را که «تولیدکنندگان» تولید و به بازار عرضه می‌کنند یا «مصرف‌کنندگان» می‌خرند و به مصرف می‌رسانند می‌گویند. کالاهایی را که «تولیدکنندگان» آن‌ها را خریداری می‌کنند و برای تولید کالاهای دیگر مورد استفاده قرار می‌دهند می‌نامند. ت) چنانچه هدف محاسبه باشد باید ارزش همه خدمات و کالاهایی که مردم یک کشور در طول یک سال چه در داخل و چه خارج از کشور تولید کرده‌اند، محاسبه شود. ث) از «کل تولید جامعه» در طول یک سال باید قسمتی را به «هزینه‌های جایگزینی» سرمایه‌های فرسوده شده اختصاص دهیم. در «اصطلاح اقتصادی» به آن چه می‌گویند؟ ج) در کدام یک از روش‌های «محاسبه تولید کل جامعه» ارزش‌افزوده هر مرحله از تولید را با هم جمع می‌کنند و این رقم برابر با ارزش نهایی محصول تولیدشده است؟

- ۱ الف) میزان تولید کالا و خدمات ب) درآمد ملی - درآمد حقوق‌بگیران - درآمد صاحبان مشاغل آزاد پ) نهایی - واسطه‌ای ت) تولید ملی ث) هزینه استهلاکی ج) روش ارزش‌افزوده
- ۲ الف) تفوق صادرات بر واردات ب) تولید ناخالص ملی - درآمد صاحبان سرمایه - سودی که به «سرمایه» تعلق می‌گیرد. پ) واسطه‌ای - نهایی ت) تولید داخلی ث) هزینه نهایی ج) روش هزینه‌ای

۲ الف) غنا و فراوانی منابع طبیعی و اقتصادی ب) تولید ناخالص داخلی - اجاره‌بها یا مال‌الاجاره - درآمد صاحبان املاک و مستغلات

پ) سرمایه‌ای - واسطه‌ای ت) تولید ناخالص داخلی ث) هزینه ثابت ج) روش «درآمدی»

- ۴ الف) استفاده از تکنولوژی مدرن در تمام بخش‌های اقتصادی ب) درآمد سرانه - دستمزدها - سودی که نصیب شرکت‌ها و مؤسسات می‌شود. پ) تکمیلی - واسطه‌ای ت) تولید سرانه ملی ث) هزینه متغیر ج) روش استفاده از «سال پایه و قیمت ثابت»

۳۰۵. در «چه روشی» از طریق حاصل جمع مبالغ مزد، اجاره و سود متعلق به تمامی خانوارها، ارزش تولید کل جامعه به دست می‌آید؟ (تعداد ۸۸)

۱ درآمدی ۲ تولید ۳ هزینه‌ای ۴ ارزش افزوده

مفهوم محاسبه به قیمت جاری و قیمت ثابت

۳۰۶. پاسخ درست و کامل پرسش‌های زیر در کدام گزینه است؟

الف) شاخه‌های از است که به بررسی و اندازه‌گیری میزان فعالیت‌های اقتصادی در «سطح ملی» می‌پردازد. مثلاً میزان تولید «کالاها و خدمات» را در جامعه بررسی می‌کند. ب) دربرگیرنده همه فعالیت‌های تولیدی است که در داخل کشور یعنی محدوده مرزهای جغرافیایی آن کشور قرار می‌گیرد، خواه توسط مردم همان کشور و خواه توسط خارجیان که در آن کشور مقیم‌اند. پ) فعالیت‌های غیرقانونی و زیرزمینی نظیر «قاچاق» ت) با روش می‌توان «ارزش کل تولیدات جامعه» را محاسبه کرد. در مجموع ارزش‌افزوده‌هایی که در مراحل مختلف تولید در بخش‌های مختلف اقتصادی ایجاد می‌شود را با هم جمع زده و تولید کل را محاسبه می‌کنند. ث) چه «ارزش پولی کالاها و خدمات نهایی» یک محصول را محاسبه کنیم و چه مقدار ارزش‌افزوده در هر مرحله تولید را با هم جمع کنیم ج) اگر جامعه دچار «تورم» باشد، مقدار «تولید کل محاسبه‌شده» هر سال رقم بزرگ‌تری را نشان می‌دهد، درحالی‌که این رقم

۱ الف) حسابداری ملی - مطالعات اقتصادی ب) تولید داخلی پ) جزء «تولید کشور» محسوب نمی‌شود. ت) سه - روش هزینه‌ای ث) به جوابی واحد می‌رسیم. ج) به معنای «افزایش تولید» نیست.

۲ الف) مالیه عمومی - علوم اجتماعی ب) تولید ملی پ) در صورت کشف و ضبط جزء «تولید کشور» تلقی می‌شود. ت) دو - روش ارزش‌افزوده ث) از یک روش استفاده کرده‌ایم. ج) نشان‌دهنده «افزایش قیمت» و «افزایش تولید» است.

۳ الف) بودجه عمومی - علم مدیریت ب) تولید خالص داخلی پ) جزء «تولید کشور» محسوب می‌شود. ت) چهار - روش درآمدی ث) در واقع از دو روش «تولید و ارزش‌افزوده» استفاده کرده‌ایم. ج) در اصل حاصل ضرب مقدار کالاها تولیدشده در قیمت هر واحد از آن کالاهاست.

۴ الف) درآمد ملی - علم اقتصاد ب) تولید ناخالص ملی پ) در صورت تولید در داخل کشور جزء «تولید ناخالص داخلی» تلقی می‌شود. ت) پنج - روش ارزش‌افزوده ث) به دو جواب مختلف می‌رسیم. ج) را می‌توان با توجه به ارقام اعلام‌شده حتماً به حساب «افزایش تولید کل کشور» گذاشت.

پرسش‌های تکمیلی

مقدمه

۳۰۷. وجود شاخص‌ها در مطالعات اقتصادی:

۱ موجب می‌شود که وضعیت اقتصادی یک کشور و میزان تغییرات آن را در طول زمان اندازه‌گیری و مقایسه کنیم.

۲ نشان‌دهنده این نیاز است که دولت‌ها برای استمرار بقای خود مجبور به ارائه داده‌های اقتصادی هستند.

۳ بسیار مهم است؛ زیرا هرگونه اشتباه در اندازه‌گیری آن‌ها، موجب اشتباه در تشخیص بیماری اقتصادی و یا روند بهبود می‌شود.

۴ نشان‌دهنده این نیاز است که اجباراً در اقتصاد ناچاریم به علومی همچون آمار و ریاضی مراجعه دائمی کنیم.

۳۰۸. حسابداری ملی شاخه‌ای از مطالعات اقتصادی است که:

۱ به میزان قدرت اقتصادی و درجه پیشرفت ملت و سطح زندگی اعضای آن می‌پردازد.

۲ با ارائه شاخص‌های گوناگون به بررسی امور اقتصادی در سطح منطقه‌ای می‌پردازد.

۳ به محاسبه تولید داخلی در محدوده قانونی و مجاز می‌پردازد.

۴ به بررسی و اندازه‌گیری میزان فعالیت‌های اقتصادی در سطح ملی می‌پردازد.

۳۰۹. میزان تولید کالا و خدمات در هر جامعه، نشان‌دهنده و است؛ زیرا

۱ قدرت اقتصادی آن جامعه - رفاه همه اقشار جامعه - تولید بیشتر به معنای مصرف بیشتر و در نتیجه وجود عدالت اقتصادی در جامعه است.

۲ قدرت تولیدی آن جامعه - سطح زندگی مردم - تولید بیشتر به معنای مصرف بیشتر و در نتیجه وجود عدالت اقتصادی در جامعه است.

۳ قدرت اقتصادی آن جامعه - سطح زندگی مردم - تولید بیشتر به معنای درآمد و مصرف بیشتر و در نتیجه رفاه بیشتر است.

۴ قدرت تولیدی آن جامعه - رفاه همه اقشار جامعه - تولید بیشتر به معنای درآمد و مصرف بیشتر و در نتیجه رفاه بیشتر است.

۳۱۰. کدام یک از شاخه‌های مطالعات اقتصادی تصویری روشن از اقتصاد و روند تغییرات آن و رفاه مردم ارائه می‌کند؟

۱ اقتصاد بانکی ۲ حسابداری ملی ۳ مالیات ۴ بودجه

۳۱۱. شاخه‌ای از مطالعات اقتصادی است که با ارائه به بررسی و اندازه‌گیری میزان فعالیت‌های اقتصادی در سطح ملی می‌پردازد و متغیرهای را در جامعه محاسبه می‌کند.

۱ حسابداری دولتی - شاخص‌های متنوع - خرد و کلان ۲ حسابداری ملی - محاسبات متنوع - خرد و کلان

۳ حسابداری دولتی - محاسبات متنوع - کلان ۴ حسابداری ملی - شاخص‌های متنوع - کلان

تولید ملی و اندازه‌گیری آن

۳۱۲. میزان تولید کالا و خدمات نشان‌دهنده و از جمله وظایف حسابداری ملی است.

۱ قدرت اقتصادی و سطح رفاه مردم - ارائه اطلاعات متنوع برای بررسی دقیق امور اقتصادی

۲ مصرف بیشتر و مصرف‌گرایی مردم - ارائه شاخص‌های متنوع برای بررسی و اندازه‌گیری فعالیت‌های اقتصادی

۳ مصرف بیشتر و مصرف‌گرایی مردم - ارائه اطلاعات متنوع برای بررسی دقیق امور اقتصادی

۴ قدرت اقتصادی و سطح رفاه مردم - ارائه شاخص‌های متنوع برای بررسی و اندازه‌گیری فعالیت‌های اقتصادی

۳۱۳. علت اهمیت محاسبه میزان تولید کالا و خدمات یک جامعه در طول یک‌سال کدام یک از گزینه‌های زیر نیست؟
 ۱ نشان‌دهنده سطح رفاه و درآمد اعضای آن جامعه است.
 ۲ نشان‌دهنده تقاضای واحدهای تولیدی است.
 ۳ نشان‌دهنده امکان پیشرفت آن جامعه در طول زمان است.
 ۴ نشان‌دهنده قدرت و توان اقتصادی آن جامعه است.
- (ترکیبی)
۳۱۴. علت اهمیت محاسبه میزان تولید کالا و خدمات یک جامعه در طول یک‌سال کدام یک از گزینه‌های زیر نیست؟
 ۱ نشان‌دهنده میزان پس‌انداز و سرمایه‌گذاری آن جامعه است.
 ۲ نشان‌دهنده دخالت دولت در هدایت اقتصاد کشور است.
 ۳ نشان‌دهنده قدرت و توان اقتصادی آن جامعه است.
 ۴ نشان‌دهنده سطح رفاه و درآمد اعضای آن جامعه است.
- (ترکیبی)
۳۱۵. از دیدگاه حسابداری ملی «از بازار عبور کند»؛ یعنی
 ۱ فعالیتی که ارزش کالاها و خدماتی که از قبل تهیه شده است را افزایش داده و موجب رفاه عمومی گردد.
 ۲ فعالیتی که به تولید کالا و خدمات مورد نیاز مردم بپردازد و برای اقشار مختلف جامعه ایجاد رفاه کند.
 ۳ تولیدکننده کالا و خدمات را در مقابل دریافت پول به مصرف‌کننده تحویل دهد.
 ۴ تولیدکننده کالا و خدمات را بدون دریافت پول به مصرف‌کننده تحویل دهد؛ چرا که بازار این نقش را ایفا خواهد کرد.
- (مفهومی)
۳۱۶. به چه دلیلی هر کدام از این موارد در تولید کل محاسبه نمی‌شوند؟ الف) تربیت و بهداشت فرزندان در خانه ب) کالاهای واسطه‌ای
 ۱ الف) زیرا از بازار عبور نکرده است. ب) زیرا ارزش کالاهای واسطه‌ای در درون کالاهای نهایی است.
 ۲ الف) زیرا در محدوده مکانی معینی صورت می‌گیرد. ب) زیرا توسط مصرف‌کنندگان خریداری نمی‌شود.
 ۳ الف) زیرا در محدوده مکانی معینی صورت می‌گیرد. ب) زیرا ارزش کالاهای واسطه‌ای در درون کالاهای نهایی است.
 ۴ الف) زیرا از بازار عبور نکرده است. ب) زیرا توسط مصرف‌کنندگان خریداری نمی‌شود.
- (مفهومی)
۳۱۷. کدام یک از موارد زیر فعالیت تولیدی محسوب می‌شوند که در تولید کل محاسبه می‌شوند؟
 ۱ تولید محصولات کشاورزی در مزرعه - حمل محصولات کشاورزی به خرده‌فروش‌ها - میوه‌های بسته‌بندی شده
 ۲ حمل محصولات کشاورزی به مراکز مصرف - پاک کردن سبزیجات به طریق بهداشتی برای امور خیریه - تعمیر لوازم خانگی توسط خود فرد
 ۳ عرضه محصولات کشاورزی در سطح جامعه - حمل محصولات کشاورزی به خرده‌فروش‌ها - فعالیت‌های تولیدی زنان در خانه خودشان
 ۴ فعالیت‌های تولیدی زنان در مزرعه - خدمات زنان برای تربیت فرزندان خود - میوه‌های بسته‌بندی شده
- (مفهومی)
۳۱۸. کدام یک از موارد زیر فعالیت تولیدی محسوب نمی‌شود و چرا فعالیت تولیدی زنان در خانه و کالا و خدماتی که آن‌ها به صورت غذا، بهداشت و ... ارائه می‌کنند، در تولید کل محاسبه نمی‌شود؟
 ۱ تعمیر لوازم خانگی بدون دریافت وجه - چون به خدمات نهایی منتهی نمی‌شوند.
 ۲ فعالیت تولیدی زنان در مزارع - چون از بازار عبور نمی‌کند.
 ۳ فعالیت تولیدی زنان در مزارع - چون به خدمات نهایی منتهی می‌شود.
 ۴ تعمیر لوازم خانگی بدون دریافت وجه - چون از بازار عبور نمی‌کند.
- (ترکیبی)
۳۱۹. کدام یک از گزینه‌های زیر از شروط محاسبه و سنجش فعالیت تولیدی در حسابداری ملی نیست؟
 ۱ دارای استهلاک تولیدی نباشد.
 ۲ فعالیت‌هایی که به تولید کالا و خدمات نهایی منتهی شود.
 ۳ قانونی و مجاز باشد.
 ۴ از بازار عبور کند.
- (مفهومی)
۳۲۰. «اگر فردی برای تعمیر لوازم خانگی خود به تعمیرکار پول بپردازد، در حسابداری ملی محاسبه می‌شود و اگر خودش آن را تعمیر کند، محاسبه نمی‌شود.» این جمله نشان‌دهنده کدام یک از شروط محسوب‌شدن در فعالیت‌های تولیدی است؟
 ۱ به تولید نهایی منجر شود.
 ۲ تولید در محدوده مکانی معینی صورت گیرد.
 ۳ قانونی و مجاز باشد.
 ۴ از بازار عبور کند.
- (ترکیبی)
۳۲۱. در محاسبه تولید کل جامعه؛
 الف) از محاسبه ارزش کدام مورد صرف‌نظر می‌شود؟
 ب) ارزش کدام یک محاسبه می‌شود؟
 ۱ الف) مواد اولیه‌ای که توسط تولیدکنندگان خریداری می‌شود. ب) کالاها و خدماتی که توسط مصرف‌کنندگان و در جریان تولید به مصرف می‌رسد.
 ۲ الف) کالاها و خدماتی که به مصرف‌کنندگان می‌رسد. ب) کالاها و خدماتی که توسط مصرف‌کنندگان و در جریان تولید به مصرف می‌رسد.
 ۳ الف) کالاها و خدماتی که به مصرف‌کنندگان می‌رسد. ب) کالاها و خدماتی که توسط مصرف‌کنندگان خریداری شده و به مصرف می‌رسند.
- (مفهومی)
۳۲۲. در محاسبه تولید کل یک جامعه، از محاسبه ارزش کدام یک صرف‌نظر نخواهد شد؟
 ۱ حمل‌ونقل سبزیجات و صیفی‌جات به بازار و عرضه آن‌ها به خرده‌فروشی‌ها
 ۲ پاک کردن و بسته‌بندی میوه و سبزیجات مورد استفاده مردم
 ۳ میزان آب مصرف‌شده در جریان تولید محصولات کشاورزی
 ۴ لوازم‌التحریر خریداری‌شده توسط دانش‌آموزان
- (مفهومی)
۳۲۳. با محاسبه ارزش کالاها و خدمات واسطه‌ای در محاسبه تولید کل جامعه،
 ۱ مقدار تولید کل محاسبه شده، نشان‌دهنده تغییر میزان تولید کالاها و خدمات خواهد بود.
 ۲ مقدار تولید کل محاسبه شده، حاصل تغییرات قیمت کالاها و خدمات خواهد بود.
 ۳ مقدار تولید کل محاسبه شده، رقم بزرگ‌تری را نشان می‌دهد.
 ۴ مقدار تولید کل محاسبه شده، رقم کوچک‌تری را نشان می‌دهد.

(کنگاشی)

۳۲۴. چرا فعالیت‌های غیرقانونی جزء تولید کشور در حسابداری ملی به حساب نمی‌آیند؟ چون.....

- ۱) از این فعالیت‌ها اطلاع دقیقی نداریم و محاسبه آن‌ها مشروعیت دادن به آن‌ها تلقی می‌شود.
- ۲) این نوع فعالیت‌ها به کمک معیار سنجش در حسابداری ملی یعنی پول محاسبه نمی‌شوند.
- ۳) این فعالیت‌ها در محدوده مکانی معینی صورت نمی‌گیرند و از طرف دیگر امر تولیدی محسوب نمی‌گردند.
- ۴) این نوع فعالیت‌ها به تولید کالا و خدمات نهایی منجر نمی‌شوند و توسط افراد غیرقانونی وارد کشور می‌شوند.

استهلاک، تولید ناخالص ملی و تولید خالص ملی



۳۲۵. بخشی از سرمایه‌های یک کشور از قبیل ماشین‌آلات، ساختمان‌ها، راه‌ها و نظایر آن که در فعالیت‌های تولیدی مورد استفاده قرار می‌گیرند، به مرور زمان فرسوده می‌شوند و از بین می‌روند؛ بنابراین باید منابع و امکاناتی را صرف جبران این فرسایش؛ یعنی تعمیر یا جایگزینی آن‌ها کنیم. این فرسودگی و هزینه‌های مربوط به آن در اصطلاح اقتصادی چه نامیده می‌شود؟

(کنگاشی)

- ۱) استهلاک - هزینه استهلاک ۲) استهلاک - هزینه تولید ۳) سرمایه - هزینه استهلاک ۴) سرمایه - هزینه تولید

(کنگاشی)

۳۲۶. قسمتی از تولید جامعه که صرف جایگزینی سرمایه‌های فرسوده می‌شود، نام دارد و در محاسبه می‌شود.

- ۱) هزینه استهلاک - تولید ناخالص ۲) هزینه نهایی - تولید خالص داخلی
- ۳) هزینه نهایی - تولید ناخالص داخلی ۴) هزینه استهلاک - تولید خالص

(کنگاشی)

۳۲۷. کدام یک از موارد به تعریف صحیحی از استهلاک اشاره دارد؟

- ۱) کاهش ارزش کالاهای مصرفی که در نتیجه کارکردن و گذشت زمان فرسوده و کهنه می‌گردند.
- ۲) کاهش ارزش کالاهای سرمایه‌ای که در نتیجه کارکردن و گذشت زمان فرسوده و کهنه می‌گردند.
- ۳) کاهش ارزش کالاهای مصرفی - سرمایه‌ای که در نتیجه کارکردن و گذشت زمان فرسوده و کهنه می‌گردند.
- ۴) کاهش ارزش کالاهای غیرمصرفی که در نتیجه کارکردن و گذشت زمان فرسوده و کهنه می‌گردند.

(مفهومی)

۳۲۸. ارزش استهلاک براساس کدام یک از روابط زیر به دست می‌آید؟

- ۱) تولید ناخالص داخلی - تولید خالص داخلی ۲) تولید سرانه - تولید ناخالص سرانه
- ۳) تولید خالص ملی - تولید ناخالص ملی ۴) تولید سرانه - تولید خالص داخلی

(هاشقه‌ای)

۳۲۹. اگر تولید کل جامعه را بدون توجه به مقدار هزینه‌های جایگزینی محاسبه کنیم، آن را می‌نامیم؛ اما اگر هزینه‌های استهلاک را مورد توجه قرار دهیم، آن را می‌نامیم.

(کنگاشی)

- ۱) تولید خالص - تولید ناخالص ۲) تولید خالص - تولید خالص ۳) درآمد خالص - درآمد خالص ۴) درآمد خالص - درآمد ناخالص

(کنگاشی - ترکیبی)

۳۳۰. تولید ملی در برگیرنده همه فعالیت‌های تولیدی است که توسط در انجام می‌گیرد؛ ولی تولید داخلی در برگیرنده همه فعالیت‌های تولیدی است که در در طول انجام می‌گیرد.

- ۱) افراد داخل و خارج از کشور - یک سال - محدوده مرزهای جغرافیایی یک کشور - یک سال
- ۲) اعضای یک ملت - دوسال - محدوده مرزهای فرهنگی یک کشور - دوسال
- ۳) افراد داخل و خارج از کشور - دوسال - محدوده مرزهای فرهنگی یک کشور - دوسال
- ۴) اعضای یک ملت - یک سال - محدوده مرزهای جغرافیایی یک کشور - یک سال

(هاشقه‌ای)

۳۳۱. «مردم کشوری که در یک کشور دیگر فعالیت اقتصادی می‌کنند» و «فعالیت‌های تولیدی خارجیان مقیم یک کشور» به ترتیب از طریق کدام یک از شاخص‌های اقتصادی مورد بررسی قرار می‌گیرد؟

(مفهومی - ترکیبی)

- ۱) G.N.P - G.N.P ۲) G.D.P - G.D.P ۳) G.D.P - G.N.P ۴) G.D.P - G.D.P

(مفهومی - ترکیبی)

۳۳۲. کدام یک پاسخ درست و مناسبی برای پرسش‌های زیر است؟

- الف) تولیدات و خدمات سرمایه‌گذاران خارجی با استفاده از کدام شاخص قابل محاسبه است؟
- ب) خدمات پزشکان ایرانی در کشورهای همسایه از طریق کدام شاخص محاسبه می‌شود؟
- پ) هزینه استهلاک در محاسبه کدام شاخص در نظر گرفته می‌شود؟
- ۱) الف) تولید خالص ملی (ب) تولید ملی (پ) تولید خالص داخلی
- ۲) الف) تولید خالص داخلی (ب) تولید داخلی (پ) تولید ناخالص ملی
- ۳) الف) تولید ناخالص ملی (ب) تولید داخلی (پ) تولید خالص ملی
- ۴) الف) تولید ناخالص داخلی (ب) تولید ملی (پ) تولید ناخالص داخلی

(کنگاشی)

۳۳۳. فرق تولید خالص و ناخالص این است که برای محاسبه هزینه‌های استهلاک در نظر گرفته نمی‌شود؛ اما در این هزینه محاسبه می‌شود.

(کنگاشی)

- ۱) تولید ناخالص - تولید خالص ۲) درآمد ناخالص - درآمد خالص
- ۳) تولید خالص - تولید ناخالص ۴) درآمد خالص - درآمد ناخالص

(هاشقه‌ای)

۳۳۴. عبارت است از کلیه کالاها و خدمات که اعضای یک ملت در طول یک سال تولید کرده‌اند.

(مفهومی)

- ۱) تولید ناخالص داخلی - ارزش پولی - نهایی ۲) تولید ناخالص ملی - ارزش پولی - نهایی
- ۳) تولید ناخالص داخلی - ارزش پولی - نهایی ۴) تولید ناخالص ملی - ارزش افزوده - تولیدی

(مفهومی)

۳۳۵. در محاسبه تولید ناخالص داخلی کدام یک از گزینه‌های زیر به حساب نمی‌آید؟

- ۱) تولید ایرانیان مقیم خارج کشور ۲) تولید خارجی‌های مقیم کشور
- ۳) تولید ایرانیان ساکن در کشور ۴) تولید سرمایه‌داران خارجی در داخل کشور

۳۳۶. دو شاخص تولید ناخالص ملی و تولید ناخالص داخلی در عمل، جز در مورد برخی کشورها که و از آن‌ها در خارج از مرزهایشان کار می‌کنند، مثل کشور یا در کشور خود حضور چشمگیری از تولیدکنندگان دارند، مثل کشور معمولاً به هم نزدیک‌اند.

(کنگاشی - ترکیبی)

- ۱ نیروی کار فعال - نیروی کار غیرفعال - هنگ کنگ - وطنی - هنگ کنگ
- ۲ نیروی کار - سرمایه‌های زیادی - هنگ کنگ - وطنی - لبنان
- ۳ نیروی کار - سرمایه‌های زیادی - لبنان - چند ملیتی - هنگ کنگ
- ۴ نیروی کار فعال - سرمایه‌های زیادی - لبنان - چند ملیتی - هنگ کنگ

۳۳۷. یک ایرانی در کشور قطر کارخانه تولید بازی‌های فکری دارد و یک لبنانی در ایران نیز کارخانه تولید ظروف پلاستیکی دارد. به ترتیب این امر در کدام بخش جای می‌گیرد؟

(مقووی)

- ۱ G.N.P افزایش می‌یابد. - G.D.P کاهش می‌یابد.
- ۲ G.D.P کاهش می‌یابد. - G.N.P افزایش می‌یابد.
- ۳ G.N.P کاهش می‌یابد. - G.N.P افزایش می‌یابد.
- ۴ G.D.P افزایش می‌یابد. - G.D.P افزایش می‌یابد.

۳۳۸. نیروی کار و سرمایه زیادی از تعدادی از کشورها، در خارج از مرزهایشان کار می‌کنند، در این صورت کدام مورد امکان وقوع دارد؟

(کنگاشی)

- ۱ مقدار تولید داخلی بیشتر از مقدار تولید ملی خواهد بود.
- ۲ مقدار تولید داخلی کمتر از مقدار تولید ملی خواهد بود.
- ۳ تفاوت فاحشی میان مقدار تولید ملی و تولید داخلی به وجود نمی‌آید.
- ۴ تفاوت فاحشی میان مقدار تولید ملی و تولید داخلی بسیار نزدیک به هم خواهد بود.

۳۳۹. میزان بالای تولید ناخالص ملی بیانگر و است.

(کنگاشی)

- ۱ توان اقتصادی بیشتر - تولید کافی - بالا بودن بهره‌وری - استفاده بهینه از همه عوامل تولید
- ۲ قدرت اقتصادی بیشتر - تولید کافی - بهره‌وری استاندارد - بالا بردن رفاه همه اقشار جامعه
- ۳ توان اقتصادی بیشتر - تولید بیشتر - بهره‌وری استاندارد - بالا بردن رفاه همه اقشار جامعه
- ۴ قدرت اقتصادی بیشتر - تولید بیشتر - بالا بودن بهره‌وری - استفاده بهینه از همه عوامل تولید

۳۴۰. در برخی موارد از تولید ناخالص ملی و تولید ناخالص داخلی به‌عنوان و نیز استفاده می‌شود.

(کنگاشی)

- ۱ درجه تمدن هر ملت - سطح زندگی اعضای آن
- ۲ درجه تمدن هر ملت - سطح فرهنگی اعضای آن
- ۳ درجه پیشرفت هر ملت - سطح زندگی اعضای آن
- ۴ درجه پیشرفت هر ملت - سطح فرهنگی اعضای آن

۳۴۱. برای انجام تحلیل‌های مختلف اقتصادی از وضعیت کشورها از کدام یک از شاخص‌های زیر استفاده می‌شود؟

(کنگاشی)

- ۱ بهتر است از شاخص‌های ناخالص ملی استفاده شود.
- ۲ بهتر است از شاخص ناخالص داخلی استفاده شود.
- ۳ چون مقدار شاخص‌ها نزدیک به هم است از هر دو می‌توان استفاده کرد.
- ۴ چون مقدار شاخص‌ها نزدیک به هم است از هیچ کدام نمی‌توان استفاده کرد.

درآمد ملی



۳۴۲. کدام یک از موارد زیر در بیان مفهوم درآمد ملی درست است؟

(هافقه‌ای)

- ۱ مجموع درآمدهای مختلف است که در طول سال به صورت نقدینگی نصیب ملت می‌شود.
- ۲ مجموع درآمدهای مختلف است که در طول سال نصیب ملت می‌شود.
- ۳ حاصل جمع تولید ناخالص ملی با تولید ناخالص داخلی، پس از کسر استهلاک است.
- ۴ پس از به دست آوردن تولید ناخالص داخلی، با تقسیم کردن تولید ناخالص ملی بر جمعیت به دست می‌آید.

۳۴۳. درآمد ملی شامل و می‌شود.

(کنگاشی - هافقه‌ای)

- ۱ دستمزدها - قیمت خدمات سرمایه - اجاره - درآمد دولتی‌ها - سود صاحبان شرکت‌ها و مؤسسه‌ها
- ۲ درآمد حقوق‌بگیران - درآمد صاحبان سرمایه - درآمد صاحبان املاک و مستغلات - درآمد صاحبان مشاغل آزاد - سود صاحبان شرکت‌ها و مؤسسه‌ها
- ۳ دستمزدها - قیمت خدمات سرمایه - اجاره - فعالیت زنان - درآمد دولتی‌ها
- ۴ درآمد حقوق‌بگیران - درآمد صاحبان سرمایه - درآمد صاحبان املاک و مستغلات - قیمت خدمات سرمایه - درآمد دولتی‌ها

محاسبه تولید کل جامعه



۳۴۴. کدام یک در رابطه با محاسبه ارزش کل تولیدات جامعه، با استفاده از روش هزینه‌ای درست است؟

(ترکیبی)

- ۱ ارزش پولی تولیدات نهایی را آنجا که به خانوار فروخته می‌شود.
- ۲ با جمع زدن مرزها، سودها و اجاره‌ها به دست می‌آید.
- ۳ مجموع درآمدی است که همه عوامل تولید به دست می‌آورند.
- ۴ مجموع ارزش افزوده‌هایی است که در مراحل مختلف تولید به دست می‌آید.

۳۴۵. اگر تولید کل جامعه را از طریق هریک از سه روش و و محاسبه کنیم، به جواب‌های یکسانی می‌رسیم. از این رو برای جلوگیری از اشتباه روش را برای محاسبه به کار می‌بریم و نتایج را با هم مقایسه می‌کنیم. (ترکیبی - کنگاشی)
- ۱ هزینه‌ای - درآمدی - ارزش افزوده - حداقل دو
۲ درآمدی - مصرفی - هزینه‌ای - حداکثر دو
۳ درآمدی - مصرفی - هزینه‌ای - حداکثر دو
۴ هزینه‌ای - ارزش افزوده - تولیدی - حداقل دو
۳۴۶. اگر مقدار ارزش افزوده در هر مرحله از تولید را با هم جمع کنیم، جواب به دست آمده با کدام گزینه برابر خواهد بود؟ (ترکیبی - کنگاشی)
- ۱ ارزش پولی کالاها و خدمات نهایی
۲ ارزش اقتصادی کالاها و خدمات واسطه‌ای و نهایی
۳ ارزش پولی کالاها و خدمات مصرفی و نهایی
۴ ارزش اقتصادی کالاها و خدمات مصرفی و نهایی
۳۴۷. روش‌های محاسبه تولید کل جامعه با یکدیگر است و پاسخ همه روش‌ها است. (کنگاشی)
- ۱ متفاوت - یکسان
۲ متفاوت - متفاوت
۳ یکسان - متفاوت
۴ یکسان - نیز یکسان

شاخص‌های نسبی

۳۴۸. در مطالعات آماری برای دستیابی به صورت دقیق‌تر و واقعی‌تر باید از استفاده کنیم؛ زیرا گاهی تصویر خوبی از واقعیت ارائه نمی‌کند. (ترکیبی)
- ۱ شاخص‌های مطلق - شاخص‌های نسبی
۲ شاخص‌های نسبی - شاخص‌های مطلق
۳ هزینه‌های مصرفی - درآمد سرانه
۴ درآمد سرانه - هزینه‌های مصرفی

۳۴۹. کدام یک پاسخ درست و مناسبی برای پرسش‌های زیر است؟ (ترکیبی)
- الف) ارزش پولی کالاها و خدمات نهایی تولید شده در محدوده مرزهای جغرافیایی یک کشور توسط کدام شاخص محاسبه می‌شود؟
ب) تولید ناخالص ملی و تولید خالص داخلی از چه نظر به یکدیگر شباهت دارند؟
پ) بهترین معیار برای مقایسه سطح زندگی و رفاه افراد جامعه کدام است؟
ت) روش محاسبه GDP سبز کدام است؟

- ۱ الف) تولید ناخالص ملی (ب) به بررسی و اندازه‌گیری میزان فعالیت‌های اقتصادی در سطح ملی می‌پردازند. (پ) درآمد سرانه (ت) از کل تولیدات مضر، تخریب‌های محیط‌زیستی را کسر می‌کنند.
۲ الف) تولید ناخالص داخلی (ب) به بررسی و اندازه‌گیری میزان فعالیت‌های اقتصادی در سطح ملی می‌پردازند. (پ) درآمد ملی (ت) از کل تولیدات، تخریب‌های محیط‌زیستی را کسر می‌کنند.
۳ الف) تولید ناخالص ملی (ب) میزان توانایی و قدرت اقتصادی و همچنین سطح زندگی و رفاه جامعه را نشان می‌دهند. (پ) درآمد ملی (ت) از کل تولیدات مضر، تخریب‌های محیط‌زیستی را کسر می‌کنند.
۴ الف) تولید ناخالص داخلی (ب) میزان توانایی و قدرت اقتصادی و همچنین سطح زندگی و رفاه جامعه را نشان می‌دهند. (پ) درآمد سرانه (ت) از کل تولیدات، تخریب‌های محیط‌زیستی را کسر می‌کنند.

۳۵۰. کدام مورد تعریف دقیقی از درآمد سرانه است و چرا درآمد سرانه معیار بهتری برای مقایسه سطح زندگی افراد جوامع مختلف است؟ (کنگاشی - مفهومی)
- ۱ سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان تولید آن جامعه - به دلیل تشخیص دقیق نوع عدالت اقتصادی در آن جامعه
۲ سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان درآمد و مصرف آن جامعه - به دلیل تشخیص دقیق نوع عدالت اقتصادی در آن جامعه
۳ سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان درآمد و مصرف آن جامعه - به دلیل تفاوت چشمگیر جمعیت کشورهای مختلف
۴ سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان درآمد - به دلیل تفاوت چشمگیر جمعیت کشورهای مختلف

۳۵۱. کدام یک پاسخ درست و مناسبی برای پرسش‌های زیر است؟ (ترکیبی)
- الف) شاخص‌های نسبی چگونه تصویری از واقعیت ارائه می‌کنند؟
ب) برای مقایسه عملکرد دو کشور در زمینه صادرات چگونه شاخص نسبی می‌توان ساخت؟
پ) درآمد سرانه شاخص نسبی است یا مطلق؟

- ۱ الف) دقیق‌تر و واقعی‌تر (ب) نسبت تولید کل جامعه به صادرات جامعه را در هر دو کشور با هم مقایسه می‌کنند. (پ) مطلق
۲ الف) دقیق‌تر و واقعی‌تر (ب) نسبت صادرات جامعه به تولید کل جامعه را در هر دو کشور با هم مقایسه می‌کنند. (پ) نسبی
۳ الف) نسبی‌تر و دقیق‌تر (ب) نسبت صادرات جامعه به تولید کل جامعه را در هر دو کشور با هم مقایسه می‌کنند. (پ) نسبی
۴ الف) نسبی‌تر و دقیق‌تر (ب) نسبت تولید کل جامعه به صادرات جامعه را در هر دو کشور با هم مقایسه می‌کنند. (پ) مطلق

۳۵۲. در صورتی که واردات کشور «الف» ۳۵۰ واحد باشد و واردات کشور «ب» ۷۰۰ واحد، کدام گزینه درست خواهد بود؟ (ترکیبی)
- ۱ کشور ب، دو برابر کشور الف واردات دارد و اقتصاد آن وابسته به کشورهای دیگر است.
۲ کشور ب، صادرات بیشتری نسبت به کشور الف دارد و اقتصاد پایدارتری دارد.
۳ کشور ب، دو برابر کشور الف واردات دارد و اقتصاد کشور الف نسبت به کشور ب وابسته‌تر است.
۴ نمی‌توان نظری داد چرا که معلوم نیست نسبت به تولید کل یا جمعیتی که دارند، این مقدار واردات زیاد است یا کم.

مفهوم محاسبه به قیمت جاری و قیمت ثابت

۳۵۳. شاخص‌های نشان‌دهنده تولید کل در جامعه بر حسب سنجیده می‌شوند اما اگر جامعه دچار باشد، مقدار تولید کل در هر سال رقم را نشان می‌دهد. (کنگاشی)
- ۱ تولید سرانه - رکود - بزرگ‌تری
۲ واحد پول ملی - تورم - بزرگ‌تری
۳ واحد پول ملی - تورم - بزرگ‌تری
۴ واحد پول ملی - تورم - کوچک‌تری

(کنگاشی)

۳۵۴. برای از بین بردن «اثر تغییرات قیمت» در محاسبه «تولید کل جامعه» استفاده از کدام روش درست است؟

- ۱ با قراردادن قیمت‌های سال جاری «سال دوم و سوم» به عنوان «قیمت پایه» می‌توان محاسبه را انجام داد.
 - ۲ سال معینی را به عنوان «سال پایه» انتخاب کرده و ارزش تولیدات هر سال را بر حسب قیمت «کالاها و خدمات» در آن سال محاسبه کرد.
 - ۳ «ارزش» کالاها و خدمات نهایی را در محاسبه «تولید کل» منظور نمود تا از «محاسبه مجدد» در تولید کل جامعه اجتناب شود.
 - ۴ در محاسبه «تولید کل» ارزش کالاها و خدمات واسطه‌ای را منظور نکرده و آن‌ها را از «حسابداری ملی» جدا کنیم.
۳۵۵. اگر میزان تولید کل در طی سه سال متوالی در یک کشور به ترتیب ۱۰۰۰، ۱۱۰۰ و ۱۲۵۰ هزار میلیارد ریال باشد، چه نتیجه‌ای می‌توان گرفت؟

(مقووی)

- ۱ نتیجه قطعی این است که تولید این کشور در طول سه سال گذشته افزایش یافته است.
- ۲ نتیجه قطعی این است که در کشور مورد نظر تورم وجود دارد.
- ۳ نتیجه قطعی این است که این کشور در طول سه سال گذشته توسعه اقتصادی یافته است.
- ۴ با این اطلاعات نظر قطعی نمی‌توان داد.

۳۵۶. در صورتی که میزان «تولید کل» یک جامعه، در طی سه سال متوالی به ترتیب ۱۰۰۰، ۱۲۰۰ و ۱۳۰۰ میلیارد ریال باشد، کدام عبارت درست است؟

(مقووی)

- ۱ این افزایش واقعی است؛ زیرا ممکن است به دلیل افزایش مقدار تولید یا افزایش قیمت هر واحد کالا یا هر دوی آن‌ها باشد.
- ۲ این افزایش واقعی نیست؛ زیرا ممکن است فقط به دلیل افزایش مقدار تولید باشد.
- ۳ این افزایش واقعی است؛ زیرا ممکن است فقط به دلیل افزایش مقدار تولید باشد.
- ۴ این افزایش واقعی نیست؛ زیرا ممکن است به دلیل افزایش مقدار تولید یا افزایش قیمت هر واحد کالا یا هر دوی آن‌ها باشد.

(ترکیبی)

۳۵۷. کدام مورد پاسخ درست و کامل برای دو پرسش زیر است؟

الف) در چه صورتی تغییرات موجود در تولید کل جامعه فقط بیانگر تغییر میزان تولید کالاها و خدمات، نه قیمت آن‌ها خواهد بود؟

ب) برای محاسبه چه شاخصی قسمتی از تولید جامعه که صرف جای‌گزینی سرمایه‌های فرسوده می‌شود، در نظر گرفته نمی‌شود؟

- ۱ الف) چنانچه سال آخر را به عنوان سال پایه برای سال‌های اولیه فرض کرده و محاسبه کنیم. ب) تولید خالص داخلی
- ۲ الف) در صورتی که سال دوم را به عنوان سال پایه انتخاب و براساس آن، محاسبه را انجام داد. ب) تولید خالص ملی
- ۳ الف) زمانی که سال معینی را به عنوان سال پایه انتخاب و ارزش تولیدات هر سال را بر حسب قیمت کالاها و خدمات در سال پایه، نه سال جاری محاسبه کرد. ب) تولید خالص
- ۴ الف) زمانی که سال معینی را به عنوان سال پایه انتخاب و ارزش تولیدات هر سال را بر حسب قیمت کالاها و خدمات در سال جاری، نه سال پایه محاسبه کرد. ب) تولید خالص

(هافقه‌ای)

۳۵۸. برای جلوگیری از اشتباه ناشی از افزایش قیمت در محاسبه تولید کل جامعه که در عرض چندسال روی می‌دهد، چه باید کرد؟

۱ استفاده از روش استهلاک ۲ استفاده از قیمت جاری ۳ استفاده از هزینه‌های ثابت ۴ استفاده از قیمت ثابت در سال پایه

۳۵۹. در صورت استفاده از سال پایه اثر در محاسبه تولید کل از بین می‌رود و تغییرات موجود فقط نشان‌دهنده خواهد بود. (کنگاشی)

- ۱ تغییرات درآمد - تغییر میزان تولید کالا و خدمات
- ۲ تغییرات درآمد - تغییر میزان هزینه‌های تولید
- ۳ تغییرات درآمد - تغییرات قیمت
- ۴ تغییرات قیمت - تغییر میزان هزینه‌های تولید

(ترکیبی)

۳۶۰. به ترتیب کدام مورد پاسخ درستی برای پرسش‌های زیر است؟

الف) شاخص‌های نشان‌دهنده تولید کل جامعه اعم از تولید ناخالص ملی، تولید ناخالص داخلی و بر حسب چه چیزی سنجیده می‌شوند؟

ب) افزایش مقدار تولید کل در هر سال ممکن است به کدام دلایل باشد؟

پ) اگر جامعه دچار باشد مقدار تولید کل محاسبه شده هر سال را نشان می‌دهد؛ در حالی که این رقم بزرگ، به معنای
ت) برای رفع مشکل فوق، می‌توان سال را به عنوان «سال پایه» انتخاب کرده و ارزش تولیدات هر سال را بر حسب قیمت کالاها و خدمات در سال نه محاسبه نمود.

۱ الف) پول ب) افزایش صادرات - کاهش واردات - یکی از این دو پ) تورم - رقم کوچکتری - افزایش تولید است. ت) اول - پایه - سال جاری

۲ الف) مقدار ب) افزایش مقدار تولید - افزایش قیمت هر واحد کالا - هر دوی آن‌ها پ) رکود - رقم بزرگ‌تری - افزایش تولید است. ت) معینی - جاری - سال پایه

۳ الف) پول ب) افزایش مقدار تولید - افزایش قیمت هر واحد کالا - هر دوی آن‌ها پ) تورم - رقم بزرگ‌تری - افزایش تولید نیست. ت) معینی - پایه - سال جاری

۴ الف) مقدار ب) افزایش صادرات - کاهش واردات - یکی از این دو پ) رکود - رقم کوچک‌تری - افزایش تولید نیست. ت) اول - جاری - سال پایه

(کنگاشی)

۳۶۱. از قیمت ثابت برای محاسبه شاخص‌های اقتصادی مثل و استفاده می‌کنند؛ زیرا

- ۱ میزان صادرات - واردات - مصرف - تنها روشی است که ما را به نتیجه یکسانی می‌رساند.
- ۲ میزان صادرات - واردات - مصرف - استفاده از متغیرهای اسمی به جای متغیرهای واقعی بسیار غلط‌انداز است.
- ۳ میزان تولید - توزیع - درآمد - تنها روشی است که ما را به نتیجه قطعی می‌رساند.
- ۴ میزان تولید - توزیع - مصرف - تنها روشی است که اطلاعات نسبی را به اطلاعات قطعی تبدیل می‌کند.

(ترکیبی)

۳۶۲. کدام گزینه پاسخ درست پرسش‌های زیر است؟

- الف) به علت اقتصاددانان، از سنجش‌های اقتصادی استفاده می‌کنند.
 ب) کدام مورد از متغیرهایی است که در شاخه‌ای از مطالعات اقتصادی به بررسی فعالیت‌های اقتصادی می‌پردازد، سنجیده می‌شود؟
 پ) خانوارها در کدام سطح از سطوح آمارهای اقتصادی قرار می‌گیرند؟
 ۱) الف) اندازه‌گیری سطح فعالیت‌های اقتصادی ب) تولید کل پ) شهری
 ۲) الف) نبود شاخص‌های علمی مورد اعتماد ب) سیاست‌های پولی پ) شهری
 ۳) الف) اندازه‌گیری سطح فعالیت‌های اقتصادی ب) تولید کل پ) خرد
 ۴) الف) نبود شاخص‌های علمی مورد اعتماد ب) سیاست‌های پولی پ) خرد

(ترکیبی)

۳۶۳. کدام گزینه به پرسش‌های زیر پاسخ درستی داده است؟

- الف) با بررسی چه موردی امکان پیشرفت یک جامعه مهیا می‌شود؟
 ب) معیار واحد سنجش تولید در حسابداری ملی، است.
 ۱) الف) میزان تولید کالا و خدمات ب) پول
 ۲) الف) میزان تولید کالا و خدمات ب) سنجش‌های اقتصاد
 ۳) الف) حجم چرخش پول ب) پول
 ۴) الف) حجم چرخش پول ب) سنجش‌های اقتصادی

(ترکیبی)

۳۶۴. کدام یک از عبارات زیر نادرست است؟

- الف) محاسبه تولید و سطح فعالیت‌های خدماتی مردم، تصویری روشن از اقتصاد و روند تغییرات آن را نشان می‌دهد.
 ب) آمارهای اقتصادی در سه سطح ارائه می‌شوند.
 پ) وجه اشتراک تولیدات خالص ملی و داخلی عدم محاسبه هزینه استهلاک است.
 ت) در روش درآمدی تمام مزد، سود و اجاره محاسبه می‌شوند.

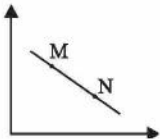
- ۱) الف - ب ۲) ب - پ ۳) پ - ت ۴) ت - الف

آزمون بخش اول

۳۶۵. کدام گزینه پاسخ درست پرسش‌های زیر است؟

- الف) محرک فعالیت‌های انسان است.
 ب) رابطه بین عرضه و قیمت کالا چگونه است؟
 پ) کدام گزینه تعریف درستی از حسابداری ملی ارائه می‌دهد؟
 ت) به کالای بادوامی که در جریان تولید استفاده می‌شود، می‌گویند.
 ۱) الف) امکانات ب) مستقیم پ) شاخه‌ای از مطالعات اقتصادی که با ارائه شاخص‌های گوناگون به بررسی و اندازه‌گیری فعالیت‌های تولیدی کالا در سطح منطقه‌ای می‌پردازد. ت) تکنولوژی
 ۲) الف) نیازها ب) مستقیم پ) شاخه‌ای از مطالعات اقتصادی که با ارائه شاخص‌های گوناگون به بررسی و اندازه‌گیری فعالیت‌های اقتصادی در سطح ملی می‌پردازد. ت) سرمایه فیزیکی
 ۳) الف) نیازها ب) معکوس پ) شاخه‌ای از مطالعات اقتصادی که با ارائه شاخص‌های گوناگون به بررسی و اندازه‌گیری فعالیت‌های تولیدی کالا در سطح منطقه‌ای می‌پردازد. ت) تکنولوژی
 ۴) الف) امکانات ب) معکوس پ) شاخه‌ای از مطالعات اقتصادی که با ارائه شاخص‌های گوناگون به بررسی اندازه‌گیری فعالیت‌های اقتصادی در سطح ملی می‌پردازد. ت) سرمایه فیزیکی
 ۳۶۶. کدام گزینه به پرسش‌های زیر به درستی پاسخ داده است؟

- الف) عبارت «وقتی منابع و امکانات در دسترس را که قابلیت مصارف متعدد دارند، به مصرف خاصی می‌رسانیم، در واقع از مصارف دیگر آن و آثار و نتایجی که می‌توانست به بار آورد، صرف‌نظر کرده‌ایم.» به کدام مفهوم اشاره دارد؟
 ب) در منحنی روبه‌رو در چه صورتی حرکت از نقطه M به N ممکن خواهد شد؟
 پ) تفاوت درآمد و هزینه چه نامیده می‌شود؟
 ت) علی‌الاصول در ژاپن شرکت تولیدی زده است، درآمد او در کدام نوع تولید کل، محاسبه نمی‌شود؟



- ۱) الف) هزینه فرصت ب) افزایش قیمت پ) سود ت) تولید داخلی ژاپن
 ۲) الف) هزینه اجاره ب) افزایش قیمت پ) بهره ت) تولید ملی ایران
 ۳) الف) هزینه فرصت ب) کاهش قیمت پ) سود ت) تولید داخلی ایران
 ۴) الف) هزینه اجاره ب) کاهش قیمت پ) بهره ت) تولید ملی ژاپن

۳۶۷. کدام یک از عبارات زیر درست است؟

- (الف) سیب‌زمینی مصرفی در سالاد الویه خانگی، کالای واسطه‌ای و در کارخانه تولید سالاد الویه، کالای مصرفی است.
(ب) از انواع خدمات، می‌توان به مشاورهٔ املاک اشاره کرد.
(پ) انحصارگر «قیمت‌پذیر» و خریداران در بازار رقابتی «قیمت‌گذار» هستند.
(ت) نفت در کشور ما به دلایل قانونی انحصاری است.
(ث) از انگیزه‌های رفتار اقتصادی مصرف‌کننده، قیمت عوامل تولید است.
(ج) فزونی عرضه بر تقاضا همان، کمبود تقاضا است.

۱ الف - ب - پ ۲ ب - ت - ج ۳ ت - پ - ث ۴ ث - ج - الف

۳۶۸. کدام گزینه به پرسش‌های زیر به‌درستی پاسخ داده است؟

- (الف) تولیدکننده‌ای سالانه ۵۰۰۰ کالا به قیمت صد و بیست هزار ریال تولید می‌کند. هزینهٔ فرصت از دست رفتهٔ او ۲۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال و هزینه‌های مستقیم او ۱۸,۰۰۰,۰۰۰ ریال است. سود حسابداری او چقدر است؟
(ب) هدف تولیدکننده و مصرف‌کننده به‌ترتیب کدام است؟
(پ) در صورتی که میزان «تولید کل یک جامعه، در طی سه‌سال متوالی به‌ترتیب ۱۰۰۰، ۱۲۰۰ و ۱۳۰۰ میلیارد ریال باشد.» کدام عبارت درست است؟
(ت) نتیجهٔ منطقی این مطلب کدام است؟ «انسان با برآورده‌شدن پاره‌ای از نیازهایش، احساس بی‌نیازی نمی‌کند؛ بلکه نیازهای تازه‌ای در او شکل می‌گیرد و او با عطش بیشتری درصدد رفع نیازهای خود برمی‌آید.»

- ۱ الف) ۵۸۲ میلیون ریال (ب) کسب سود، رفع نیاز (پ) این افزایش واقعی نیست؛ زیرا ممکن است فقط به دلیل افزایش قیمت باشد. (ت) انسان‌ها موجوداتی سیری‌ناپذیرند.
۲ الف) ۵۴۷ میلیون ریال (ب) کسب سود، رفع نیاز (پ) این افزایش واقعی است؛ زیرا ناشی از افزایش تولید است. (ت) انسان‌های غیرمسلمان موجوداتی سیری‌ناپذیرند.
۳ الف) ۵۸۲ میلیون ریال (ب) رفع نیاز، کسب سود (پ) این افزایش واقعی است؛ زیرا ناشی از افزایش تولید است. (ت) انسان‌های غیرمسلمان موجوداتی سیری‌ناپذیرند.
۴ الف) ۵۴۷ میلیون ریال (ب) رفع نیاز، کسب سود (پ) این افزایش واقعی نیست؛ زیرا ممکن است ناشی از افزایش قیمت باشد. (ت) انسان‌ها موجوداتی سیری‌ناپذیرند.

۳۶۹. کدام گزینه به دو سؤال زیر به‌درستی پاسخ داده است؟

- (الف) گران‌شدن خانه قبل از عید نوروز، حاصل چه اتفاقی است؟
(ب) اگر قیمت کالای سرمایه‌ای ۲۶,۰۰۰,۰۰۰ تومان و عمر این کالا ۱۲ سال باشد؛ میزان هزینهٔ استهلاک در سال هفتم چقدر است؟
۱ الف) افزایش تقاضا (ب) ۲/۱۶ ۲ الف) افزایش عرضه (ب) ۲/۱۶
۳ الف) افزایش تقاضا (ب) ۲/۵۶ ۴ الف) افزایش عرضه (ب) ۲/۵۶

۳۷۰. کدام یک از عبارات درست و کدام یک نادرست است؟

- (الف) در بحث هزینهٔ فرصت، قیمت انتخاب دوم، برابر با هزینهٔ فرصت ما است.
(ب) انحصارگر طبیعی زمانی سودمند است که مشروط به مراقبت و قیمت‌گذاری صحیح دولت باشد.
(پ) شاخص‌های نشان‌دهندهٔ تولیدکل در جامعه برحسب واحد پول ملی سنجیده می‌شود و اگر جامعه دچار رکود باشد، هر سال رقم بزرگ‌تری را نشان می‌دهد.
۱ د - د - د ۲ ن - ن - ن ۳ ن - ن - ن ۴ د - د - ن

۳۷۱. در رابطه با تعاریف اقتصادی کدام عبارات درست است؟

- (الف) بازار: محل خاصی که در آن خرید و فروش انجام می‌شود.
(ب) علم اقتصاد: علم انتخاب و رابطهٔ بین منابع و عوامل تولید کمیاب و نیازهای نامحدود بشر است.
(پ) حیازت: به تولید رساندن منابع طبیعی با کار خود و استفاده از ابزار است.
(ت) استهلاک: بخشی از سرمایه‌های یک کشور که در فعالیت‌های تولیدی به‌کار گرفته می‌شوند و به مرور زمان فرسوده می‌شوند؛ در نتیجه نیاز به جایگزینی دارند.
۱ الف - ب ۲ ب - ت ۳ ب - ت ۴ پ - الف

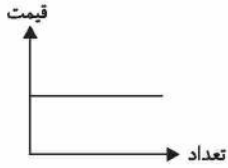
۳۷۲. هر یک عبارات زیر به کدام شرط از شروط فعالیت‌های مورد محاسبه در حسابداری ملی باز می‌گردد؟

- (الف) فردی که لوازم خانگی خود را تعمیر می‌کند، در حسابداری ملی محاسبه نمی‌شوند.
(ب) ارزش کالاها یک‌بار و به‌عنوان کالای نهایی محاسبه می‌شوند.
(پ) فعالیت‌های تولیدی زنان خانه‌دار در مزرعه در حسابداری ملی محاسبه می‌شود.
(ت) فعالیت دست‌فروشان در حسابداری ملی محاسبه نمی‌شود.
۱ الف) عبور از بازار (ب) قانونی‌بودن (پ) قانونی‌بودن (ت) قانونی‌بودن
۲ الف) منجر به تولید کالا و خدمات نهایی (ب) قانونی‌بودن (پ) عبور از بازار (ت) عبور از بازار
۳ الف) عبور از بازار (ب) منجر به تولید کالا و خدمات نهایی (پ) عبور از بازار (ت) قانونی‌بودن
۴ الف) منجر به تولید کالا و خدمات نهایی (ب) منجر به تولید کالا و خدمات نهایی (پ) قانونی‌بودن (ت) عبور از بازار

۳۷۳. کدام عبارات درست هستند؟

- (الف) در صورتی که چند واحد از ساختمان‌های اداری وزارت نفت نیاز به بازسازی داشته باشد، بازار رقابتی محلی مناسب برای این موضوع است.
(ب) برای محاسبهٔ GDP سبز باید هزینهٔ تخریب محیط‌زیست را از کل تولیدات کم کنیم.
(پ) سازمان‌های تولیدی شامل تعاونی، سهامی خاص، سهامی عام و خصوصی هستند.
(ت) رفتار اقتصادی تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان براساس مقدار عرضه و تقاضا هماهنگ می‌شوند.

۱ الف - ب ۲ ب - پ ۳ پ - ت ۴ ت - الف



۳۷۴. کدام گزینه به دو پرسش زیر به‌درستی پاسخ داده است؟

الف) از نمودار روبه‌رو چه نتیجه‌ای می‌توان گرفت؟

- ب) چگونه بدون افزایش تولید می‌توان سود تولیدکننده را افزایش داد؟
- ۱) الف) با افزایش قیمت، مقدار تقاضا تغییری نمی‌کند. ب) با کاستن از کیفیت کالا
- ۲) الف) با افزایش قیمت، مقدار تقاضا تغییری نمی‌کند. ب) با صرفه‌جویی و بازاریابی مناسب
- ۳) الف) با افزایش، مقدار قیمت تغییری نمی‌کند. ب) با صرفه‌جویی و بازاریابی مناسب
- ۴) الف) با افزایش، مقدار قیمت تغییری نمی‌کند. ب) با کاستن از کیفیت کالا

۳۷۵. کدام گزینه به پرسش‌های زیر به‌درستی پاسخ می‌دهد؟

الف) بهترین ملاک استفاده از منابع و امکانات چیست؟

ب) مفهوم آیه «ربنا آتنا فی الدنيا حسنة و فی الآخرة حسنة» در کدام گزینه آمده است؟

پ) درآمد ملی یک کشور در سال‌های ۸۴ و ۸۵ به ترتیب ۵۱۰۰، ۵۲۰۰ و جمعیت آن‌ها ۶۰ و ۶۵ میلیون نفر بوده، کمترین میزان رفاه افراد در کدام سال بوده است؟

- ۱) الف) کسب میزان رفاه بیشتر ب) توجه به دنیا در کنار آخرت پ) ۸۴
- ۲) الف) تثبیت قیمت‌ها به نفع مردم ب) توجه به دنیا در کنار آخرت پ) ۸۵
- ۳) الف) تثبیت قیمت‌ها به نفع مردم ب) بی‌نهایت‌بودن نیازهای انسان پ) ۸۴
- ۴) الف) کسب میزان رفاه بیشتر ب) بی‌نهایت‌بودن نیازهای انسان پ) ۸۵

۳۷۶. کدام یک از عبارات‌های زیر نادرست هستند؟

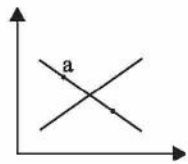
الف) بازار ماشین در آلمان نمونه‌ای از بازار رقابتی است.

ب) هزینه استهلاک از سود خالص کم می‌شود.

پ) ورقه‌های خریداری‌شده توسط کارخانه اتومبیل‌سازی کالای نهایی است.

ت) در صورت استفاده از قیمت‌های سال پایه، اثر تورم بر افزایش قیمت‌ها از بین می‌رود.

- ۱) الف - ب - پ ۲) ت - پ ۳) ب - پ ۴) الف - ت



۳۷۷. کدام گزینه در پاسخ سؤال‌های زیر به‌درستی آمده است؟

الف) کدام مورد در رابطه با مفهوم درآمد ملی صحیح است؟

ب) در نمودار روبه‌رو نقطه A چه وضعیتی دارد؟

پ) منظور از این که منابع قابلیت مصارف متعدد دارند، چیست؟

۱) الف) تمامی درآمد مردم اهل یک کشور ب) کمبود عرضه پ) به لحاظ منابع در علم اقتصاد محدودیت وجود ندارد.

- ۲) الف) تمامی درآمدهای مردم اهل یک کشور ب) کمبود تقاضا پ) قابلیت مصرف یک منبع برای چند هدف
- ۳) الف) تمامی درآمدهای مردم درون یک کشور ب) مازاد عرضه پ) قابلیت مصرف یک منبع برای چند هدف
- ۴) الف) تمامی درآمدهای مردم درون یک کشور ب) بازار تقاضا پ) به لحاظ منابع در علم اقتصاد

۳۷۸. کدام یک از عبارات‌های زیر درست و کدام یک نادرست است؟

الف) رفع نیاز گرسنگی به وسیله مصرف مواد غذایی، مثالی از خدمات است.

ب) در بازار انحصار خرید، تعداد خریداران زیاد است.

پ) با اطمینان می‌توان گفت، افزایش تولید کل ناشی از افزایش تولید است.

- ۱) ن - د - ن ۲) د - د - ن ۳) د - ن - د ۴) ن - ن - د

۳۷۹. کدام گزینه به دو سؤال زیر به‌درستی پاسخ داده است؟

الف) کدام یک از شروط محاسبه فعالیت در حسابداری ملی نیست؟

ب) عبارت «با برطرف‌شدن پاره‌ای از نیازهای انسان، او احساس بی‌نیازی می‌کند.» درست است؟

- ۱) الف) دارای استهلاک تولیدی نباشد. ب) بله
- ۲) الف) قانونی و مجاز باشد. ب) بله
- ۳) الف) قانونی و مجاز باشد. ب) خیر
- ۴) الف) دارای استهلاک تولیدی نباشد. ب) خیر

پاسخنامه

انحصار جامع

افزایش مصرف، قیمت تغییر نمی‌کند و در واقع شیب که کمترین حالت خود را دارد، مصرف رو به افزایش است.

۲۲۶. **گزینه ۴** نمودار شیب کمی دارد و این بدین معنا است که کشش قیمتی کالا زیاد است و می‌توان از سود آن استفاده کرد. (صفحه ۳۲ کتاب درسی)

۲۲۷. **گزینه ۲** بررسی عبارات نادرست: «الف»: از نقطه b به a حرکت می‌شود و این حرکت به علت زیادبودن قیمت است. / «ب»: نقطه c بر روی منحنی تقاضا است و اصلاً ربطی به فروش ندارد. (ترکیبی کل فصل)

۲۲۸. **گزینه ۱** α باید کمتر از قیمت تعادلی باشد، نه بیشتر؛ چون اگر بیشتر باشد یعنی باید عرضه بیشتر از تقاضا باشد، نه کمتر. β هم در قیمت بالاتر از قیمت تعادلی واقع شده است؛ پس باید تقاضا کمتر از عرضه باشد. Δ هم در نقطه تعادلی واقع شده است؛ در نتیجه باید برابر با تقاضای تعادلی باشد. (صفحه ۳۵)

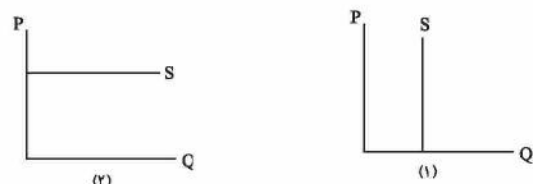
۲۲۹. **گزینه ۲** «الف»: دست‌های نامرئی موجب میل به قیمت تعادلی و برابری عرضه و تقاضا می‌شود. / «ب»: انحصارگر طبیعی و قانونی مشروط به مواظبت از منافع مردم و مقررات‌گذاری صحیح دولت می‌تواند مفید باشد. (ترکیبی کل فصل)

۲۳۰. **گزینه ۲** بررسی عبارات نادرست: «الف»: کاهش درآمد = کاهش قدرت خرید = کاهش مصرف = کاهش قیمت / «ب»: در منحنی عرضه یا به سمت چپ و بالا یا به سمت راست و پایین حرکت می‌کند. (ترکیبی کل فصل)

۲۲۳. **گزینه ۲** «الف»: از آنجایی که انسان‌ها توانایی‌هایشان با یکدیگر متفاوت است، به‌تنهایی قادر به رفع نیازهای خود نیستند. / «ب»: «عوامل مؤثر بر خرید کالا»: قیمت کالا، قیمت سایر کالاها، سلیقه و درآمد / «پ»: شیب منحنی تقاضا و عرضه، نشان از تأثیر قیمت دارد. (ترکیبی کل فصل)

۲۲۴. **گزینه ۴** «الف»: شیب منحنی در عرضه صعودی است؛ یعنی با افزایش قیمت، تولید کالا افزایش می‌یابد. / «ب»: شیب منحنی تقاضا نشان از حساسیت مصرف‌کننده نسبت به قیمت کالا است و هرچه این شیب بیشتر باشد، مصرف‌کننده تأثیر کمتری از قیمت می‌پذیرد. / «ت»: کشش قیمتی کالای تجملی کم و کالای ضروری زیاد است. (ترکیبی کل فصل)

۲۲۵. **گزینه ۴** هرچه شیب منحنی بیشتر باشد، مصرف‌کننده تأثیر کمتری از قیمت می‌پذیرد. به‌عنوان مثال دو شکل زیر را در نظر بگیرید:



در اولی شیب بی‌نهایت است؛ اما می‌بینیم که هرچه قیمت تغییر می‌کند، مصرف تغییر نمی‌کند و در دومی برعکس است؛ شیب صفر است اما با

۲۳۱. **گزینه ۴** ابتدا ارزش مجموع هریک از کالای تولیدشده را محاسبه می‌کنیم:

- ریال $2,000,000 = 1000 \times 2000 =$ قیمت هر کالا \times تعداد کالای A = ارزش مجموع کالاهای A
 - ریال $100,000 = 1000 \times 100 =$ قیمت هر کیلو \times تعداد کالای B = ارزش مجموع کالاهای B
 - ریال $5,000,000 = 200 \times 2500 =$ قیمت هر دستگاه \times تعداد کالای C = ارزش مجموع کالاهای C
- ریال $7,000,000 = 2,000,000 + 100,000 + 5,000,000 =$ تولید ناخالص داخلی

در این سؤال، ابتدا تولید ناخالص داخلی و سپس تولید خالص داخلی مورد پرسش قرار گرفته است.

مجموع ارزش تولیدات داخل کشور = تولید ناخالص داخلی

ارزش مجموع کالاهای C + ارزش مجموع کالاهای B + ارزش مجموع کالاهای A = تولید ناخالص داخلی

ریال $7,100,000 = 2,000,000 + 100,000 + 5,000,000 =$ تولید ناخالص داخلی

عدد به‌دست‌آمده در گزینه‌های «۱» و «۴» ذکر شده است؛ بنابراین گزینه‌های «۲» و «۳» را حذف می‌کنیم. حالا می‌خواهیم ببینیم که آیا بدون محاسبه تولید خالص داخلی می‌توانیم به پاسخ درست برسیم؟ شما می‌دانید که برای به‌دست‌آوردن تولید خالص داخلی باید هزینه استهلاک را از تولید ناخالص داخلی کم کنید؛ پس میزان تولید خالص داخلی همیشه کمتر از میزان تولید ناخالص داخلی است. از بین گزینه‌های «۱» و «۴»، قسمت دوم پاسخ (تولید خالص داخلی) فقط در گزینه «۴» کمتر از قسمت اول (تولید ناخالص داخلی) هست؛ بنابراین می‌گوییم گزینه «۴» پاسخ درست است. با این روش سریع‌تر به پاسخ درست می‌رسید؛ اما اگر بخواهیم تولید خالص داخلی را محاسبه کنیم، خواهیم داشت:

ریال $6,900,000 = 7,100,000 - 200,000 =$ هزینه استهلاک - تولید ناخالص داخلی = تولید خالص داخلی (صفحه ۴۲ - ۴۳ کتاب درسی)

۲۳۲. **گزینه ۲** برای محاسبه تولید خالص داخلی، باید تولید ناخالص داخلی را داشته باشیم؛ پس ابتدا بخش «ب»؛ یعنی تولید ناخالص داخلی را محاسبه می‌کنیم: ارزش خدمات ارائه شده + ارزش مواد غذایی + ارزش پوشاک + ارزش ماشین‌آلات = تولید ناخالص داخلی

ریال $3,195,000,000 = (250,000,000 \times \frac{1}{5}) + 250,000,000 + 95,000,000 + 2,800,000,000 =$ تولید ناخالص داخلی

اگر در این مرحله به گزینه‌ها نگاه کنید، متوجه می‌شوید که قسمت دوم پاسخ‌ها (تولید ناخالص داخلی) تنها در گزینه «۲» برابر با عددی است که در بالا محاسبه کردیم؛ پس در همین مرحله توانستیم پاسخ درست را مشخص کنیم و دیگر نیازی به ادامه محاسبه نیست؛ اما همیشه به یاد داشته باشید

که برای محاسبه تولید خالص داخلی باید استهلاک را از تولید ناخالص داخلی کم کنیم. $700,000,000 = \frac{1}{5} \times 2,800,000,000 =$ هزینه استهلاک

ریال $2,495,000,000 = 3,195,000,000 - 700,000,000 =$ هزینه استهلاک - تولید ناخالص داخلی = تولید خالص داخلی (صفحه ۴۲ - ۴۳ کتاب درسی)

۲۳۳. **گزینه ۲** در این تست ابتدا تولید ناخالص داخلی و سپس تولید خالص داخلی مورد پرسش قرار گرفته است.

مجموع ارزش تولیدات داخل کشور = تولید ناخالص داخلی

ارزش خدمات ارائه شده + ارزش پوشاک + ارزش ماشین‌آلات + ارزش مواد غذایی = تولید ناخالص داخلی

ریال $395,000,000 = 100,000,000 + (7,000 + 5,000) + (250 \times 1,000,000) + (50 \times 200,000) =$ تولید ناخالص داخلی

ریال $394,000,000 = 395,000,000 - 1,000,000 =$ تولید خالص داخلی (صفحه ۴۲ - ۴۳ کتاب درسی)

مجموع ارزش تولیدات داخل کشور = تولید ناخالص داخلی

۲۳۴. **گزینه ۴** ابتدا به بخش «الف» پاسخ می‌دهیم:

ارزش خدمات ارائه شده + ارزش مواد غذایی + ارزش پوشاک + ارزش ماشین‌آلات = تولید ناخالص داخلی

ریال $2,775,000,000 = (150,000,000 \times \frac{1}{3}) + 150,000,000 + 75,000,000 + 2,500,000,000 =$ تولید ناخالص داخلی



تنها قسمت اول گزینه «۴» برابر با عددی است که در بالا محاسبه کردیم؛ بنابراین در همین مرحله می‌توانیم پاسخ درست را مشخص کنیم. اما اگر بخواهیم تولید خالص داخلی را محاسبه کنیم، باید هزینه استهلاک را از تولید ناخالص داخلی کم کنیم.

هزینه استهلاک - تولید ناخالص داخلی = تولید خالص داخلی

$$2,675,000,000 - (2,500,000,000 \times \frac{1}{25}) = 2,675,000,000 - 100,000,000 = 2,575,000,000$$

۲۳۵. گزینه «۲» برای محاسبه تولید خالص داخلی، باید تولید ناخالص داخلی را داشته باشیم؛ پس ابتدا بخش «ب» یعنی تولید ناخالص داخلی را محاسبه می‌کنیم:

ارزش خدمات ارائه شده + ارزش مواد غذایی + ارزش پوشاک + ارزش ماشین آلات = تولید ناخالص داخلی

$$3,200,000,000 + 80,000,000 + 350,000,000 + (80,000,000 \times \frac{1}{4}) = 3,650,000,000$$

عددی را که به دست آوردیم، تولید ناخالص داخلی است که با قسمت دوم گزینه‌های «۱» و «۳» برابر است. شما می‌دانید که میزان تولید خالص داخلی همیشه کمتر از میزان تولید ناخالص داخلی است. اگر به گزینه‌های «۱» و «۳» نگاه کنیم، می‌بینیم که قسمت اول پاسخ‌ها (تولید خالص داخلی) در هر دو گزینه کمتر از قسمت دوم است؛ بنابراین در این سؤال باید تولید خالص داخلی را به روش زیر محاسبه کنیم تا پاسخ صحیح را بیابیم:

$$3,650,000,000 - (3,200,000,000 \times \frac{1}{6}) = 3,450,000,000$$

۲۳۶. گزینه «۴» برای محاسبه تولید خالص داخلی، باید تولید ناخالص داخلی را داشته باشیم؛ پس ابتدا بخش «ب» یعنی تولید ناخالص داخلی را محاسبه می‌کنیم:

ارزش خدمات ارائه شده + ارزش مواد غذایی + ارزش پوشاک + ارزش ماشین آلات = تولید ناخالص داخلی

$$3,600,000,000 + 81,000,000 + 180,000,000 + (81,000,000 \times \frac{1}{9}) = 3,870,000,000$$

عدد به دست آمده، تولید ناخالص داخلی است که با قسمت دوم گزینه‌های «۲» و «۴» برابر است. با مشاهده گزینه‌ها متوجه می‌شویم که بدون محاسبه تولید خالص داخلی، نمی‌توانیم پاسخ درست را از بین این دو گزینه مشخص کنیم؛ بنابراین تولید خالص داخلی را به روش زیر محاسبه می‌کنیم:

$$3,870,000,000 - (3,600,000,000 \times \frac{1}{18}) = 3,670,000,000$$

۲۳۷. گزینه «۴» برای پاسخ به این سؤال ابتدا ارزش تولیدات و خدمات داخل کشور را محاسبه می‌کنیم:

$$\text{ریال} = 250,000,000,000 \times 500 = 125,000,000,000$$

$$\text{ریال} = 7,500,000,000 \times 1500 = 11,250,000,000$$

$$\text{ریال} = 15,000,000,000 \times 500 = 7,500,000,000$$

$$\text{ریال} = 5,000,000,000 \times \frac{2}{3} = 3,333,333,333$$

در این مرحله تولید ناخالص داخلی را محاسبه می‌کنیم:

ارزش خدمات ارائه شده + ارزش مواد غذایی + ارزش پوشاک + ارزش ماشین آلات = تولید ناخالص داخلی

$$125,000,000,000 + 11,250,000,000 + 7,500,000,000 + 3,333,333,333 = 146,083,333,333$$

با مشاهده گزینه‌ها خواهیم دید که عدد به دست آمده در گزینه‌های «۳» و «۴» ذکر شده است؛ بنابراین گزینه‌های «۱» و «۲» را حذف می‌کنیم. در این مرحله باید تولید خالص داخلی را محاسبه کنیم:

$$146,083,333,333 - (125,000,000,000 \times \frac{1}{25}) = 141,083,333,333$$

$$\text{تولید خالص داخلی} = 141,083,333,333$$

عدد به دست آمده با میزان تولید خالص داخلی در گزینه «۴» برابر است؛ بنابراین در همین مرحله به پاسخ درست دست یافتیم و دیگر نیازی به محاسبه بخش «ب» نیست، برای محاسبه تولید خالص داخلی سرانه باید تولید خالص داخلی برابر جمعیت تقسیم کنیم: $\frac{141,083,333,333}{50,000,000} = 2821.666666$

(صفحه ۴۲ - ۴۳ - کتاب درسی)

۲۳۸. گزینه «۴» برای محاسبه تولید خالص داخلی باید تولید ناخالص داخلی را داشته باشیم؛ بنابراین ابتدا به قسمت «پ» پاسخ می‌دهیم. برای پاسخ به این بخش باید ارزش تولیدات داخل کشور را محاسبه کنیم:

$$\text{ریال} = 250,000,000,000 \times 100 = 25,000,000,000,000$$

$$\text{ریال} = 7,500,000,000 \times 100 = 750,000,000,000$$

$$\text{ریال} = 15,000,000,000 \times 60 = 900,000,000,000$$

$$\text{ریال} = 9,000,000,000 \times \frac{3}{5} = 5,400,000,000,000$$

در این مرحله تولید ناخالص داخلی را محاسبه می‌کنیم:

ارزش خدمات ارائه شده + ارزش مواد غذایی + ارزش پوشاک + ارزش ماشین آلات = تولید ناخالص داخلی

$$25,000,000,000,000 + 750,000,000,000 + 900,000,000,000 + 5,400,000,000,000 = 31,050,000,000,000$$

عدد به دست آمده با بخش «پ» در گزینه‌های «۲» و «۴» برابر است؛ بنابراین گزینه‌های «۱» و «۳» را حذف می‌کنیم. در این مرحله باید تولید خالص داخلی را محاسبه کنیم:

$$31,050,000,000,000 - (7,500,000,000 \times \frac{2}{3}) = 31,049,000,000,000$$

$$\text{ریال} = 31,049,000,000,000$$

عدد به دست آمده با میزان تولید خالص داخلی در گزینه «۴» برابر است؛ بنابراین در همین مرحله به پاسخ درست دست یافتیم و دیگر نیازی به محاسبه بخش «ب» نیست؛ اما اگر بخواهیم تولید خالص داخلی سرانه را محاسبه کنیم، خواهیم داشت:

$$\text{ریال } ۵۵۳۰ = \frac{\text{تولید خالص داخلی}}{\text{جمعیت کل}} = \frac{۲۷۶,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰}{۵۰,۰۰۰,۰۰۰}$$

(صفحه ۴۲ - ۴۳ - ۴۶ کتاب درسی)

۲۳۹. گزینه ۲ ابتدا قسمت «الف» را پاسخ می‌دهیم. برای این کار باید ارزش تولیدات و خدمات داخل کشور را محاسبه کنیم:

$$\text{ریال } ۱,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰ = ۱۰۰ \times ۱۵,۰۰۰,۰۰۰ = \text{قیمت هر دستگاه} \times \text{تعداد دستگاهها} = \text{ارزش ماشین آلات}$$

$$\text{ریال } ۳۰,۰۰۰,۰۰۰ = ۲۰ \times ۱۵۰,۰۰۰ = \text{قیمت هر پوشاک} \times \text{تعداد پوشاک} = \text{ارزش پوشاک}$$

$$\text{ریال } ۲,۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰ = ۱۰۰ \times ۲۴,۰۰۰,۰۰۰ = \text{قیمت هر تن مواد غذایی} \times \text{میزان مواد غذایی} = \text{ارزش مواد غذایی}$$

$$\text{ریال } ۱۲۰,۰۰۰,۰۰۰ = ۲,۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰ \times \frac{۱}{۲} = \text{ارزش مواد غذایی} = \text{ارزش خدمات}$$

در این مرحله تولید ناخالص داخلی را محاسبه می‌کنیم:

$$\text{ارزش خدمات ارائه شده} + \text{ارزش مواد غذایی} + \text{ارزش پوشاک} + \text{ارزش ماشین آلات} = \text{تولید ناخالص داخلی}$$

$$۱,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰ + ۳۰,۰۰۰,۰۰۰ + ۲,۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰ + ۱۲۰,۰۰۰,۰۰۰ = ۴,۰۵۰,۰۰۰,۰۰۰$$

تا این مرحله پاسخ «الف» در گزینه‌های ۱ و ۲ درست است. حالا تولید خالص داخلی را محاسبه می‌کنیم:

$$۲,۲۵۰,۰۰۰,۰۰۰ = (۲,۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰ \times \frac{۳}{۴}) - \text{هزینه استهلاک} = \text{تولید ناخالص داخلی} - \text{تولید خالص داخلی}$$

با مشاهده گزینه‌های «۱» و «۲» خواهیم دید که عدد به دست آمده با بخش «ب» در گزینه «۲» برابر است؛ بنابراین در همین مرحله به پاسخ درست رسیدیم و نیازی به محاسبه بخش «پ» نیست.

اما اگر بخواهیم تولید خالص سرانه را محاسبه کنیم، باید تولید خالص داخلی را بر تعداد جمعیت تقسیم کنیم:

$$۵ = \frac{\text{تولید خالص داخلی}}{\text{جمعیت کل}} = \frac{۲,۲۵۰,۰۰۰,۰۰۰}{۴۵۰,۰۰۰,۰۰۰}$$

(صفحه ۴۲ - ۴۳ - ۴۶ کتاب درسی)

۲۴۰. گزینه ۱ در صورت تست می‌بینید که بین تولید داخلی و ملی تفکیک قائل شده است؛ پس ابتدا باید تولیدات ملی و داخلی را از هم تفکیک کنیم.

فراموش نکنید که هر کجا نمی‌توان تعیین کرد که تولیدی ملی است یا داخلی، آن را در هر دو بخش می‌نویسیم.

تولید داخلی	تولید ناخالص ملی
ارزش اقلام مواد غذایی و ماشین‌آلات و پوشاک: ۱۸۵	ارزش اقلام مواد غذایی و ماشین‌آلات و پوشاک: ۱۸۵
ارزش خدمات ارائه شده $۲۰ = ۳ \times \frac{۲}{۳}$	ارزش خدمات ارائه شده $۲۰ = ۳ \times \frac{۲}{۳}$
ارزش تولید خارجیان مقیم کشور: ۳۰	ارزش تولید مردم مقیم کشور در خارج: ۸۵
$۳۰ + ۲۰ + ۱۸۵ = ۲۳۵$	$۸۵ + ۲۰ + ۱۸۵ = ۲۹۰$

تولیدات ناخالص داخلی و ملی به دست آمد. اکنون با توجه به صورت سؤال تولید خالص داخلی و ملی را به دست می‌آوریم:

$$\text{تولید خالص داخلی: } ۲۳۵ - (\frac{۱}{۵} \times ۸۵) = ۲۱۸$$

$$\text{تولید خالص ملی: } ۲۹۰ - (\frac{۱}{۵} \times ۸۵) = ۲۷۳$$

$$\frac{۲۱۸,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰}{۸۵,۰۰۰,۰۰۰} = ۲۵۶۴/۷$$

(صفحه ۴۲ - ۴۳ - ۴۶ کتاب درسی)

در نهایت تولید خالص داخلی سرانه را به دست می‌آوریم:

۲۴۱. گزینه ۱ در این سؤال نیز مانند سؤال قبل بین تولید داخلی و ملی تفکیک قائل شده است؛ پس ابتدا باید تولیدات ملی و داخلی را از هم تفکیک کنیم.

(نکته مهم سؤال قبل را فراموش نکنید.)

موارد مربوط به تولید ناخالص داخلی	موارد مربوط به تولید ناخالص ملی
ارزش اقلام پوشاک و ماشین‌آلات و مواد غذایی: ۱۶۵	ارزش اقلام پوشاک و ماشین‌آلات و مواد غذایی: ۱۶۵
ارزش خدمات ارائه شده $۲۰ = ۳ \times \frac{۲}{۳}$	ارزش خدمات ارائه شده $۲۰ = ۳ \times \frac{۲}{۳}$
ارزش تولید خارجیان مقیم کشور: ۳۰	ارزش تولید مردم مقیم کشور در خارج: ۸۵
$۱۶۵ + ۲۰ + ۳۰ = ۲۱۵$	$۱۶۵ + ۲۰ + ۸۵ = ۲۷۰$

تولیدات ناخالص داخلی و ملی به دست آمد. اکنون با توجه به صورت سؤال، تولید خالص ملی را به دست می‌آوریم:

$$۲۵۳ = ۲۷۰ - (\frac{۱}{۵} \times ۸۵) = \text{تولید خالص ملی}$$

$$\frac{۲۵۳,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰}{۱۱۰,۰۰۰,۰۰۰} = ۲۳۰۰$$

(صفحه ۴۲ - ۴۳ - ۴۶ کتاب درسی)

در نهایت تولید خالص ملی سرانه را به دست می‌آوریم:

۲۴۲. گزینه ۲ در این سؤال نیز مانند سؤال قبل بین تولید داخلی و ملی تفکیک قائل شده است؛ پس ابتدا باید تولیدات ملی و داخلی را از هم تفکیک کنیم. نکته مهم: فراموش نکنید که هر کجا نمی‌توان تعیین کرد که تولیدی ملی است یا داخلی، آن را در هر دو بخش می‌نویسیم.

موارد مربوط به تولید ناخالص ملی	موارد مربوط به تولید ناخالص داخلی
ارزش اقلام مواد غذایی و ماشین‌آلات و پوشاک: ۱۶۵	ارزش اقلام مواد غذایی و ماشین‌آلات و پوشاک: ۱۶۵
ارزش خدمات ارائه شده $\frac{3}{5} \times 65 = 39$	ارزش خدمات ارائه شده $\frac{3}{5} \times 65 = 39$
ارزش تولید مردم مقیم کشور در خارج ۶۵	ارزش تولید خارجیان مقیم کشور ۱۵
$165 + 39 + 65 = 269$	$165 + 39 + 15 = 219$

یادتان باشد همین‌طور که بخشی از مسئله را حل می‌کنید، به گزینه‌ها نگاه کنید و گزینه‌های غلط را حذف کنید. قسمت «پ» تولید ناخالص داخلی را خواسته است که تاکنون به‌دست آورده‌ایم: «۲۱۹»؛ پس گزینه‌های «۳» و «۴» غلط هستند. اکنون با توجه به صورت سؤال، تولید خالص ملی را به‌دست می‌آوریم:

$$259 = 269 - \left(\frac{2}{3} \times 15\right) = 269 - 10 = 259$$

مسائل بیشتر شود. تولید خالص داخلی:

$$\frac{209,000,000,000}{65,000,000} \approx 3215$$

در نهایت تولید خالص داخلی سرانه را به‌دست می‌آوریم:

(صفحه ۴۲ - ۴۳ - ۴۶ کتاب درسی)

۲۴۳. گزینه ۴ برای پاسخ‌دادن به این سؤال در مرحله اول، موارد مربوط به تولیدات داخلی و تولیدات ملی را مشخص می‌کنیم:

موارد مربوط به تولید ملی	موارد مربوط به تولید داخلی
ارزش پوشاک، مواد غذایی و ماشین‌آلات: ۱۴۵	ارزش پوشاک، مواد غذایی و ماشین‌آلات: ۱۴۵
خدمات ارائه شده $\frac{2}{3} \times 18 = 12$	خدمات ارائه شده: $\frac{2}{3} \times 18 = 12$
تولید مردم کشور که در خارج مقیم هستند: ۲۰	تولید خارجیان مقیم کشور: ۱۸

دقت داشته باشید که ارزش پوشاک، مواد غذایی و ماشین‌آلات را که در صورت سؤال ارائه شده است، در محاسبات از قلم نیندازید. ابتدا قسمت «الف» سؤال، یعنی تولید ناخالص داخلی را محاسبه می‌کنیم:

تولید خارجیان مقیم کشور + خدمات + ارزش مواد غذایی، پوشاک و ماشین‌آلات = تولید ناخالص داخلی

$$\text{ریال } 175,000,000,000 = 145,000,000,000 + (18,000,000,000 \times \frac{2}{3}) + 18,000,000,000$$

عدد به‌دست‌آمده با میزان تولید ناخالص داخلی در گزینه‌های «۳» و «۴» برابر است؛ بنابراین گزینه‌های «۱» و «۲» را حذف می‌کنیم. در این مرحله تولید ناخالص ملی را محاسبه می‌کنیم:

تولید مردم کشور که در خارج مقیم هستند + خدمات + ارزش مواد غذایی، پوشاک و ماشین‌آلات = تولید ناخالص ملی

$$\text{ریال } 177,000,000,000 = 145,000,000,000 + (18,000,000,000 \times \frac{2}{3}) + 20,000,000,000$$

در این مرحله تولید خالص ملی را محاسبه می‌کنیم:

$$165,000,000,000 = 177,000,000,000 - 12,000,000,000 = \text{تولید خالص ملی}$$

عدد به‌دست‌آمده با تولید خالص ملی در گزینه «۴» برابر است؛ بنابراین در همین مرحله به پاسخ درست رسیدیم و نیازی به ادامه محاسبه نیست. لازم به ذکر است که برخی اعداد در این تست کنکور غلط طراحی شده بود و ما در این کتاب آن را اصلاح کردیم. (صفحه ۴۲ - ۴۳ - ۴۶ کتاب درسی)

۲۴۴. گزینه ۲ ابتدا جدول را تبدیل به صلیب مقایسه‌ای کنید.

موارد مربوط به تولید ناخالص ملی	موارد مربوط به تولید ناخالص داخلی
ارزش اقلام مواد غذایی و ماشین‌آلات و پوشاک: ۱۴۵	ارزش اقلام مواد غذایی و ماشین‌آلات و پوشاک: ۱۴۵
ارزش خدمات ارائه شده: $\frac{2}{3} \times 45 = 30$	ارزش خدمات ارائه شده: $\frac{2}{3} \times 45 = 30$
ارزش تولید مردم مقیم کشور در خارج ۴۵	ارزش تولید خارجیان مقیم کشور: ۲۵
$145 + 30 + 45 = 220$	$145 + 30 + 25 = 200$

پاسخ سؤال در همین بخش مشخص شد: گزینه «۳» اما برای یادگیری ادامه می‌دهیم: تولید خالص ملی: $220 - \left(\frac{3}{5} \times 25\right) = 205$

$$200 - \left(\frac{3}{5} \times 25\right) = 185 = \text{تولید خالص داخلی}$$

$$\frac{185,000,000,000}{50,000,000} = 3700 \rightarrow 3,7$$

(صفحه ۴۲ - ۴۳ - ۴۶ کتاب درسی)

در نهایت تولید خالص داخلی سرانه را به‌دست می‌آوریم:

۲۴۵. گزینه ۲ برای پاسخ دادن به این سؤال، در مرحله اول، موارد مربوط به تولیدات داخلی و تولیدات ملی را مشخص می کنیم:

موارد مربوط به تولید داخلی	موارد مربوط به تولید ملی
ارزش پوشاک، مواد غذایی و ماشین آلات: ۱۵۰	ارزش پوشاک، مواد غذایی و ماشین آلات: ۱۵۰
خدمات ارائه شده: ۱۸	خدمات ارائه شده: ۱۸
تولید مردم کشور در داخل: ۲۴	تولید مردم کشور در داخل: ۲۴
-	تولید مردم کشور که در خارج مقیم هستند: ۲۷

بررسی سایر گزینه ها: ابتدا قسمت «الف» سؤال، یعنی تولید ناخالص داخلی را محاسبه می کنیم:

تولید مردم کشور در داخل + خدمات + ارزش مواد غذایی، پوشاک و ماشین آلات = تولید ناخالص داخلی

$$\text{ریال } ۱۹۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ = ۲۴,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ + \left(\frac{۲}{۳}\right) \times (۲۷,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) + ۱۵۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰$$

عدد به دست آمده با میزان تولید ناخالص داخلی در گزینه های «۱» و «۳» برابر است؛ بنابراین گزینه های «۲» و «۴» را حذف می کنیم.

برای محاسبه تولید خالص ملی، ابتدا باید تولید ناخالص ملی را به دست آوریم:

تولید مردم کشور مقیم خارج + تولید مردم کشور در داخل + خدمات + ارزش مواد غذایی، پوشاک و ماشین آلات = تولید ناخالص ملی

$$\text{ریال } ۲۱۹,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ = ۲۷,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ + ۲۴,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ + \left(\frac{۲}{۳}\right) \times (۲۷,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) + ۱۵۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰$$

در این مرحله تولید خالص ملی را محاسبه می کنیم:

$$\text{ریال } ۲۱۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ = ۲۱۹,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ - ۸,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰$$

عدد به دست آمده با تولید خالص ملی در گزینه «۳» برابر است؛ بنابراین در همین مرحله به پاسخ درست رسیدیم و نیازی به ادامه محاسبه نیست.

(صفحه ۴۲ - ۴۳ - ۴۶ کتاب درسی)

۲۴۶. گزینه ۲ ابتدا ارزش خدمات ارائه شده را محاسبه می کنیم. با محاسبه تولید خالص داخلی سرانه، گزینه درست مشخص می شود.

$$\text{میلیارد ریال } ۲۰ = \frac{۲}{۳} \times ۳۰ = \left(\frac{۲}{۳}\right) \times (\text{ارزش تولید خارجیان مقیم کشور}) = \text{ارزش خدمات ارائه شده}$$

ارزش ماشین آلات + ارزش مواد غذایی + ارزش پوشاک = تولید ناخالص داخلی

$$\text{میلیارد ریال } ۲۳۵ = ۱۸۵ + ۲۰ + ۳۰ = \text{تولید ناخالص داخلی}$$

$$\text{میلیارد ریال } ۱۷ = \frac{۱}{۵} \times ۸۵ = \text{هزینه استهلاك}$$

هزینه استهلاك - تولید ناخالص داخلی = تولید خالص داخلی

$$\text{میلیارد ریال } ۲۱۸ = \frac{\text{تولید خالص داخلی}}{\text{جمعیت کشور}} = \frac{۲۱۸}{۸۵}$$

تولید خارجیان مقیم کشور - تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند + تولید خالص داخلی = تولید خالص ملی

$$\text{میلیارد ریال } ۲۷۳ = ۲۱۸ - ۳۰ + ۸۵ = \text{تولید خالص ملی}$$

(صفحه ۴۲ - ۴۳ - ۴۶ کتاب درسی)

۲۴۷. گزینه ۲ برای پاسخ دادن به این سؤال در مرحله اول، موارد مربوط به تولیدات داخلی و تولیدات ملی را مشخص می کنیم:

موارد مربوط به تولید داخلی	موارد مربوط به تولید ملی
کالای ب (تولید ایرانیان در داخل)	کالای ب (تولید ایرانیان در داخل)
کالای پاسخ: گزینه (تولید خارجیان مقیم ایران)	کالای الف (تولید ایرانیان در خارج)

$$\text{ریال } ۱۵,۰۰۰,۰۰۰ = ۱۰۰۰ \times ۱۵۰۰ = \text{ارزش کالای ب}$$

$$\text{ریال } ۱۲,۰۰۰,۰۰۰ = ۱۰۰۰ \times ۱۲۰۰۰ = \text{ارزش کالای الف}$$

$$\text{ریال } ۱۷۰,۰۰۰ = \text{ارزش استهلاك}$$

$$\text{ریال } ۸,۵۰۰,۰۰۰ = ۵۰۰ \times ۱۷۰۰ = \text{ارزش کالای پ}$$

تولید ناخالص داخلی را محاسبه می کنیم: $\text{ریال } ۲۳,۵۰۰,۰۰۰ = ۱۵,۰۰۰,۰۰۰ + ۸,۵۰۰,۰۰۰ = \text{ارزش کالای پ} + \text{ارزش کالای ب} = \text{تولید ناخالص داخلی}$

عدد به دست آمده با میزان تولید ناخالص داخلی در گزینه های «۲» و «۳» برابر است؛ بنابراین گزینه های «۱» و «۴» را حذف می کنیم.

در این مرحله تولید خالص ملی را محاسبه می کنیم:

$$\text{ریال } ۲۶,۸۳۰,۰۰۰ = ۱۷۰,۰۰۰ - (۱۵,۰۰۰,۰۰۰ + ۱۲,۰۰۰,۰۰۰) = \text{هزینه استهلاك} - (\text{ارزش کالای ب} + \text{ارزش کالای الف}) = \text{تولید خالص ملی}$$

عدد به دست آمده با تولید خالص ملی در گزینه «۳» برابر است و در این مرحله به پاسخ درست رسیدیم و نیازی به ادامه محاسبه نیست.

(صفحه ۴۲ - ۴۳ - ۴۶ کتاب درسی)

۲۴۸. گزینه ۱ این سؤال برای اولین بار در کنکور سراسری ۹۳ و خارج از کشور همان سال طرح شده است که محاسبات بسیار کمی دارد؛ اما سؤال

مفهومی است و باید مفاهیم را درست فهمید و درست به کار برد.

ما از جدول چه روابطی را می توانیم استخراج کنیم؟

$$\text{اولین رابطه: } ۱۵ + x = ۲۵۵ \rightarrow \text{سهم تولیدکنندگان مردم آن کشور در داخل مرزها} + \text{سهم تولید مردم در خارج} = \text{تولید ناخالص ملی}$$

$$۲۴۰ = \text{سهم تولیدکنندگان مردم آن کشور در داخل مرزها}$$

دقت کنید: «سهم تولیدکنندگان مردم آن کشور در داخل مرزها» هم داخلی است و هم ملی؛ پس در رابطه دوم که در زیر آمده است، از آن استفاده می‌کنیم.
دومین رابطه: سهم تولیدکنندگان مردم آن کشور در داخل مرزها + سهم تولید خارجی‌ان مقیم کشور = تولید ناخالص داخلی

$$240 + \text{سهم تولید خارجی‌ان مقیم کشور} = 250$$

$$10 = 250 - 240 = \text{سهم تولید خارجی‌ان مقیم کشور}$$

(صفحه ۴۲ - ۴۳ کتاب درسی)

۲۴۹. گزینه ۲ ما از جدول چه روابطی را می‌توانیم استخراج کنیم؟

اولین رابطه: سهم تولیدکنندگان مردم آن کشور در داخل مرزها + سهم تولید خارجی‌ان مقیم کشور = تولید ناخالص داخلی

$$450 = 25 + \text{سهم تولیدکنندگان مردم آن کشور در داخل مرزها}$$

$$425 = 450 - 25 = \text{سهم تولیدکنندگان مردم آن کشور در داخل مرزها}$$

دقت کنید: «سهم تولیدکنندگان مردم آن کشور در داخل مرزها» هم داخلی است و هم ملی؛ پس در رابطه دوم که در زیر آمده است، از آن استفاده می‌کنیم.

دومین رابطه: سهم تولیدکنندگان مردم آن کشور در داخل مرزها + سهم تولید مردم کشور در خارج = تولید ناخالص ملی

$$455 = 425 + \text{سهم تولید مردم کشور در خارج}$$

$$30 = 455 - 425 = \text{سهم تولید مردم کشور در خارج}$$

(صفحه ۴۲ - ۴۳ کتاب درسی)

۲۵۰. گزینه ۱ صورت تست را تحلیل کنیم:

- فعالیت افراد این کشور در خارج چه کم شده باشد و چه زیاد، تأثیری در تولید داخلی ندارد؛ زیرا جزء تولید ملی است؛ پس این بخش از فعالیت سال جدید بر مقدار تولید داخلی سال قبل اثرگذار نیست.

- فعالیت دو گروه «قاچاقچیان» و «دستفروشان» غیرقانونی است و در محاسبه چه در سال قبل و در سال جدید محاسبه نمی‌شوند؛ پس فعالیت این دو نیز تأثیرگذار نیست.

- فعالیت خارجی‌ان مقیم این کشور ۵۰۰ میلیارد کاهش داشته که به دلیل آن که جزء تولید داخلی به حساب می‌آید؛ پس از ۸۰۰۰ میلیارد باید کسر کنیم که می‌شود: ۷۵۰۰ میلیارد.

۲۵۱. گزینه ۲ با محاسبه تولید داخلی شروع می‌کنیم:

ارزش تولید خارجی‌ان مقیم کشور + ارزش خدمات + ارزش پوشاک + ارزش مواد غذایی + ارزش ماشین‌آلات = تولید ناخالص داخلی

$$\text{میلیارد ریال } 11 = \frac{1}{3} \times 44 = \text{ارزش تولید خارجی‌ان مقیم کشور} \times \frac{1}{3} = \text{ارزش خدمات}$$

$$\text{میلیارد ریال } 205 = 11 + 44 + 150 = \text{تولید ناخالص داخلی}$$

$$\text{میلیارد ریال } 30 = \frac{2}{3} \times 45 = \text{ارزش تولید مردم کشور که در خارج ساکن هستند} \times \frac{2}{3} = \text{هزینه استهلاک}$$

$$\text{میلیارد ریال } 175 = 205 - 30 = \text{تولید ناخالص داخلی} - \text{هزینه استهلاک} = \text{تولید خالص داخلی}$$

$$5 = \frac{175}{35} = \frac{\text{جمعیت کشور}}{\text{تولید خالص داخلی}} = \text{تولید خالص سرانه داخلی}$$

ارزش تولید مردم کشور که در خارج ساکن هستند + ارزش تولید خارجی‌ان مقیم کشور - تولید خالص داخلی = تولید خالص ملی

$$\text{میلیارد ریال } 176 = 175 - 44 + 45 = \text{تولید خالص ملی}$$

(صفحه ۴۲ - ۴۳ کتاب درسی)

۲۵۲. گزینه ۲ با محاسبه تولید ناخالص داخلی شروع می‌کنیم:

$$\text{میلیارد ریال } 15 = \frac{1}{3} \times 45 = \text{خدمات ارائه شده}$$

$$\text{میلیارد ریال } 21 = 14 \times \frac{1}{5} = \text{تولید خارجی‌ان مقیم کشور}$$

$$\text{هزار ریال } 314 = \frac{157 - 14}{50} = \text{تولید خالص سرانه}$$

$$\text{میلیارد ریال } 171 = 15 + 21 + 135 = \text{تولید ناخالص داخلی}$$

$$\text{میلیارد ریال } 181 = 14 - 195 = \text{تولید خالص ملی}$$

$$\text{میلیارد ریال } 195 = 135 + 15 + 45 = \text{تولید ناخالص ملی}$$

(صفحه ۴۲ - ۴۳ کتاب درسی)

میلیون ریال ۴۸۰ = ارزش ماشین‌آلات (بخش صنعت)

$$\text{میلیون ریال } 288 = \frac{60}{100} \times 480 = \text{ارزش مواد غذایی}$$

ارزش کالاهای واسطه‌ای در محاسبات تولید کل کشور لحاظ نمی‌شوند.

$$\text{میلیون ریال } 384 = \frac{50}{100} \times (480 + 288) = \text{ارزش خدمات}$$

ارزش خدمات + ارزش مواد غذایی + ارزش صنعت = تولید ناخالص داخلی

$$\text{میلیون ریال } 1152 = 480 + 288 + 384 = \text{تولید ناخالص داخلی}$$

$$\text{میلیون ریال } 384 = \frac{1}{3} \times 1152 = \frac{1}{3} \times (\text{G.D.P}) = \text{استهلاک}$$

$$\text{هزینه استهلاک} - \text{تولید ناخالص داخلی} = \text{تولید خالص داخلی}$$

پاسخنامه

انتصاب جامع

میلیون ریال $۷۶۸ = ۳۸۴ - ۱۱۵۲ =$ تولید خالص داخلیریال $۳۸/۴ = \frac{۷۶۸}{۲۰} =$ تولید خالص داخلی = تولید خالص داخلی سرانه جمعیت کشور

(صفحه ۴۲ - ۴۳ کتاب درسی)

۲۵۴. گزینه ۲ بهترین معیار برای مقایسه سطح زندگی و رفاه افراد جوامع مختلف یا افراد یک جامعه در سال‌های مختلف، شاخص درآمد سرانه است. در این سؤال ما باید درآمد سرانه چهار سال متوالی را به دست آوریم. بیشترین میزان رفاه افراد جامعه متعلق به سالی خواهد بود که درآمد سرانه در آن سال بیشتر از سال‌های دیگر باشد.

$$\text{درآمد سرانه در سال ۸۴} = \frac{\text{درآمد ملی در سال ۸۴}}{\text{جمعیت کل در سال ۸۴}} = \frac{۵,۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰}{۶۰,۰۰۰,۰۰۰} = ۸۵,۰۰۰$$

$$\text{درآمد سرانه در سال ۸۵} = \frac{\text{درآمد ملی در سال ۸۵}}{\text{جمعیت کل در سال ۸۵}} = \frac{۵,۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰}{۶۵,۰۰۰,۰۰۰} = ۸۰,۰۰۰$$

$$\text{درآمد سرانه در سال ۸۶} = \frac{\text{درآمد ملی در سال ۸۶}}{\text{جمعیت کل در سال ۸۶}} = \frac{۵,۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰}{۷۲,۰۰۰,۰۰۰} = ۷۵,۰۰۰$$

$$\text{درآمد سرانه در سال ۸۷} = \frac{\text{درآمد ملی در سال ۸۷}}{\text{جمعیت کل در سال ۸۷}} = \frac{۶,۳۰۰,۰۰۰,۰۰۰}{۷۵,۰۰۰,۰۰۰} = ۸۴,۰۰۰$$

همان‌طور که مشاهده می‌کنید، درآمد سرانه در سال ۸۴ بیشتر از سال‌های دیگر است؛ بنابراین می‌گوییم رفاه افراد جامعه در سال ۸۴ بیشتر از سال‌های دیگر بوده است.

(صفحه ۴۶ کتاب درسی)

۲۵۵. گزینه ۴ راه حل تستی: برای پاسخ‌دادن به این سؤال ابتدا به بخش «الف» پاسخ می‌دهیم. در این بخش، اگر تشخیص ردیف مربوط به سود تعلق گرفتن به سرمایه برای شما دشوار است، در عوض حتماً می‌دانید که اجاره‌بها یا مال‌الاجاره مربوط به املاک و مستغلات است ردیف «۴» پس در این مرحله حتماً می‌توانید بگویید که گزینه‌های ۱ و ۴ تا اینجا می‌توانند درست باشند. حالا ببینیم که آیا بدون انجام محاسبات می‌توانیم پاسخ درست را در این سؤال تشخیص دهیم؟ بخش «ت» در این سؤال نیازی به محاسبه ندارد؛ بنابراین قبل از پاسخ‌دادن به قسمت‌های «ب» و «پ» به بخش «ت» پاسخ می‌دهیم. همان‌طور که می‌دانید، سرانه به معنای سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان تولید یا درآمد آن جامعه است. مفهوم سرانه در گزینه «۱» ناقص است؛ ولی در گزینه «۴» به‌طور کامل بیان شده است؛ پس گزینه «۴» پاسخ درست این سؤال است.

راه‌حل تشریحی: به دلیل اینکه محاسبات این تیپ از سؤال‌ها طولانی و وقت‌گیر است، توصیه می‌کنیم ابتدا سعی کنید بدون انجام محاسبه به آن‌ها پاسخ دهید؛ اما اگر بخواهیم درآمد ملی و درآمد سرانه را به دست آوریم، به روش زیر عمل می‌کنیم:

مجموع درآمدهایی که در طول سال نصیب اعضای جامعه می‌شود = درآمد ملی

درآمد صاحبان سرمایه + دستمزدها + درآمد حقوق بگیران = درآمد ملی

$$\text{درآمد ملی} = ۱۸۶,۵۸۸,۰۰۰ + (۱۸۶,۵۸۸,۰۰۰ \times \frac{۱}{۳}) + ۸۶۴,۴۲۲,۰۰۰$$

ریال درآمد ملی = ۲,۷۱۰,۵۴۹,۴۰۰

$$\text{درآمد سرانه} = \frac{\text{درآمد ملی}}{\text{جمعیت کل}} = \frac{۲,۷۱۰,۵۴۹,۴۰۰}{۶۰,۰۰۰,۰۰۰} = ۴۵,۱۷۵,۸۲۳$$

(صفحه ۴۴ کتاب درسی)

عدد به دست آمده به میلیون نیست؛ بلکه اعشار دارد.

۲۵۶. گزینه ۲ به این سؤال نیز مانند سؤال قبل، بدون انجام محاسبات می‌توانیم پاسخ دهیم. همان‌طور که در سؤال قبل به آن اشاره شد، اجاره‌بها مربوط به درآمد صاحبان املاک است که در این سؤال در ردیف «۶» قرار دارد؛ پس تا این مرحله می‌توانیم بگوییم که بخش «الف» در گزینه‌های «۲» و «۳» درست است. حالا می‌توانیم به بخش «ت» پاسخ دهیم. پاسخ این بخش از سؤال در گزینه «۳» به‌طور کامل بیان شده است؛ بنابراین می‌گوییم گزینه «۳» پاسخ درست است و دیگر نیازی به انجام محاسبات نیست؛ اما برای به دست آوردن درآمد ملی و درآمد سرانه، مانند سؤال قبل عمل می‌کنیم که در این صورت خواهیم داشت:

سود شرکت‌ها و مؤسسات + درآمد صاحبان مشاغل + درآمد صاحبان املاک + درآمد صاحبان سرمایه + دستمزدها + درآمد حقوق بگیران = درآمد ملی

$$\text{درآمد سرانه} = \frac{\text{درآمد ملی}}{\text{جمعیت کل}} = \frac{۴۱,۱۰۳,۶۰۰,۰۰۰}{۵۰,۰۰۰,۰۰۰} = ۸۲۲,۰۷۲$$

ریال درآمد ملی = ۴۱,۱۰۳,۶۰۰,۰۰۰

(صفحه ۴۴ کتاب درسی)

۲۵۷. گزینه ۲ ابتدا به قسمت «الف» پاسخ می‌دهیم. اجاره‌بها مربوط به املاک و مستغلات است که در این سؤال در ردیف دو قرار دارد. با این توضیح می‌توانیم بگوییم، پاسخ بخش «الف» در گزینه‌های «۳» و «۴» درست است؛ اما پاسخ بخش «ت» نیز در این گزینه‌ها درست است؛ بنابراین در این مرحله باید درآمد ملی را محاسبه کنیم:

درآمد ملی = ۲,۱۷۲,۲۳۹,۲۰۰

پس به دست آمده در گزینه «۳» ذکر شده است پس در همین مرحله به پاسخ صحیح رسیدیم و دیگر نیازی به محاسبه درآمد سرانه نیست. ولی برای

$$\text{درآمد سرانه} = \frac{\text{درآمد ملی}}{\text{جمعیت کل}} = \frac{۲,۱۷۲,۲۳۹,۲۰۰}{۷۵,۰۰۰,۰۰۰} = ۲۸,۹۶۳,۱۸۹$$

یادگیری و تمرین بیشتر محاسبه را انجام می‌دهیم:

(صفحه ۴۴ کتاب درسی)

۲۵۸. گزینه ۱ در این مرحله باید درآمد ملی را محاسبه کنیم:

$$\begin{aligned} & \text{درآمد صاحبان املاک و مستغلات} + \text{درآمد صاحبان سرمایه} + \text{دستمزدها} + \text{درآمد حقوق بگیران} = \text{درآمد ملی} \\ & \text{سود شرکتها و موسسات} + \text{درآمد صاحبان مشاغل} \\ & \frac{1}{3} \times (986 + 787) + \frac{1}{6} \times (894) + 986 + 787 + \frac{2}{5} \times (986 + 894) + 894 = \frac{1}{3} \times (1773) + 149 + 1773 + \frac{2}{5} \times (1880) + 894 \\ & = 591 + 1922 + 752 + 894 = 4159 \end{aligned}$$

تا اینجا پاسخ یا گزینه «۱» است یا «۲». در این دو گزینه قسمت «ب» سؤال پاسخ درست در گزینه «۱» است؛ پس به پاسخ درست رسیدیم و دیگر نیازی به محاسبه درآمد سرانه نیست؛ ولی برای یادگیری و تمرین بیشتر محاسبه را انجام می‌دهیم:

$$\text{گزینه ۱} \quad \text{بخش الف: «قیمت خدمات سرمایه» برمی‌گردد به «درآمد صاحبان سرمایه» یعنی ردیف «۴» و «اجاره‌بها» نیز توسط «صاحبان املاک و مستغلات» گرفته می‌شود؛ یعنی ردیف «۱»؛ پس پاسخ تا اینجا یا گزینه «۱» است یا گزینه «۴».$$

می‌توانیم از بخش «ت»، جواب نهایی را به دست آوریم: گزینه «۱» درست‌تر از گزینه «۴» است؛ چرا که در گزینه «۴» حرف «و» ما بین «تولید» و «درآمد» است و باید یکی از این دو باشد، نه هر دو با هم. با اینکه پاسخ روشن شد؛ اما حل سؤال را ادامه می‌دهیم:

درآمد صاحبان املاک و مستغلات + درآمد صاحبان سرمایه + دستمزدها + درآمد حقوق بگیران = درآمد ملی

$$+ \text{سود شرکتها و موسسات} + \text{درآمد صاحبان مشاغل} = \frac{2}{5} \times (656 + 466) + 466 + 696 + 656$$

$$+ \frac{1}{3} \times (696 + 466) + \frac{2}{3} \times (696) = \frac{1}{3} \times (1122) + 1818 + \frac{1}{3} \times (1162) + 466 = 3043$$

$$\text{گزینه ۲} \quad \text{درآمد سرانه} = \frac{\text{درآمد ملی}}{\text{جمعیت کل}} = \frac{3,043,000,000,000}{50,000,000} = 6086$$

۲۶۰. گزینه ۲ به درآمد مربوط به صاحبان سرمایه ردیف «۵»، سود سرمایه و به درآمد صاحبان املاک و مستغلات ردیف «۲»، اجاره‌بها گفته می‌شود.

$$\text{ریال} \quad 273,690,000 = \frac{2}{5} \times 684,225,000 = \text{درآمد صاحبان املاک و مستغلات}$$

$$\text{ریال} \quad 174,739,600 = \frac{1}{3} \times 698,958,400 = \text{درآمد حقوق بگیران}$$

$$\text{ریال} \quad 91,230,000 = \frac{1}{3} \times 273,690,000 = \text{دستمزدها}$$

$$\text{درآمد ملی} = 174,739,600 + 273,690,000 + 249,396,200 + 91,230,000 + 684,225,000 + 698,958,400 = 2,172,239,200$$

$$\text{ریال} \quad 28/963189 = \frac{2,172,239,200}{75,000,000} = \frac{\text{جمعیت}}{\text{درآمد ملی}} = \text{درآمد سرانه} \quad \text{گزینه ۲ درسته}$$

۲۶۱. گزینه ۲ به درآمد مربوط به صاحبان سرمایه یعنی ردیف «۴»، سود سرمایه و به درآمد صاحبان املاک و مستغلات همان ردیف «۱» است، اجاره‌بها گفته می‌شود.

$$\text{میلیارد ریال} \quad 464 = \frac{2}{3} \times 696 = \text{درآمد صاحبان سرمایه} \quad \text{سود شرکتها و موسسات}$$

$$\text{میلیارد ریال} \quad 374 = \frac{2}{6} \times (656 + 466) = \text{مجموع درآمد ردیفهای ۱ و ۶} \quad \text{درآمد حقوق بگیران}$$

$$\text{میلیارد ریال} \quad 387 = \frac{1}{3} \times (696 + 466) = \text{مجموع درآمد ردیفهای ۴ و ۶} \quad \text{درآمد صاحبان مشاغل آزاد}$$

$$\text{میلیارد ریال} \quad 3043 = 656 + 466 + 374 + 696 + 387 + 466 = \text{درآمد ملی}$$

$$\text{با تقسیم درآمد ملی به جمعیت کشور، درآمد سرانه به دست می‌آید.} \quad \frac{\text{درآمد ملی}}{\text{جمعیت کشور}} = \frac{3043}{50} = 60/86$$

مفهوم و معنای سرانه عبارت از سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان تولید یا درآمد آن جامعه است.

۲۶۲. گزینه ۲ در این سؤال، در چهار مرحله به قیمت کالا افزوده شده است. ارزش افزوده کالا را در هر مرحله محاسبه می‌کنیم:

$$\text{ریال} \quad 500 = \text{ارزش افزوده در مرحله اول} \rightarrow \text{ریال} \quad 500 = \text{قیمت کالا در مرحله اول}$$

$$\text{ریال} \quad 1000 = 1500 - 500 = \text{ارزش افزوده در مرحله دوم} \rightarrow \text{ریال} \quad 500 = \text{قیمت کالا در مرحله دوم}$$

$$\text{ریال} \quad 1500 = 3000 - 1500 = \text{ارزش افزوده در مرحله سوم} \rightarrow \text{ریال} \quad 3000 = \text{قیمت کالا در مرحله سوم}$$

$$\text{ریال} \quad 2000 = 5000 - 3000 = \text{ارزش افزوده در مرحله چهارم} \rightarrow \text{ریال} \quad 5000 = \text{قیمت کالا در مرحله چهارم}$$

اگر ارزش افزوده این چهار مرحله را با هم جمع کنیم، به عدد ۵۰۰۰ می‌رسیم که برابر است با ارزش کل تولید کالای نهایی.

راه حل تستی: یادتان باشد؛ قیمت کالا در مرحله آخر که این مسئله ۵۰۰۰ ریال است همان ارزش تولید کالای نهایی است.

۲۶۳. گزینه ۲ ارزش افزوده در مرحله اول تولید برابر با قیمتی است که بر روی کالا گذاشته می‌شود؛ ولی ارزش افزوده مراحل دوم به بعد با کم کردن قیمت مرحله قبلی از قیمت کالا در آن مرحله، محاسبه می‌شود؛ بنابراین ارزش افزوده مراحل اول و آخر در این سؤال به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$\text{ریال} \quad 6500 = \text{قیمت کالا در مرحله اول} = \text{ارزش افزوده مرحله اول}$$

$$\text{ریال} \quad 7000 = 9000 - 16000 = \text{قیمت کالا در یک مرحله مانده به آخر} - \text{قیمت کالا در مرحله آخر} = \text{ارزش افزوده مرحله آخر}$$

اگر در این مرحله به گزینه‌ها نگاه کنید، خواهید دید که تنها در گزینه «۲» به این بخش از سؤال پاسخ درست داده شده است. بخش‌های «ب»، «پ» و «ت» در این سؤال نیازی به محاسبه ندارد.

گزینه ۲ درسته

۲۶۴. گزینه ۲: ابتدا بخش «الف» را پاسخ می‌دهیم:

ریال $۴۰۰۰ =$ قیمت کالا در مرحله اول = ارزش افزوده مرحله اول

ریال $۸۰۰۰ = ۱۶۰۰۰ - ۸۰۰۰ =$ قیمت کالا در مرحله سوم - قیمت کالا در مرحله چهارم = ارزش افزوده مرحله چهارم

در گزینه‌های «۱» و «۲» به این بخش از سؤال پاسخ درست داده شده است؛ بنابراین گزینه‌های «۳» و «۴» را حذف می‌کنیم. روش ارزش افزوده و دو روش دیگر، برای محاسبه تولیدات کل جامع است و حداقل دو روش را برای محاسبه به کار می‌برند.

(صفحه ۴۵ کتاب درسی)

۲۶۵. گزینه ۱: ابتدا ارزش افزوده در مرحله اول و سوم را محاسبه می‌کنیم:

ریال $۵۰۰ =$ قیمت کالا در مرحله اول = ارزش افزوده مرحله اول

ریال $۱۵۰۰ = ۳۰۰۰ - ۱۵۰۰ =$ قیمت کالا در مرحله دوم - قیمت کالا در مرحله سوم = ارزش افزوده مرحله سوم

تا این مرحله، گزینه‌های «۱» و «۴» می‌توانند پاسخ درست باشند. حالا به بخش «ب» پاسخ می‌دهیم. شما می‌دانید که قیمت کالا در مرحله آخر با ارزش نهایی محصول برابر است. طبق صورت سؤال در چهار مرحله بر روی کالا قیمت‌گذاری شده است؛ بنابراین مرحله آخر در این سؤال، مرحله چهارم است. با مشاهده گزینه‌های «۱» و «۴» خواهید دید که پاسخ بخش «ب» تنها در گزینه «۱» درست است. در این مرحله به پاسخ درست دست یافتیم و دیگر نیازی به بررسی ادامه پاسخ‌ها نیست.

(صفحه ۴۵ کتاب درسی)

۲۶۶. گزینه ۲: «الف»: ارزش افزوده هر مرحله را که می‌خواهیم به دست آوریم، باید ارزش محصول آن مرحله را از ارزش محصول مرحله قبل کسر کنیم؛ پس

برای به دست آوردن ارزش افزوده مرحله اول باید قیمت اولیه را که صفر است از قیمت بعدی که ۴۵۰۰ ریال است، کسر کنیم که حاصل ۴۵۰۰ ریال می‌شود.

برای به دست آوردن ارزش افزوده مرحله سوم، باید قیمت مرحله قبل که ۶۰۰۰ ریال است، از قیمت بعدی آن که ۸۵۰۰ ریال است، کسر کنیم که حاصل ۲۵۰۰ ریال می‌شود. تا اینجا یا گزینه «۳» درست است یا گزینه «۴». / «ب»: قیمت نهایی پوشاک همان مبلغی است که در انتهای مسئله آمده است: ۱۷۰۰۰ / «پ»:

«ارزش پولی تولیدات نهایی که به خانواده‌ها فروخته می‌شود» روش هزینه‌ای است و محاسبه «سود و مزد و اجاره» روش درآمدی است. پاسخ مشخص شده است که گزینه «۳» است؛ اما برای یادآوری می‌گوییم که باید حداقل دو روش را به کار برد و پاسخ‌ها را مقایسه کرد.

(صفحه ۳۵ کتاب درسی)

۲۶۷. گزینه ۲: «الف»: ارزش افزوده هر مرحله را که می‌خواهیم به دست آوریم، باید ارزش محصول آن مرحله را از ارزش محصول مرحله قبل کسر کنیم:

ارزش افزوده مرحله دوم $۲۰۰۰ = ۳۵۰۰ - ۵۵۰۰$

ارزش افزوده مرحله چهارم $۶۵۰۰ = ۷۵۰۰ - ۱۴۰۰۰$

تا اینجا پاسخ یا گزینه «۲» است یا گزینه «۴». / «ب»: روش درآمدی / «پ»: این فاکتور برای حذف اثر رشد تولیداتی است که با تخریب محیط‌زیست انجام شده است. در همین قسمت پاسخ مشخص شد: گزینه «۴» / «ت»: اما برای یادآوری می‌گوییم که باید حداقل دو روش را به کار برد و پاسخ‌ها را مقایسه کرد.

(صفحه ۴۵ کتاب درسی)

۲۶۸. گزینه ۲: «الف»:

ارزش محصول در مرحله قبل - ارزش محصول در آن مرحله = ارزش افزوده در هر مرحله

ارزش محصول در مرحله اول - ارزش محصول در مرحله دوم = ارزش افزوده در مرحله دوم

ریال $۱۰۰۰ = ۷۵۰۰ - ۶۵۰۰ =$ ارزش افزوده مرحله دوم

ارزش محصول در مرحله سوم - ارزش محصول در مرحله چهارم = ارزش افزوده در مرحله چهارم

ریال $۸۰۰۰ = ۱۱۰۰۰ - ۱۹۰۰۰ =$ ارزش افزوده مرحله چهارم

«ب»: نام این روش: روش ارزش افزوده یا تولید است. / «پ»: در روش درآمدی کل پولی که از طرف بنگاه‌ها به سمت خانوارها جریان می‌یابد و در روش هزینه‌ای کل پولی که از طرف خانوارها به سمت بنگاه‌ها جریان می‌یابد، محاسبه می‌شود. / «ت»: محاسبه با حداقل دو روش و مقایسه پاسخ‌ها (باید یکسان باشند).

(صفحه ۴۵ کتاب درسی)

۲۶۹. گزینه ۲: «الف»:

ریال $۵۰۰۰ =$ ارزش افزوده مرحله اول

ریال $۳۰۰۰ = ۱۳۰۰۰ - ۹۰۰۰ =$ ارزش افزوده مرحله چهارم

«ب»: نام روش به کار رفته در قسمت «الف» برای محاسبه تولید کل جامعه روش تولید یا روش ارزش افزوده است. / «پ»: در روش هزینه‌ای کل پولی که از طرف خانوارها به سمت بنگاه‌ها جریان پیدا می‌کند، محاسبه می‌شود. این مقدار پول نشان‌دهنده ارزش کل کالاها و خدماتی است که خانوارها خریداری و مصرف کرده‌اند. / «ت»: کارشناسان برای جلوگیری از اشتباه در محاسبه تولید کل جامعه، حداقل دو روش را برای محاسبه به کار می‌گیرند و پاسخ‌ها را مقایسه می‌کنند.

(صفحه ۴۵ کتاب درسی)

۲۷۰. گزینه ۳: برای اینکه بدانیم چه میزان از افزایش رشد، نشان‌دهنده مقدار تورم یا افزایش قیمت‌ها است، ساده‌ترین راه این است که میزان رشد سال

مورد نظر را با توجه به سال پایه از میزان رشد همان سال بدون توجه به سال پایه کم کنیم.

واحد $۱۵ = ۱۴۲ - ۱۲۷ =$ میزان رشد سال ۱۳۷۶ (باتوجه به سال پایه) - میزان رشد سال ۱۳۷۶ (بدون توجه به سال پایه)

عدد به دست آمده در بالا، نشان‌دهنده مقدار تورم یا افزایش قیمت‌ها در سال ۱۳۷۶ (سال بعد از ۱۳۷۵) است.

به یاد داشته باشید که میزان افزایش تولید به دست آمده با توجه به سال پایه، نشان‌دهنده افزایش مقدار تولید است؛ یعنی:

واحد $۷ = ۱۲۷ - ۱۲۰ =$ رشد تولید سال پایه (سال ۱۳۷۵) - رشد تولید سال ۱۳۷۶ (با توجه به سال پایه)

(صفحه ۴۶ - ۴۷ کتاب درسی)

۲۷۱. گزینه ۳: ابتدا مقدار رشد وابسته به افزایش قیمت‌ها را در سال دوم محاسبه می‌کنیم که در این صورت خواهیم داشت:

واحد $۱۳ = ۱۲۵ - ۱۱۲ =$ میزان رشد سال دوم (باتوجه به سال پایه) - میزان رشد سال دوم (بدون توجه به سال پایه)

در این مرحله مقدار رشد وابسته به افزایش مقدار تولید را در سال سوم به دست می‌آوریم:

واحد $۳۵ = ۱۳۵ - ۱۰۰ =$ رشد تولید سال پایه (سال اول) - رشد تولید سال سوم (با توجه به سال پایه)

(صفحه ۴۶ - ۴۷ کتاب درسی)

۲۷۲. گزینه ۴ ابتدا میزان افزایش مقدار تولید را در سال سوم محاسبه می‌کنیم:

میلیارد ریال $840 = 6000 - 6840 =$ رشد تولید سال پایه (سال اول) - میزان رشد سال سوم (با توجه به سال پایه)
عدد به‌دست‌آمده تنها در بخش اول گزینه «۴» ذکر شده است؛ پس در این مرحله به پاسخ درست رسیدیم و دیگر نیازی به ادامه محاسبه نیست. اما برای تمرین بیشتر افزایش قیمت در سال سوم را اینگونه محاسبه می‌کنیم:
تولید کل بر پایه قیمت ثابت - تولید کل بر پایه قیمت جاری = افزایش تولید ناشی از افزایش قیمت کالا در سال سوم

$$7500 - 6840 = 660$$

(صفحه ۴۶ - ۴۷ کتاب درسی)

۲۷۳. گزینه ۴ ابتدا به بخش «الف» این سؤال پاسخ می‌دهیم. محاسبه افزایش مقدار تولید در سال دوم:

میلیارد ریال $860 = 4500 - 5360 =$ رشد تولید سال پایه (سال اول) - میزان رشد سال دوم (با توجه به سال پایه)
محاسبه افزایش مقدار تولید در سال سوم: میلیارد ریال $3320 = 4500 - 7820 =$ رشد تولید سال پایه (سال اول) - میزان رشد سال سوم (با توجه به سال پایه)
در گزینه‌های «۲» و «۴» به این بخش از سؤال پاسخ درست داده شده است؛ بنابراین در این مرحله گزینه‌های «۱» و «۳» را حذف می‌کنیم.
حالا به بخش «ب» پاسخ می‌دهیم. محاسبه افزایش قیمت‌ها در سال دوم:

میلیارد ریال $390 = 5360 - 5750 =$ رشد تولید سال دوم (با توجه به سال پایه) - میزان رشد تولید سال دوم (بدون توجه به سال پایه)
در همین مرحله بدون نیاز به محاسبه افزایش قیمت در سال سوم، می‌توانید پاسخ درست را مشخص کنید؛ بنابراین دیگر به محاسبه ادامه نمی‌دهیم.
نکته مشاوره‌ای و مهم در پاسخ‌دادن به تست‌های چند قسمتی: پس از پاسخ‌دادن به یک بخش از سؤال، ابتدا گزینه‌های غلط را حذف کنید و سپس به بخش بعدی پاسخ دهید. با این روش، قبل از اینکه مجبور باشید به تمام قسمت‌های سؤال پاسخ دهید، می‌توانید پاسخ درست را بیابید.

(صفحه ۴۶ - ۴۷ کتاب درسی)

۲۷۴. گزینه ۱ ابتدا به بخش «الف» این سؤال پاسخ می‌دهیم. محاسبه تورم (افزایش قیمت) در سال دوم:

میلیارد ریال $50 = 1650 - 1700 =$ رشد تولید سال دوم (با توجه به سال پایه) - میزان رشد تولید سال دوم (بدون توجه به سال پایه)
در همین مرحله اگر به گزینه‌ها نگاه کنید، خواهید دید که بخش اول پاسخ «الف» در گزینه‌های «۱» و «۳» با عددی که در بالا محاسبه کردیم، برابر است؛ در ضمن قسمت دوم پاسخ «الف» در هر دو این گزینه‌ها برابر با عدد ۱۶۵ است. این بدین معناست که این عدد با میزان تورم در سال سوم برابر است؛ پس نیازی به محاسبه تورم در سال سوم نیست. حالا به بخش «ب» پاسخ می‌دهیم. محاسبه افزایش مقدار تولید در سال دوم:

میلیارد ریال $150 = 1500 - 1650 =$ رشد تولید سال پایه (سال اول) - میزان رشد تولید سال دوم (با توجه به سال پایه)
در همین مرحله به گزینه‌ها نگاه کنید. عدد به‌دست‌آمده در قسمت ابتدای پاسخ «ب» در گزینه «۱» ذکر شده است؛ بنابراین دیگر به محاسبه ادامه نمی‌دهیم. توجه داشته باشید که بخش «الف» و بخش «ب» در این سؤال پاسخ یکسانی دارند؛ زیرا افزایش قیمت‌ها و تورم در یک معنا به کار می‌روند.

(صفحه ۴۶ - ۴۷ کتاب درسی)

۲۷۵. گزینه ۲ ابتدا به بخش «الف» این سؤال پاسخ می‌دهیم. محاسبه افزایش قیمت در سال دوم:

میلیارد ریال $610 = 4230 - 4840 =$ رشد تولید سال دوم (با توجه به سال پایه) - میزان رشد تولید سال دوم (بدون توجه به سال پایه)
در این مرحله به گزینه‌ها نگاه می‌کنیم؛ می‌بینیم که عدد به‌دست‌آمده فقط در قسمت اول پاسخ بخش «الف» در گزینه‌های «۱» و «۲» ذکر شده است و قسمت دوم این بخش از پاسخ، در هر دو این گزینه‌ها برابر عدد ۱۲۰۰ است؛ پس بدون انجام محاسبه متوجه می‌شویم که این عدد برابر است با افزایش قیمت‌ها در سال سوم.

در بخش «ب» تورم (افزایش قیمت) سال‌های دوم و سوم مورد پرسش قرار گرفته است که در بخش «الف» محاسبه شد. این بدین معنا است که پاسخ‌های بخش «الف» و «ب» باید برابر باشند. اگر به گزینه‌ها نگاه کنید، خواهید دید که پاسخ‌های «الف» و «ب» در گزینه «۲» با هم برابر هستند.

(صفحه ۴۶ - ۴۷ کتاب درسی)

۲۷۶. گزینه ۲ ابتدا میزان افزایش مقدار تولید را در سال سوم محاسبه می‌کنیم:

میلیارد ریال $500 = 2000 - 2500 =$ رشد تولید سال پایه (سال اول) - میزان رشد تولید سال سوم (با توجه به سال پایه)
عدد به‌دست‌آمده تنها در بخش «الف» گزینه «۳» ذکر شده است؛ پس در این مرحله به پاسخ درست رسیدیم و دیگر نیازی به ادامه محاسبه نیست؛ اما برای تمرین بیشتر، افزایش قیمت‌ها را در سال سوم نیز محاسبه می‌کنیم:

رشد تولید سال سوم (با توجه به سال پایه) - رشد تولید سال سوم (با توجه به سال پایه) - میزان رشد تولید سال سوم (بدون توجه به سال پایه)

(صفحه ۴۶ - ۴۷ کتاب درسی)

۲۷۷. گزینه ۳ ابتدا میزان افزایش مقدار تولید را در سال سوم محاسبه می‌کنیم:

میلیارد ریال $420 = 3000 - 3420 =$ رشد تولید سال پایه (سال اول) - میزان رشد تولید سال سوم (با توجه به سال پایه)
عدد به‌دست‌آمده تنها در بخش اول گزینه «۳» ذکر شده است؛ پس در این مرحله به پاسخ درست رسیدیم و دیگر نیازی به ادامه محاسبه نیست؛ اما این را بدانید که برای محاسبه افزایش قیمت‌ها (تورم) مانند سؤال قبل عمل می‌کنیم که در این صورت افزایش قیمت‌ها در سال سوم برابر خواهد بود با ۳۳۰ میلیارد ریال

(صفحه ۴۶ - ۴۷ کتاب درسی)

۲۷۸. گزینه ۱ بخش «الف»: افزایش مقدار تولید در سال سوم باید نسبت به سال اول محاسبه گردد:

$$7200 - 6000 = 1200$$

$$8000 - 7200 = 800$$

(صفحه ۴۶ - ۴۷ کتاب درسی)

پاسخ تا اینجا با گزینه «۱» است یا «۲». بخش «ب»: افزایش قیمت‌ها در سال سوم:

پاسخنامه

انتصاب جامع

۲۷۹. گزینه ۲: این تیب سؤال از سال ۹۴ در کنکور طراحی شده است که همان سال در سؤالهای خارج از کشور نیز تکرار شد. برای حل آن ابتدا به بخش «الف» این سؤال پاسخ می‌دهیم. در عبارت «تولید کل به قیمت جاری»، «جاری» یعنی: سال ۹۲ و «تولید کل»، یعنی محاسبه هر دو کالای A و B که با حاصل ضرب قیمت در مقدار به دست می‌آید:

$$A: 400 \times 75 = 30000 \quad B: 120 \times 700 = 84000$$

$$30000 + 84000 = 114000$$

تا اینجا یا گزینه «۱» درست است یا گزینه «۲» / بخش «ب»: «تولید کل به قیمت ثابت در سال ۹۲» یعنی فرض می‌کنیم که تعداد کالاهای A و B در سال ۹۲ همان است؛ ولی قیمت این دو کالا، قیمت کالاهای سال ۹۰ می‌باشد؛ پس عملیات زیر را انجام می‌دهیم:

$$A: 300 \times 75 = 22500 \quad B: 60 \times 700 = 42000$$

$$22500 + 42000 = 64500$$

تولید کل به قیمت جاری:

(صفحه ۴۶ - ۴۷ کتاب درسی)

۲۸۰. گزینه ۱: ابتدا به بخش «الف» این سؤال پاسخ می‌دهیم.

در عبارت «تولید کل به قیمت جاری»، «جاری» یعنی: سال ۹۰ و «تولید کل»، یعنی محاسبه هر دو کالای A و B که با حاصل ضرب قیمت در مقدار به دست می‌آید:

$$A: 150 \times 25 = 3750$$

$$B: 50 \times 300 = 15000$$

$$3750 + 15000 = 18750$$

تولید کل به قیمت جاری:

همین‌جا به پاسخ سؤال رسیدید: گزینه «۱» درست است؛ اما ادامه سؤال را حل می‌کنیم تا دوره کنید / «ب»: «تولید کل به قیمت ثابت در سال ۹۰» یعنی فرض می‌کنیم که تعداد کالاهای A و B در سال ۹۰ همان است؛ ولی قیمت این دو کالا، قیمت کالاهای سال ۸۹ می‌باشد. پس عملیات زیر را انجام می‌دهیم:

$$A: 100 \times 25 = 2500$$

$$B: 20 \times 300 = 6000$$

$$2500 + 6000 = 8500$$

تولید کل به قیمت جاری:

(صفحه ۴۶ - ۴۷ کتاب درسی)

۲۸۱. گزینه ۴: سود اعلامی معلوم نیست که اسمی است یا واقعی. با توجه به گزینه‌ها باید پاسخ دهیم. در سود اسمی، تورم وجود دارد؛ ولی در سود واقعی، تورم کسر شده است. با توجه به این موضوع، پاسخ گزینه «۴» است.

۲۸۲. گزینه ۱: «الف»: تولید در همان سال به قیمت ثابت - تولید در سال مورد نظر به قیمت جاری = افزایش تولید کل ناشی از افزایش قیمت (تورم) در یک سال

$$2210 - 2140 = 70 = \text{هزار میلیارد ریال}$$

$$2210 - 2140 = 70 = \text{هزار میلیارد ریال}$$

$$2210 - 2000 = 210 = \text{هزار میلیارد ریال}$$

(صفحه ۴۶ - ۴۷ کتاب درسی)

$$3600 - 3500 = 100 = \text{هزار میلیارد ریال}$$

۲۸۳. گزینه ۱: «الف»:

$$3950 - 3450 = 500 = \text{هزار میلیارد ریال}$$

«ب»:

(صفحه ۴۶ - ۴۷ کتاب درسی)

۲۸۴. گزینه ۴: «الف»:

$$1700 - 1650 = 50 = \text{میلیارد ریال}$$

$$1875 - 1710 = 165 = \text{میلیارد ریال}$$

$$1710 - 1500 = 210 = \text{هزار میلیارد ریال}$$

$$1650 - 1500 = 150 = \text{هزار میلیارد ریال}$$

(صفحه ۴۸ کتاب درسی)

۲۸۵. گزینه ۱: افزایش قیمت‌ها در سال دوم و سوم همان اعداد مربوط به پدیده تورم در این سال‌هاست که در قسمت قبل محاسبه شدند.

$$6320 - 3000 = 3320 = \text{«الف»}: \text{افزایش تولید سال دوم نسبت به سال پایه: } 3860 - 3000 = 860$$

$$4250 - 3860 = 390 = \text{«ب» و «پ»}: \text{تولید در سال دوم به قیمت پایه - تولید در سال دوم به قیمت جاری} = \text{افزایش مقدار تولید در سال دوم}$$

$$6740 - 6320 = 420 = \text{تولید در سال سوم به قیمت پایه - تولید در سال سوم به قیمت جاری} = \text{تورم در سال سوم}$$

(صفحه ۴۶ - ۴۷ کتاب درسی)

دقت کنید، اعداد عبارت «ب» و «پ» باید یکسان باشند.

۲۸۶. گزینه ۲: براساس فرمول زیر می‌توانیم عمر مفید دستگاه را به دست آوریم:

$$\frac{80,000,000}{x} = 4,000,000 \rightarrow \text{قیمت خرید دستگاه} = \text{عمر مفید دستگاه} \times \text{هزینه استهلاک دستگاه (سالانه)}$$

$$x = 20 \rightarrow 4,000,000 \times x = 80,000,000 \rightarrow x = \frac{80,000,000}{4,000,000} = 20$$

(صفحه ۴۴ کتاب درسی)

۲۸۷. گزینه ۲: «الف»: براساس فرمول زیر می‌توانیم هزینه استهلاک را به دست آوریم:

$$\frac{13,000,000,000}{6.5} = 2,000,000,000 = \text{هزینه استهلاک دستگاه (سالانه)} \rightarrow \text{قیمت خرید دستگاه} = \text{عمر مفید دستگاه} \times \text{هزینه استهلاک دستگاه (سالانه)}$$

تا اینجا مسئله می‌توانیم بگوییم، پاسخ یا گزینه «۱» است و یا گزینه «۲» / «ب»: ابتدا باید قیمت جدید را به دست آوریم و برای این کار باید ۱۰ درصد افزایش را حساب کنیم و سپس به مقدار قیمت قبلی اضافه کنیم:

$$۱۳,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ \times ۱۰\% = ۱,۳۰۰,۰۰۰,۰۰۰ \rightarrow ۱۳,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ + ۱,۳۰۰,۰۰۰,۰۰۰ = ۱۴,۳۰۰,۰۰۰,۰۰۰$$

$$\text{قیمت خرید دستگاه} = \frac{\text{هزینه استهلاک دستگاه (سالانه)} \times \text{عمر مفید دستگاه}}{\text{قیمت جدید}}$$

$$\text{هزینه استهلاک دستگاه (سالانه)} \times \text{عمر مفید دستگاه} = \frac{۱۴,۳۰۰,۰۰۰,۰۰۰}{۶/۵} = ۲,۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰$$

عدد به دست آمده برای یک سال است و صورت سؤال مجموع هزینه‌های استهلاک دوسال را خواسته است؛ پس در ۲ ضرب می‌کنیم:

$$۲,۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰ \times ۲ = ۴,۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰$$

همین‌جا می‌توانیم پاسخ را گزینه «۲» بدانیم؛ ولی برای یادگیری بخش بعدی را نیز پاسخ می‌دهیم. / «پ»: قیمت کالای جدید را در همان بخش «ب» محاسبه کردیم که همان‌جا هم می‌توانستیم بدون ادامه محاسبه، پاسخ را گزینه «۲» بدانیم.

(صفحه ۴۴ کتاب درسی)

۲۸۸. گزینه ۱ «الف»: براساس فرمول زیر می‌توانیم هزینه استهلاک را به دست آوریم:

$$\text{هزینه استهلاک دستگاه (سالانه)} = \frac{\text{قیمت خرید دستگاه}}{\text{عمر مفید دستگاه}} = \frac{۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰}{۲۵} = ۲۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰$$

تا اینجا مسئله می‌توانیم بگوییم پاسخ یا گزینه «۱» است یا گزینه «۳» / «ب»: ابتدا باید قیمت جدید را به دست آوریم و برای این کار ابتدا باید ۱۵ درصد افزایش را حساب کنیم و سپس به مقدار قیمت قبلی اضافه کنیم:

$$۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ \times ۱۵\% = ۷۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ \rightarrow ۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ + ۷۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ = ۵۷۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰$$

با به دست آوردن قیمت جدید که در بخش «پ» خواسته است و الان به آن دست پیدا کردیم، می‌توانیم بگوییم که پاسخ گزینه «۱» است؛ ولی برای

$$\text{یادگیری ادامه می‌دهیم:} \quad \text{هزینه استهلاک دستگاه (سالانه)} \times \text{عمر مفید دستگاه} = \frac{\text{قیمت خرید دستگاه}}{\text{عمر مفید دستگاه}} = \frac{۵۷۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰}{۲۵} = ۲۳,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰$$

(صفحه ۴۴ کتاب درسی)

۲۸۹. گزینه ۲ «الف»: براساس فرمول زیر می‌توانیم هزینه استهلاک را به دست آوریم:

$$\text{هزینه استهلاک دستگاه (سالانه)} = \frac{\text{قیمت خرید دستگاه}}{\text{عمر مفید دستگاه}} = \frac{۸۴۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰}{۱۲} = ۷۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰$$

تا اینجا مسئله می‌توانیم بگوییم پاسخ یا گزینه «۳» است یا گزینه «۴» / «ب»: ابتدا باید قیمت جدید را به دست آوریم و برای این کار ابتدا باید ۱۲ درصد افزایش را حساب کنیم و سپس به مقدار قیمت قبلی اضافه کنیم:

$$۸۴۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ \times ۱۲\% = ۱۰۰,۸۰۰,۰۰۰,۰۰۰ \rightarrow ۸۴۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ + ۱۰۰,۸۰۰,۰۰۰,۰۰۰ = ۹۴۰,۸۰۰,۰۰۰,۰۰۰$$

با به دست آوردن قیمت جدید که در بخش «پ» خواسته است و الان به آن دست پیدا کردیم، می‌توانیم بگوییم که پاسخ گزینه «۳» است؛ ولی برای یادگیری ادامه می‌دهیم:

$$\text{هزینه استهلاک دستگاه (سالانه)} \times \text{عمر مفید دستگاه} = \frac{\text{قیمت خرید دستگاه}}{\text{عمر مفید دستگاه}} = \frac{۹۴۰,۸۰۰,۰۰۰,۰۰۰}{۱۲} = ۷۸,۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰ \rightarrow ۷۸,۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰ \times ۳ = ۲۳۵,۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰$$

(صفحه ۴۴ کتاب درسی)

۲۹۰. گزینه ۲ «الف»: براساس فرمول زیر می‌توانیم هزینه استهلاک را به دست آوریم:

$$\text{هزینه استهلاک دستگاه (سالانه)} = \frac{\text{قیمت خرید دستگاه}}{\text{عمر مفید دستگاه}} = \frac{۴۴۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰}{۲۲} = ۲۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰$$

تا اینجا مسئله می‌توانیم بگوییم پاسخ یا گزینه «۱» است یا گزینه «۳» / «ب»: ابتدا باید قیمت جدید را به دست آوریم و برای این کار ابتدا باید ۱۵ درصد افزایش را حساب کنیم و سپس به مقدار قیمت قبلی اضافه کنیم:

$$۴۴۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ \times ۱۵\% = ۶۶,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ \rightarrow ۴۴۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ + ۶۶,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ = ۵۰۶,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰$$

با به دست آوردن قیمت جدید که در بخش «پ» خواسته است و الان به آن دست پیدا کردیم، می‌توانیم بگوییم که پاسخ گزینه «۱» است.

(صفحه ۴۴ کتاب درسی)

۲۹۱. گزینه ۲ «الف»: براساس فرمول زیر می‌توانیم هزینه استهلاک را به دست آوریم:

$$\text{هزینه استهلاک دستگاه (سالانه)} = \frac{\text{قیمت خرید دستگاه}}{\text{عمر مفید دستگاه}} = \frac{۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰}{۲۵} = ۲۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰$$

تا اینجا مسئله می‌توانیم بگوییم پاسخ یا گزینه «۱» است یا گزینه «۳» / «ب»: ابتدا باید قیمت جدید را به دست آوریم و برای این کار ابتدا باید ۱۵ درصد افزایش را حساب کنیم و سپس به مقدار قیمت قبلی اضافه کنیم:

$$۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ \times ۱۵\% = ۷۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ \rightarrow ۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ + ۷۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ = ۵۷۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰$$

با به دست آوردن قیمت جدید که در بخش «پ» خواسته است و الان به آن دست پیدا کردیم، می‌توانیم بگوییم که پاسخ گزینه «۳» است؛ ولی برای

$$\text{یادگیری ادامه می‌دهیم:} \quad \text{هزینه استهلاک دستگاه (سالانه)} \times \text{عمر مفید دستگاه} = \frac{\text{قیمت خرید دستگاه}}{\text{عمر مفید دستگاه}} = \frac{۵۷۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰}{۲۵} = ۲۳,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰$$

(صفحه ۴۴ کتاب درسی)

۲۹۲. گزینه ۲ «الف»: براساس فرمول زیر می‌توانیم هزینه استهلاک را به‌دست آوریم:

$$\text{هزینه استهلاک دستگاه (سالانه)} = \frac{\text{قیمت خرید دستگاه}}{\text{عمر مفید دستگاه}} = \frac{۷۲۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰}{۱۲} = ۶۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰$$

تا اینجای مسئله می‌توانیم بگوییم پاسخ یا گزینه «۱» است یا گزینه «۳» / «ب»: ابتدا باید قیمت جدید را به‌دست آوریم و برای این کار ابتدا باید ۸ درصد کاهش بها را حساب کنیم و سپس از مقدار قیمت قبلی کم کنیم. دقت داشته باشید که کالاهای سرمایه‌ای در مسئله‌هایی که تا اینجا حل کردیم با افزایش قیمت مواجه بودند؛ ولی در این مسئله کاهش کالای سرمایه‌ای را داریم؛ پس حتماً باید مقدار ۸ درصد کاهش را از قیمت قبلی کم کنیم:

$$۷۲۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ \times \frac{۸}{۱۰} = ۵۷,۶۰۰,۰۰۰,۰۰۰ \rightarrow ۷۲۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ - ۵۷,۶۰۰,۰۰۰,۰۰۰ = ۶۶۲,۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰$$

$$\text{هزینه استهلاک دستگاه (سالانه) با قیمت جدید} = \frac{۶۶۲,۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰}{۱۲} = ۵۵,۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰$$

$$\text{هزینه استهلاک دستگاه (سالانه) با قیمت جدید} = \frac{\text{قیمت خرید دستگاه}}{\text{عمر مفید دستگاه}}$$

عدد به‌دست آمده برای یک‌سال است؛ ولی در صورت سؤال مجموع هزینه‌های استهلاک دو سال آخر را خواسته است؛ پس آن را در عدد ۲ ضرب می‌کنیم:

$$۵۵,۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰ \times ۲ = ۱۱۰,۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰$$

(صفحه ۴۴ کتاب درسی)

بخش «پ» این سؤال را در قسمت ب محاسبه کردیم.

۲۹۳. گزینه ۲ «الف»: براساس فرمول زیر می‌توانیم هزینه استهلاک را به‌دست آوریم:

$$\text{هزینه استهلاک دستگاه (سالانه)} = \frac{\text{قیمت خرید دستگاه}}{\text{عمر مفید دستگاه}} = \frac{۲۸,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰}{۷} = ۴,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰$$

تا اینجای مسئله می‌توانیم بگوییم پاسخ یا گزینه «۱» است یا گزینه «۲» / «ب»: ابتدا باید قیمت جدید را به‌دست آوریم و برای این کار ابتدا باید ۱۵ درصد افزایش را حساب کنیم و سپس به مقدار قیمت قبلی اضافه کنیم:

$$۲۸,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ \times \frac{۱۵}{۱۰} = ۴,۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰ \rightarrow ۲۸,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ + ۴,۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰ = ۳۲,۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰$$

$$\text{هزینه استهلاک دستگاه (سالانه) با قیمت جدید} = \frac{\text{قیمت خرید دستگاه}}{\text{عمر مفید دستگاه}} = \frac{۳۲,۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰}{۷} = ۴,۶۰۰,۰۰۰,۰۰۰$$

عدد به‌دست آمده برای یک‌سال است؛ ولی در صورت سؤال مجموع هزینه‌های استهلاک سه سال آخر را خواسته است؛ پس آن را در عدد ۳ ضرب می‌کنیم:

$$۴,۶۰۰,۰۰۰,۰۰۰ \times ۳ = ۱۳,۸۰۰,۰۰۰,۰۰۰$$

عدد به‌دست آمده در گزینه‌های «۱» و «۲» برابر است، پس باید به بخش «پ» پاسخ دهیم که قبلاً در بخش «ب» آن را محاسبه کرده‌ایم.

(صفحه ۴۴ کتاب درسی)

۲۹۴. گزینه ۲ «الف»: براساس فرمول زیر می‌توانیم هزینه استهلاک را به‌دست آوریم:

$$\text{هزینه استهلاک دستگاه (سالانه)} = \frac{\text{قیمت خرید دستگاه}}{\text{عمر مفید دستگاه}} = \frac{۹۸۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰}{۱۴} = ۷۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰$$

تا اینجای مسئله می‌توانیم بگوییم پاسخ یا گزینه «۱» است یا گزینه «۲» / «ب»: ابتدا باید قیمت جدید را به‌دست آوریم و برای این کار ابتدا باید ۱۰ درصد کاهش را حساب کنیم و سپس از مقدار قیمت قبلی کم کنیم:

$$۹۸۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ \times \frac{۱۰}{۱۰} = ۹۸۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ \rightarrow ۹۸۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ - ۹۸,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ = ۸۸۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰$$

$$\text{هزینه استهلاک دستگاه (سالانه) با قیمت جدید} = \frac{\text{قیمت خرید دستگاه}}{\text{عمر مفید دستگاه}} = \frac{۸۸۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰}{۱۴} = ۶۳,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰$$

عدد به‌دست آمده برای یک‌سال است؛ ولی در صورت سؤال مجموع هزینه‌های استهلاک چهار سال آخر را خواسته است؛ پس آن را در عدد ۴ ضرب می‌کنیم:

$$۶۳,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ \times ۴ = ۲۵۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰$$

(صفحه ۴۴ کتاب درسی)

۲۹۵. گزینه ۲

$$\text{میلیارد ریال} = ۱۷ \div ۵ = ۸۵ \div ۵ = ۱۷$$

$$\text{میلیارد ریال} = ۹۵ \div ۵ = ۸۵ \times \frac{۷}{۱۰۰} = ۵ \div ۹۵$$

$$\text{میلیارد ریال} = ۹۵ \div ۹۰ = ۹۰ \div ۹۵ + ۵ = ۸۵ + ۵$$

$$\text{میلیون ریال} = ۱۸ \div ۱۹ = ۹۰ \div ۹۵ + ۵ = ۱۸ \div ۱۹$$

$$\text{میلیون ریال} = ۳۸ \div ۳۶ = ۱۸ \div ۱۹ \times ۲ = ۳۶ \div ۳۸$$

(صفحه ۴۴ کتاب درسی)

۲۹۶. گزینه ۱

$$\text{میزان افزایش} \rightarrow \text{میلیون ریال} = ۸۹۱۰ \times \frac{۹}{۱۰۰} = ۸۹,۰۰۰$$

$$\text{قیمت جدید} \rightarrow \text{میلیون ریال} = ۱۰۷,۹۱۰ = ۸۹,۰۰۰ + ۱۸,۹۱۰$$

$$\text{هزینه استهلاک} ۴ \text{ سال} \rightarrow ۳۶ = ۹ \times ۴$$

$$\text{با افزایش قیمت} \rightarrow ۳۹ \div ۲۴ = ۳۶ + ۳ \div ۲۴ = ۳۶ + \frac{۹}{۱۰۰} \times ۳۶$$

(صفحه ۴۴ کتاب درسی)

۲۹۷. گزینه ۲ «الف»: براساس فرمول زیر می‌توانیم هزینه استهلاک را به‌دست آوریم:

$$\text{هزینه استهلاک دستگاه (سالانه)} = \frac{\text{قیمت خرید دستگاه}}{\text{عمر مفید دستگاه}} = \frac{۱۶۰,۰۰۰,۰۰۰}{۲} = ۸۰,۰۰۰,۰۰۰$$

تا اینجا مسئله می‌توانیم بگوییم پاسخ یا گزینه «۱» است یا گزینه «۲»

«ب»: درآمد سالانه داده شده است. باید هزینه استهلاک را از درآمد سالانه کسر کنیم تا درآمد خالص سالانه به دست آید:

$$40,000,000 - 8,000,000 = 32,000,000$$

(صفحه ۴۴ کتاب درسی)

۲۹۸. گزینه ۲ «الف»: بر اساس فرمول زیر می‌توانیم هزینه استهلاک را به دست آوریم:

$$\text{هزینه استهلاک دستگاه (سالانه)} = \frac{\text{قیمت خرید دستگاه}}{\text{عمر مفید دستگاه}} = \frac{120,000,000}{15} = 8,000,000$$

تا اینجا مسئله می‌توانیم بگوییم پاسخ یا گزینه «۱» است یا گزینه «۳» / «ب»: درآمد سالانه داده شده است. باید هزینه استهلاک را از درآمد سالانه کسر کنیم تا درآمد خالص سالانه به دست آید:

$$30,000,000 - 8,000,000 = 22,000,000$$

(صفحه ۴۴ کتاب درسی)

فعالیت‌های اقتصادی در سطح ملی می‌پردازد و متغیرهای کلان را در جامعه محاسبه می‌کند.

۳۱۲. گزینه ۲ «الف»: میزان تولید کالا و خدمات نشان‌دهنده قدرت اقتصادی

و سطح رفاه و درآمد مردم، میزان پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و در نهایت، امکان پیشرفت آن جامعه در آینده است. از جمله وظایف حسابداری ملی ارائه شاخص‌های متنوع برای بررسی و اندازه‌گیری فعالیت‌های اقتصادی است.

۳۱۳. گزینه ۲ «الف»: علت اهمیت محاسبه میزان تولید کالا و خدمات یک

جامعه: ۱. نشان‌دهنده قدرت اقتصادی ۲. سطح رفاه و درآمد مردم ۳. میزان پس‌انداز و سرمایه‌گذاری ۴. امکان پیشرفت آن جامعه در آینده

۳۱۴. گزینه ۲ «الف»: علت اهمیت محاسبه میزان تولید کالا و خدمات یک

جامعه: ۱. نشان‌دهنده قدرت اقتصادی ۲. سطح رفاه و درآمد مردم ۳. میزان پس‌انداز و سرمایه‌گذاری ۴. امکان پیشرفت آن جامعه در آینده

۳۱۵. گزینه ۲ «الف»: در دید حسابداری ملی از بازار عبور کند؛ یعنی تولیدکننده، کالا و خدمات را در مقابل دریافت پول به مصرف‌کننده تحویل دهد.

۳۱۶. گزینه ۱ «الف»: بابت تربیت و بهداشت فرزندان در خانه مبلغی به والدین پرداخت نمی‌شود و به دلیل آن که ارزش کالاهای واسطه‌ای درون کالاهای نهایی وجود دارد، در تولید کل محاسبه نمی‌شوند.

۳۱۷. گزینه ۱ «الف»: در صورتی یک فعالیت تولیدی را محاسبه می‌کنیم که سه شرط لازم را داشته باشد. بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه «۲»: «پاک کردن سبزیجات به طریق بهداشتی برای امور خیریه» و «تعمیر لوازم خانگی توسط خود فرد» هر دو از بازار عبور نمی‌کنند؛ پس مورد محاسبه قرار نمی‌گیرند / گزینه «۳»: «فعالیت‌های تولیدی زنان در خانه خودشان» نیز از بازار عبور نمی‌کند / گزینه «۴»: «خدمات زنان برای تربیت فرزندان خود» نیز از بازار عبور نمی‌کند.

۳۱۸. گزینه ۲ «الف»: تعمیر لوازم خانگی بدون دریافت وجه، به دلیل آن که از بازار عبور نمی‌کند در محاسبه تولید کل محاسبه نمی‌شود. تا اینجا یا گزینه «۱» درست است یا «۴». فعالیت زنان در خانه، به دلیل عدم عبور از بازار، در محاسبه در نظر گرفته نمی‌شوند.

۳۱۹. گزینه ۱ «الف»: ربطی به سه شرط مورد نظر ندارد.

۳۲۰. گزینه ۲ «الف»: پرداخت وجه بابت یک فعالیت، نشان‌دهنده شرط عبور از بازار است.

۳۲۱. گزینه ۲ «الف»: آنچه در محاسبه تولید کل صرف نظر می‌شود، مبلغ کالاهای واسطه‌ای است؛ چرا که درون کالاهای نهایی و مصرفی وجود دارد؛ پس مواد اولیه در نظر گرفته نمی‌شود و آنچه صرف‌نظر نمی‌شود، کالاها و خدماتی است که توسط مصرف‌کنندگان خریداری شده و به مصرف می‌رسند؛ پس گزینه «۲» و بخش دوم گزینه «۱» به این دلیل که مشخص نیست که بابت آن پول پرداخت شده یا خیر، نادرست است.

۲۹۹. گزینه ۲ «الف»: دلیل اهمیت حسابداری ملی: بررسی و اندازه‌گیری‌های مرکز آمار، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و یا بانک مرکزی، تصویری روشن از اقتصاد و روند تغییرات آن و رفاه مردم ارائه می‌کند.

۳۰۰. گزینه ۲ «الف»: در محاسبه تولید کل، کالاهای واسطه‌ای محاسبه نمی‌شوند؛ زیرا ارزش کالاهای واسطه‌ای در بطن کالاهای نهایی است.

۳۰۱. گزینه ۲ «الف»: «حسابداری ملی»: شاخه‌ای از «مطالعات اقتصادی» است که با ارائه شاخص‌های متنوع به بررسی و اندازه‌گیری میزان فعالیت‌های اقتصادی در سطح ملی می‌پردازد. مثلاً میزان تولید کالا و خدمات را در جامعه محاسبه می‌کند. / «ب»: «تولید داخلی»: در برگزیده همه فعالیت‌های تولیدی است که در داخل یک کشور؛ یعنی در محدوده مرزهای جغرافیایی آن کشور انجام می‌گیرد؛ خواه توسط مردم همان کشور باشد و خواه توسط خارجیانی که در آن کشور مقیم‌اند. / «پ»: فعالیت‌های غیرقانونی نظیر قاچاق و مانند آن که به اقتصاد زیرزمینی معروف است، جزء تولید کشور محاسبه نمی‌شود.

۳۰۲. گزینه ۲ «الف»: «G.N.P»: تولید ناخالص ملی / «G.D.P»: تولید ناخالص داخلی

۳۰۳. گزینه ۲ «الف»: بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه «۱»: هم تولید ملی و هم تولید داخلی. گزینه «۲»: تولید ملی است. گزینه «۳»: تولید داخلی است. گزینه «۴»: هم تولید ملی است هم تولید داخلی؛ (زیرا تولیدکننده آن مشخص نیست).

۳۰۴. گزینه ۱ «الف»: صورت تستی به این طولانی را فقط با بخش «الف» می‌توانید پاسخ دهید، اگر می‌دانستید. «میزان تولید کالا و خدمات» نشان‌دهنده «قدرت اقتصادی و مادی» و همچنین «سطح زندگی» مردم یک جامعه است.

۳۰۵. گزینه ۱ «الف»: «روش درآمدی»: محاسبه ارزش تولید کل جامعه از طریق حاصل جمع مبالغ «مزد، اجاره و سود» متعلق به تمامی خانوارها.

۳۰۶. گزینه ۱ «الف»: با بخش «الف» به کل تست می‌توان پاسخ داد. حسابداری ملی شاخه‌ای از مطالعات اقتصادی است.

۳۰۷. گزینه ۲ «الف»: وجود شاخص‌ها در مطالعات اقتصادی بسیار مهم است؛ زیرا هرگونه اشتباه در اندازه‌گیری آن‌ها موجب اشتباه در تشخیص بیماری اقتصادی و یا روند بهبود می‌شود.

۳۰۸. گزینه ۲ «الف»: حسابداری ملی در حوزه ملی است.

۳۰۹. گزینه ۲ «الف»: میزان تولید کالا و خدمات در هر جامعه، نشان‌دهنده قدرت اقتصادی آن جامعه و سطح زندگی مردم است؛ زیرا تولید بیشتر به معنای درآمد و مصرف بیشتر و در نتیجه رفاه بیشتر است.

۳۱۰. گزینه ۲ «الف»: حسابداری ملی (از شاخه‌های مطالعات اقتصادی) تصویری روشن از اقتصاد و روند تغییرات آن و رفاه مردم ارائه می‌کند.

۳۱۱. گزینه ۲ «الف»: «حسابداری ملی»: شاخه‌ای از مطالعات اقتصادی است که با ارائه شاخص‌های متنوع، به بررسی و اندازه‌گیری میزان

پاسخنامه

اشصار جامع

۳۲۲. گزینه ۴) موارد مربوط به گزینه‌های «۱» تا «۳» خدمات نهایی نیستند و مبلغ آن‌ها در خدمت نهایی محاسبه می‌شود. (صفحه ۳۱ کتاب درسی)
۳۲۳. گزینه ۲) با محاسبه ارزش کالاها و خدمات واسطه‌ای در محاسبه تولید کل جامعه، کالاها و واسطه‌ای انگار دوبار محاسبه شده است. (صفحه ۸۱ کتاب درسی)
۳۲۴. گزینه ۱) دو دلیل دارد: ۱. از این فعالیت‌ها اطلاع دقیقی نداریم. ۲. محاسبه آن‌ها مشروعیت دادن به آن‌ها تلقی می‌شود. (صفحه ۳۲ کتاب درسی)
۳۲۵. گزینه ۱) فرسودگی‌ها، استهلاک هستند و مقدار عددی آن هزینه استهلاک نام گرفته است. (صفحه ۳۳ کتاب درسی)
۳۲۶. گزینه ۱) قسمتی از تولید جامعه که صرف جایگزینی سرمایه‌های فرسوده می‌شود، هزینه استهلاک نام دارد و در تولید ناخالص محاسبه می‌شود. دقت کنید که اگر انتهای صورت تست گفته می‌شد، «محاسبه نمی‌شود»، پاسخ تولید خالص بود. (صفحه ۳۳ - ۳۴ کتاب درسی)
۳۲۷. گزینه ۲) استهلاک مربوط به کالاها سرمایه‌ای است. (صفحه ۸۳ - ۸۴ کتاب درسی)
۳۲۸. گزینه ۲) تولید ناخالص ملی - تولید خالص ملی = استهلاک (صفحه ۸۳ - ۸۴ کتاب درسی)
۳۲۹. گزینه ۱) بدون هزینه‌های جایگزینی یا فرسودگی و تعمیر، تولید خالص است؛ ولی اگر در نظر بگیریم تولید ناخالص است. (صفحه ۳۳ - ۳۴ کتاب درسی)
۳۳۰. گزینه ۲) تولید ملی در برگیرنده همه فعالیت‌های تولیدی است که توسط اعضای یک ملت در یکسال انجام می‌گیرد و تولید داخلی دربرگیرنده همه فعالیت‌های تولیدی است که در محدوده مرزهای جغرافیایی یک کشور در طول یکسال انجام می‌گیرد. (صفحه ۳۲ کتاب درسی)
۳۳۱. گزینه ۲) مردم کشوری که در یک کشور دیگر فعالیت اقتصادی می‌کنند، تولید ملی (GNP) است. فعالیت‌های تولیدی خارجیان مقیم یک کشور، تولید داخلی (GDP) گویند. (صفحه ۳۳ - ۳۴ کتاب درسی)
۳۳۲. گزینه ۴) «الف»: تولیدات و خدمات سرمایه‌گذاران خارجی؛ سرمایه‌گذاری ملیت آن کشور را ندارد؛ پس ملی نیست و داخلی است یا گزینه «۲» یا «۴» درست است. / «ب»: خدمات پزشکان ایرانی در کشورهای همسایه؛ به دلیل آن که ملیت ایرانی دارند، ملی است و به دلیل آن که داخل کشور نیست، داخلی نیست. / «پ»: هزینه استهلاک در تولید ناخالص به کار می‌رود چه داخلی باشد و چه ملی. (صفحه ۳۳ - ۳۴ کتاب درسی)
۳۳۳. گزینه ۲) فرق تولید خالص و ناخالص این است که برای محاسبه تولید خالص هزینه‌های استهلاک در نظر گرفته نمی‌شود؛ اما در تولید ناخالص این هزینه نیز محاسبه می‌شود. (صفحه ۳۳ - ۳۴ کتاب درسی)
۳۳۴. گزینه ۲) انتهای صورت تست را ببینید، متوجه می‌شوید که در مورد «ملت» می‌گوید، پس یا گزینه «۳» یا «۴» درست است. در تولید با ارزش پولی سروکار داریم و کالاها و خدمات نهایی مورد نظر است. (صفحه ۳۲ کتاب درسی)
۳۳۵. گزینه ۱) چون تولید داخلی مد نظر است؛ پس آن تولیدی که خارج از کشور توسط ایرانی‌ها (ایرانیان مقیم خارج از کشور) انجام می‌شود، صرفاً تولید ملی است، نه داخلی. (صفحه ۳۳ کتاب درسی)
۳۳۶. گزینه ۲) دو شاخص تولید ناخالص ملی و تولید ناخالص داخلی در عمل، جز در مورد برخی کشورها که نیروی کار و سرمایه‌های زیادی از آن‌ها در خارج از مرزهایشان کار می‌کنند، مثل کشور لبنان یا در کشور خود حضور چشمگیری از تولیدکنندگان چند ملیتی دارند، مثل کشور هنگ کنگ معمولاً به هم نزدیک‌اند. (صفحه ۳۳ کتاب درسی)
۳۳۷. گزینه ۲) این فرد ایرانی فعالیت تولیدی‌اش در قطر، «تولید ملی» (GNP) است و لبنانی که در ایران فعالیت می‌کند، «تولید داخلی» (GDP) است. هردو مورد باعث افزایش تولید، به ترتیب در تولید ملی و تولید داخلی می‌شوند. (صفحه ۳۳ کتاب درسی)
۳۳۸. گزینه ۲) وقتی نیروی کار و سرمایه بیرون از مرزها باشد؛ یعنی میزان تولید ملی بیشتر از داخلی است. (تولید داخلی کمتر از ملی) (صفحه ۳۳ کتاب درسی)
۳۳۹. گزینه ۲) میزان بالای تولید ناخالص ملی، بیانگر قدرت اقتصادی بیشتر، تولید بیشتر، بالابودن بهره‌وری و استفاده بهینه از همه عوامل تولید است. (صفحه ۳۳ کتاب درسی)
۳۴۰. گزینه ۲) در برخی موارد، تولید ناخالص ملی و تولید ناخالص داخلی، نشانگر درجه پیشرفت هر ملت و سطح زندگی اعضای آن است. (صفحه ۳۳ کتاب درسی)
۳۴۱. گزینه ۲) به دلیل نزدیک بودن مقدار هردو به جز برخی از کشورها، می‌توان از هردو استفاده کرد. (صفحه ۳۳ کتاب درسی)
۳۴۲. گزینه ۲) مجموع درآمدهای مختلف که در طول سال نصیب ملت می‌شود. (صفحه ۳۴ کتاب درسی)
۳۴۳. گزینه ۲) بخش اول و دوم و سوم همه گزینه‌ها درست است و ایراد گزینه «۱» در «درآمد دولتی‌ها»، ایراد گزینه «۳» در در هردو مورد آخر و ایراد گزینه «۴» در درآمد دولتی‌ها هست و علاوه بر آن، درآمد صاحبان سرمایه و قیمت خدمات سرمایه یکی است که در گزینه «۴» آمده است. (صفحه ۳۴ کتاب درسی)
۳۴۴. گزینه ۱) «روش هزینه‌ای»: ارزش پولی تولیدات نهایی آنجا که به خانوار فروخته می‌شود. گزینه «۲» و «۳» روش درآمدی و گزینه «۴» روش ارزش افزوده. (صفحه ۳۵ کتاب درسی)
۳۴۵. گزینه ۱) اگر تولید کل جامعه را از طریق هریک از سه روش درآمدی و هزینه‌ای و ارزش افزوده محاسبه کنیم، به جواب‌های یکسانی می‌رسیم؛ به از این رو برای جلوگیری از اشتباه حداقل دو روش را برای محاسبه به کار می‌بریم و نتایج را با هم مقایسه می‌کنیم. (صفحه ۳۵ کتاب درسی)
۳۴۶. گزینه ۱) ارزش افزوده‌های همه مراحل را با هم جمع بزنیم، آنچه به دست می‌آید، قیمت همه کالاها تولید شده خواهد بود که همان تولید کل می‌شود. سایر گزینه‌ها نادرست هستند، به دلیل آن که وقتی می‌گوییم کالای نهایی، مصرفی و واسطه‌ای درون آن هستند. (صفحه ۳۵ کتاب درسی)
۳۴۷. گزینه ۱) برای محاسبه درآمد ملی سه روش داریم؛ پس روش‌ها متفاوت؛ ولی پاسخ‌ها یکسان است. (صفحه ۳۵ کتاب درسی)
۳۴۸. گزینه ۲) در مطالعات آماری برای دستیابی به صورت دقیق‌تر و واقعی‌تر باید از شاخص‌های نسبی استفاده کنیم؛ زیرا گاهی شاخص‌های مطلق، تصویر خوبی از واقعیت ارائه نمی‌کند. (صفحه ۳۵ کتاب درسی)
۳۴۹. گزینه ۲) «الف»: محدوده مرزی گفته شده است؛ پس «داخلی» است. / «ب»: میزان توانایی و قدرت اقتصادی و همچنین سطح زندگی و رفاه جامعه را نشان می‌دهند. / «پ»: درآمد سرانه / «ت»: از کل تولیدات، تخریب‌های محیط‌زیستی را کسر می‌کنند. (صفحه ۳۳ - ۳۴ - ۳۵ - ۳۶ کتاب درسی)
۳۵۰. گزینه ۲) «درآمد سرانه»: سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان درآمد. «علت بهتر بودن این معیار»: به دلیل تفاوت چشم‌گیری است که جمعیت کشورهای مختلف دارند. (صفحه ۳۶ کتاب درسی)
۳۵۱. گزینه ۲) «الف»: شاخص‌های نسبی در مقایسه با شاخص‌های مطلق، دقیق‌تر و واقعی‌تر هستند. / «ب»: صادرات جامعه را به کل اقتصاد جامعه که همان تولید کل جامعه است تقسیم می‌کنند و جوامع را با هم مقایسه می‌کنند. / «پ»: درآمد سرانه نسبی است. (صفحه ۴۵ - ۴۶ کتاب درسی)
۳۵۲. گزینه ۲) وقتی شاخصی ارائه می‌شود که نسبت آن به کل اقتصاد کشور یا نسبت به جمعیت آن کشور داده نمی‌شود، نمی‌توان نظری قطعی داد. شاید کشور «الف»، نسبت به جمعیت خود، واردات بیشتری نسبت به کشور «ب» داشته باشد. (صفحه ۳۵ - ۳۶ کتاب درسی)
۳۵۳. گزینه ۲) شاخص‌های نشان‌دهنده تولید کل در جامعه برحسب «پول ملی» سنجیده می‌شوند؛ اما اگر جامعه دچار «تورم» باشد، مقدار تولید کل در هر سال به علت افزایش قیمت‌ها رقم بزرگ‌تری را نشان می‌دهد، حتی اگر تولیدات زیاد نشده باشد. (صفحه ۳۶ کتاب درسی)

۳۵۴. **گزینه ۲**: باید از مفهوم قیمت ثابت استفاده بشود؛ یعنی سال معینی را به عنوان «سال پایه» انتخاب کرده و ارزش تولیدات هر سال را برحسب قیمت کالاها و خدمات» در آن سال محاسبه کرد. (صفحه ۳۶ کتاب درسی)
۳۵۵. **گزینه ۴**: با توجه به اینکه معلوم نیست که در این کشور تورم وجود داشته یا خیر و تولیدات افزایش یافته یا خیر، نمی توان گفت افزایش هرساله ناشی از افزایش تولید است یا افزایش قیمت. (صفحه ۳۶ کتاب درسی)
۳۵۶. **گزینه ۴**: با توجه به اینکه معلوم نیست که در این کشور تورم وجود داشته یا خیر و تولیدات افزایش یافته یا خیر، نمی توان گفت افزایش هرساله ناشی از افزایش تولید است یا افزایش قیمت. (صفحه ۳۶ کتاب درسی)
۳۵۷. **گزینه ۳**: «الف»: در صورتی که با قیمت ثابت (سال پایه) محاسبه شوند، نه قیمت جاری / «ب»: تولید خالص؛ (چون استهلاک را لحاظ کردیم). (صفحه ۳۶ کتاب درسی)
۳۵۸. **گزینه ۴**: راه حل این است که قیمت‌ها را براساس قیمت ثابت در یک سال بگیریم و تولیدات را براساس آن قیمت به دست آوریم. (صفحه ۴۶ کتاب درسی)
۳۵۹. **گزینه ۲**: در صورت استفاده از سال پایه، اثر تغییرات قیمت در محاسبه تولید کل از بین می‌رود و تغییرات موجود فقط نشان‌دهنده تغییر میزان تولیدات کالا و خدمات خواهد بود. (صفحه ۳۶ کتاب درسی)
۳۶۰. **گزینه ۲**: «الف»: تمامی شاخص‌های نشان‌دهنده تولید کل جامعه براساس پول محاسبه می‌شوند. / «ب»: سه دلیل دارد: ۱. افزایش قیمت ۲. افزایش تولید ۳. هردو مورد. / «پ»: اگر جامعه دچار «تورم» باشد، مقدار تولید کل محاسبه شده هرسال «رقم بزرگ‌تری» را نشان می‌دهد؛ درحالی‌که این رقم بزرگ، به معنای «افزایش تولید نیست». / «ت»: برای رفع مشکل فوق، می‌توان سال «معینی» را به عنوان «سال پایه» انتخاب کرده و ارزش تولیدات هر سال را برحسب قیمت کالاها و خدمات در سال «پایه»، نه «جاری» محاسبه نمود. (صفحه ۳۲-۳۶ کتاب درسی)
۳۶۱. **گزینه ۲**: از قیمت ثابت برای محاسبه شاخص‌های اقتصادی، مثل میزان صادرات، واردات، مصرف و موارد دیگر استفاده می‌کنند؛ زیرا اینها متغیرهای اسمی هستند و براساس قیمت‌های جاری محاسبه می‌شوند و باید از متغیرهای واقعی یا حقیقی که براساس قیمت ثابت هستند، استفاده کرد که استفاده از متغیرهای اسمی به جای متغیرهای واقعی، بسیار غلط‌انداز است. (صفحه ۳۸ کتاب درسی)
۳۶۲. **گزینه ۳**: «الف»: علل استفاده از سنج‌های اقتصادی: ۱. بررسی نتایج سیاست‌های به کار گرفته شده ۲. بررسی وضع موجود ۳. اندازه‌گیری سطح فعالیت‌های اقتصادی / «ب»: تعریف مذکور در صورت سؤال مربوط به «حسابداری ملی» است که «تولید کل» یکی از موضوعات مورد بررسی آن است. / «پ»: چهار سطح آمارهای اقتصادی عبارتند از: ۱. خرد ۲. شهری ۳. منطقه‌ای ۴. کلان که خانوارها در سطح خرد قرار می‌گیرند. (ترکیبی کل فصل)
۳۶۳. **گزینه ۱**: «الف»: با بررسی میزان تولید کالا و خدمات، امکان پیشرفت یک جامعه میسر می‌شود. / «ب»: معیار واحد سنجش تولید در حسابداری ملی پول است. حال چه بخواهیم تولید ملی را حساب کنیم، چه تولید داخلی. (ترکیبی کل فصل)
۳۶۴. **گزینه ۱**: بررسی عبارات نادرست: «الف»: بررسی و اندازه‌گیری‌های مرکز آمار، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و یا بانک مرکزی، تصویری روشن از اقتصاد و روند تغییرات آن نشان می‌دهد. / «ب»: آمارهای اقتصادی در چهار سطح ارائه می‌شوند. (ترکیبی کل فصل)
۳۶۵. **گزینه ۲**: «الف»: محرک فعالیت‌های انسان، نیازهای اوست و رفع آنها به وسیله منابع و امکانات صورت می‌گیرد. / «ب»: منحنی عرضه از چپ به راست صعودی است؛ یعنی با افزایش قیمت، عرضه افزایش می‌یابد؛ بنابراین رابطه بین این دو مستقیم است. / «پ»: حسابداری ملی شاخه‌ای از مطالعات اقتصادی است که با ارائه شاخص‌های گوناگون به بررسی و

- اندازه‌گیری فعالیت‌های اقتصادی در سطح ملی می‌پردازد. / «ت»: سرمایه فیزیکی، کالای بادوامی است که در جریان تولید مورد استفاده قرار می‌گیرد. ۳۶۶. **گزینه ۲**: «الف»: به علت قابلیت مصارف متعدد کالاها، ما مجبور به انتخاب هستیم. انتخاب سبب ازدست‌رفتن دیگر گزینه‌ها می‌شود. این همان «هزینه فرصت ازدست‌رفته» است. / «ب»: منحنی تقاضا نزولی است و رابطه قیمت با تقاضا معکوس است؛ بنابراین با کاهش قیمت، تقاضا افزایش می‌یابد و به سمت چپ و پایین منحنی متمایل می‌شود. / «پ»: هزینه - درآمد = سود / «ت»: ملیت علی ایرانی است؛ اما او در ژاپن فعالیت اقتصادی می‌کند؛ بنابراین درآمد او در تولید ملی ایران و تولید داخلی ژاپن محاسبه می‌شود. ۳۶۷. **گزینه ۲**: بررسی عبارات نادرست: «الف»: کالای واسطه‌ای، کالایی است که توسط تولیدکنندگان برای تولید کالاهای مختلف استفاده می‌شود و کالای مصرفی توسط مصرف‌کننده نهایی خریداری و مصرف می‌شود؛ پس در مورد اول، سیب‌زمینی کالای مصرفی و در مورد دوم، سیب‌زمینی کالای واسطه‌ای است. / «پ»: انحصارگر قیمت‌گذار است. قیمت دوم جمله هم درست است. / «ت»: قیمت عوامل تولید مربوط به تولیدکننده و انگیزه‌های اوست نه مصرف‌کننده. ۳۶۸. **گزینه ۱**: «الف»: $5000 \times 120,000 = 600,000,000$ درآمد هزینه مستقیم - درآمد = سود حسابداری $= 600,000,000 - 18,000,000 = 582,000,000$ «ب»: هدف تولیدکننده، کسب سود و هدف مصرف‌کننده، رفع نیاز است. / «پ»: قیمت‌های محاسبه شده در صورت سؤال، قیمت‌های جاری است؛ بنابراین این افزایش تولید کل می‌تواند ناشی از افزایش تولید کالا، افزایش قیمت کالاها و یا افزایش هردو باشد. / «ت»: انسان‌ها همگی سیری‌ناپذیرند، چه مسلمان و چه غیرمسلمان. ۳۶۹. **گزینه ۱**: «الف»: افزایش قیمت حاصل کمبود عرضه می‌باشد که خود حاصل افزایش تقاضا است. / «ب»: نکته؛ سال هفتم انحرافی داده شده است؛ زیرا شماره سال مهم نیست، در هرسال عدد ثابت است. $\frac{2600000}{12} = 216$ ۳۷۰. **گزینه ۴**: بررسی عبارات نادرست: «پ»: اگر جامعه دچار تورم باشد، به علت افزایش قیمت‌ها، تولید کل در جامعه رقم بزرگ‌تری را نشان می‌دهد. ۳۷۱. **گزینه ۲**: بررسی تعاریف نادرست: «الف»: بازار در مفاهیم اقتصادی، جایی است که در آن بابت کالا یا خدمات خاصی پول مبادله می‌شود. / «پ»: تعریف ذکر شده مربوط به احیا است، نه حیازت. ۳۷۲. **گزینه ۲**: «الف» و «ب»: «از بازار عبور کند»؛ یعنی در ازای آن پول مبادله شود که این دو عبارت، این موضوع را شامل می‌شوند و به این مورد اشاره دارند. / «ب»: ارزش کالاها یک‌بار به صورت کالا و خدمات نهایی، برای جلوگیری از محاسبه دوباره منظور می‌شود. این مورد به «تولید کالا و خدمات نهایی» اشاره دارد. / «ت»: فعالیت دست‌فروشان چون غیرقانونی است، در تولید ملی محاسبه نمی‌شود. این مورد به «مجاز و قانونی بودن» تولیدات اشاره دارد. ۳۷۳. **گزینه ۲**: بررسی عبارات نادرست: «الف»: بازار مناقصه جهت فروش‌های دولتی مناسب است. / «ت»: قیمت، عامل هماهنگ‌کننده مصرف‌کننده و عرضه‌کننده است. ۳۷۴. **گزینه ۲**: «الف»: در این نمودار چون شیب منحنی صفر است، هرچه مقدار تقاضا برای کالا افزایش می‌یابد، در قیمت تقاوتی ایجاد نمی‌شود. / «ب»: کاستن از کیفیت کالا لزوماً موجب افزایش سود نمی‌شود؛ بلکه در بلندمدت باعث ضرر می‌شود. ۳۷۵. **گزینه ۱**: توضیح بخش «پ»: معیار رفاه بیشتر، درآمد سرانه بیشتر است. برای این کار درآمد کل هرسال را تقسیم بر جمعیت آن سال می‌کنیم و سپس با هم مقایسه کرده تا ببینیم کدام سال درآمد سرانه بیشتر بوده است: $\left. \begin{aligned} 84 \text{ سال} &= \frac{51000000}{600000} = 85 \\ 85 \text{ سال} &= \frac{52000000}{650000} = 80 \end{aligned} \right\} = 85 > 80$

۳۷۶. گزینه ۲ بررسی عبارات نادرست: «ب»: هزینه استهلاک از سود ناخالص کم می‌شود. / «پ»: ورقه‌های خریداری شده، کالای واسطه‌ای برای تولید اتومبیل هستند.
۳۷۷. گزینه ۲ «الف»: درآمد ملی؛ تمامی درآمدهای مردم یک کشور چه در خارج و چه در داخل آن کشور. / «ب»: در نقطه a با کمبود تقاضا به علت بالا بودن قیمت روبه‌رو هستیم. / «پ»: قابلیت مصارف متعدد منابع به معنای این است که یک منبع را برای چند هدف مختلف می‌توانیم استفاده کنیم.
۳۸۰. گزینه ۱ میزان نقدینگی در گذشته را با استفاده از فرمول زیر محاسبه می‌کنیم:

$$\text{مجموع مسکوکات موجود در گردش} + \text{مجموع اسکناس‌های در گردش} = \text{میزان نقدینگی در گذشته}$$

$$1800 + (1800 \times \frac{2}{3}) + 2800 = 2080 + 1200 = 3280$$

بررسی سایر گزینه‌ها: در گزینه‌های «۱» و «۲» به این بخش از سؤال پاسخ درست داده شده است؛ بنابراین گزینه‌های «۳» و «۴» را حذف می‌کنیم. در این مرحله حجم نقدینگی (یا حجم پول) در شرایط امروزی را با استفاده از فرمول زیر به دست می‌آوریم، شبه پول در واقع همان پول‌های تحریری فرض می‌شود: شبه پول + مسکوکات موجود در دست مردم + مجموع اسکناس‌های در دست مردم = حجم نقدینگی

$$1800 + (1800 \times \frac{2}{3}) + 1000 = 2800 + 1200 = 4000$$

(صفحه ۶۰ کتاب درسی)

۳۸۱. گزینه ۲ میزان نقدینگی در گذشته را با استفاده از فرمول زیر محاسبه می‌کنیم:

$$2000 + \text{شبه پول} + \text{مسکوکات موجود در دست مردم} + \text{مجموع اسکناس‌های در دست مردم} = \text{حجم نقدینگی}$$

مجموع مسکوکات موجود در گردش + مجموع اسکناس‌های در گردش = میزان نقدینگی در گذشته

مجموع مسکوکات خارج از گردش + مجموع اسکناس‌های خارج از گردش +

$$x = 1500 + 1000 \rightarrow x = 2500$$

(صفحه ۶۰ کتاب درسی)

۳۸۲. گزینه ۲ «الف»: اگر پول بتواند در طول زمان ارزش خود را حفظ کند، قدرت خرید آن دست‌خوش تغییر می‌شود. / «ب»: پول در مقابل سطح

عمومی قیمت‌ها، گاهی ارزش خود را از دست می‌دهد. / «پ»: باز هم مثل عبارت قبل، قدرت خرید پول در جامعه وابسته به سطح عمومی قیمت‌ها است. / «ت»: این بار هم مثل دو عبارت قبل، قدرت خرید پول رابطه‌اش با سطح عمومی قیمت‌ها غیرمستقیم یا معکوس است؛ یعنی با افزایش قیمت

تا قدرت خرید پول کاهش می‌یابد و بالعکس. / «ث»: کاهش قدرت خرید پول موجب ایجاد تورم می‌شود. (صفحه ۵۹-۶۰ کتاب درسی)

۳۸۳. گزینه ۲ «الف»: به دلیل آن که یک واحد پول نتوانسته در طول زمان ارزش خود را حفظ کند. / «ب»: قدرت خرید پول در هر جامعه‌ای وابسته به

سطح عمومی قیمت‌ها است. / «پ»: سطح عمومی قیمت‌ها با «قدرت خرید پول» رابطه غیرمستقیم دارد با کاهش یکی، دیگری افزایش می‌یابد.

(صفحه ۵۹ کتاب درسی)

۳۸۴. گزینه ۱ «الف»: در صورت ایجاد تورم می‌گوییم پول، قدرت خرید خود را از دست داده است؛ یعنی نتوانسته است ارزش خود را حفظ کند. /

«ب»: دلیل اینکه تورم را مشکل اقتصادی می‌دانیم؛ زیرا باعث کاهش رفاه خانواده‌ها و ضرر پسانداختندگان می‌شود و قدرت خرید آنان را می‌کاهد.

(صفحه ۵۹ کتاب درسی)

۳۸۵. گزینه ۳ «الف»: تورم را در این جامعه با روش زیر محاسبه می‌کنیم:

$$\frac{22000 - 12000}{12000} = \frac{10000}{12000} = \frac{10}{12} \rightarrow \frac{10}{12} \times 100 = 83\%$$

(صفحه ۵۹-۶۰ کتاب درسی)

«ب»: افزایش پول در جامعه با افزایش تولید هماهنگ نیست.

۳۸۶. گزینه ۴ «الف»: تورم را در این جامعه با روش زیر محاسبه می‌کنیم:

$$\frac{15000 - x}{x} = \frac{15}{100} \rightarrow 150000 - 100x = 15x \rightarrow 150000 = 115x \rightarrow x = \frac{150000}{115} \approx 13043$$

(صفحه ۶۰ کتاب درسی)

۳۸۷. گزینه ۲ «الف»:

$$\frac{x - 1000}{1000} = \frac{40}{100} \rightarrow 100x - 100000 = 40000 \rightarrow 100x = 140000 \rightarrow x = 1400$$

(صفحه ۶۰ کتاب درسی)

$$\frac{2500 - 1000}{1000} = x \rightarrow x = \frac{1500}{1000} = 1/5 \rightarrow 1/5 \times 100 = 15\%$$

(صفحه ۶۰ کتاب درسی)

۳۸۸. گزینه ۲ قیمت ابتدای یک سال، قیمت انتهای سال قبل است؛ یعنی قیمت ابتدای سال ۹۷، قیمت انتهای سال ۹۶ است. با توجه به این موضوع، فرمول

تورم را برای سال ۹۶ می‌توانیم نوشته و اعداد را جاگذاری کنیم: قیمت ابتدای سال ۹۶ = ۱۰۰۰ = ۹۶ → x = ۱۰۰۰ = ۹۶ → ۵۰x = ۱۵۰۰۰۰ - ۱۰۰x → x = ۱۰۰۰ = ۹۶

قیمت ابتدای سال ۹۶ که به دست آمد، همان قیمت انتهای سال ۹۶ است؛ پس می‌توانیم در فرمول تورم جایگذاری کنیم و قیمت ابتدای سال ۹۵ را به دست آوریم: قیمت ابتدای سال ۹۵ = ۹۰۹ → x = ۹۰۹ = ۹۵ → ۱۰۰x = ۱۰۰۰۰۰ - ۱۰۰x → x = ۹۰۹

(صفحه ۶۰ کتاب درسی)

۳۸۹. گزینه ۲ سود اسمی، سودی است که میزان تورم از آن کسر نشده است و در واقع همان سود اعلامی بانک است، پس سود اسمی همان ۱۵ درصد

است. برای به دست آوردن سود واقعی، تورم را از سود کسر می‌کنیم: ۱۵ - ۹ = ۶

(صفحه ۶۰ کتاب درسی)